

2021



جزوه استاد محمد علی پورصمدی

Insta and Telegram ID : @MH\_HABIBI\_FX

گردآورنده این مجموعه: محمد حبیبی

## PART 1

### Fundamental

#### (چرخه های اقتصادی)

در اقتصاد هر کشوری چند قسمت وجود دارد:

1. **خانوار:** خانوار شمایی، پدر و مادر ما خواهر و برادر ما و همه ما که داریم در یک کشور زندگی میکنیم و تشکیل خانوار میدهیم.
2. **بازار کار:** تمام افراد نیروهای آموزش دیده سده توسط خانوار هستند که در یک سبکی، رشته ای متخصص شده اند و به بازار کار تزریق شده اند ما به این ها میگوییم بازار کار که شامل نیروهای کار هستند.
3. **بنگاه های اقتصادی:** ما به دو الا چند نفر تا چند هزار نفر که تشکیل یک شرکت میدهند بنگاه اقتصادی میگوییم برای مثال حتی آن دونفری که نشستند در یک زیر پله و دارند کفش تولید میکنند هم از دیدگاه اقتصاد کلان جزو بنگاه اقتصادی هستند.
4. **بازار عرضه کالا و خدمات:** در این بازار ، کالاها و خدمات ارائه میشود خدماتی که توسط بنگاه های اقتصادی تولید میشود.

#### این چرخه از کجا شروع میشود؟

چرخه از آنجایی شروع میشود که خانوارها نیروی کار را برای ورود به اجتماع و بنگاه های اقتصادی ایجاد میکنند و نیروی کار را به بازار کار در هر سطحی تزریق میکنند و باتوجه به تخصصی که دارند در بنگاه های اقتصادی استخدام میشوند و کار میکنند از کارگر،مدیر،مدیر داخلی،مهندس و... شامل این موارد میشوند.

#### وظیفه بنگاه اقتصادی چیست؟

وظیفه بنگاه اقتصادی تولید کالا و خدمات است.

#### بنگاه های اقتصادی کالا و خدماتی که تولید میکنند ، قرار است کجا ارائه دهند؟

به بازار عرضه کالا و خدمات! بستری باید وجود داشته باشد که کالاها و خدمات آنجا ارائه شود که به آن میگوییم بازار عرضه کالا و خدمات

حالا وقتی که ارائه شد چه کسی قرار است از این بازار عرضه کالا و خدمات استفاده بکند؟ خانوار! خانوارها هستند که در نهایت باید این چرخه را تکمیل بکنند و از آن بازار عرضه کالا و خدمات همان خانوارها استفاده میکنند.

حالا این چرخه یک چرخه معکوس هم دارد!

چرخه ای که به آن میگویند پرداخت دستمزد یعنی:

بنگاه اقتصادی به ازای کاری که توسط بازار کار و نیروی کار برایش انجام شده به آن ها دستمزد و درآمد ارائه میدهد ، بازار کار آن درآمد را به خانواده تزریق میکند و هزینه های خانوار را با آن پوشش میدهد.

پس درآمد در این چرخه دارد معکوس عمل میکند برعکس آن اتفاقی که اول افتاد!

حالا این درآمد در بخش عرضه کالا و خدمات به صورت مخارج عمل میکند (بلاخره هر خانواده ای یک سری مخارجی دارد که باید این مخارج را در بازار کالا خدمات ارائه بدهد تا نیاز خودش را برطرف بکند) حالا!

وقتی آن مخارج ارائه شد و کالا خدمات چرخش چرخید باعث تولید ملی میشود یعنی تولید ما ملی افزایش پیدا میکند. اگر تولید ملی بخوابد کل کشور میخوابد، و اگر من و شما جنس ایرانی مصرف نکنیم و واقعا از بازار عرضه داخلی مصرف نکنیم دقیقا برمیگردد به خودمان! خانواده خودمان بیکار میشوند طی همین چرخه ساده ای که مشخص کردیم. البته این چرخه به این سادگی نیست!

چند پارامتر دیگر نیز وجود دارد مانند: بازار سرمایه که پس اندازهای خانوار مازاد بر مخارجشان (آن پولی که دستشان میماند)

(واقعیت این است که این چرخه برای اقتصادهای توسعه یافته است) ما در ایران در همه این چرخه مشکل داریم و وضعیت خیلی خراب است)

ما در بازار کارمان نیروی متخصص کم داریم. مازاد مخارج وارد بازار پولی و مالی مانند بانک و بازار سرمایه میشود ((خانوار پولی مازاد به دست می آورند یا آن پول را میگذارند در بانک تا سود بگیرند یا میگذارند در بورس تا سرمایه گذاری کنند یا آن را میدهند به صندوق های سرمایه گذاری که آن ها برایش سرمایه گذاری کنند))) به هر ترتیبی این پول دارد به بازار پولی و مالی تزریق میشود! حالا اگر این پول به بازار پولی و مالی تزریق شود چه اتفاقی می افتد؟! بنگاه های اقتصادی در این حالت میتوانند وام بگیرند و از تسهیلاتشان استفاده بکنند یعنی دوباره آن پولی که بنگاه اقتصادی به خانوار داد دوباره به بنگاه های اقتصادی تزریق میشود. حالا!

بنگاههای اقتصادی هم مازاد مخارج (پس انداز) را در بازار پولی و مالی پس انداز میکنند، و از سود آن استفاده میکنند. و خانوار هم با رشد بازار پولی و مالی سود دریافت میکند.

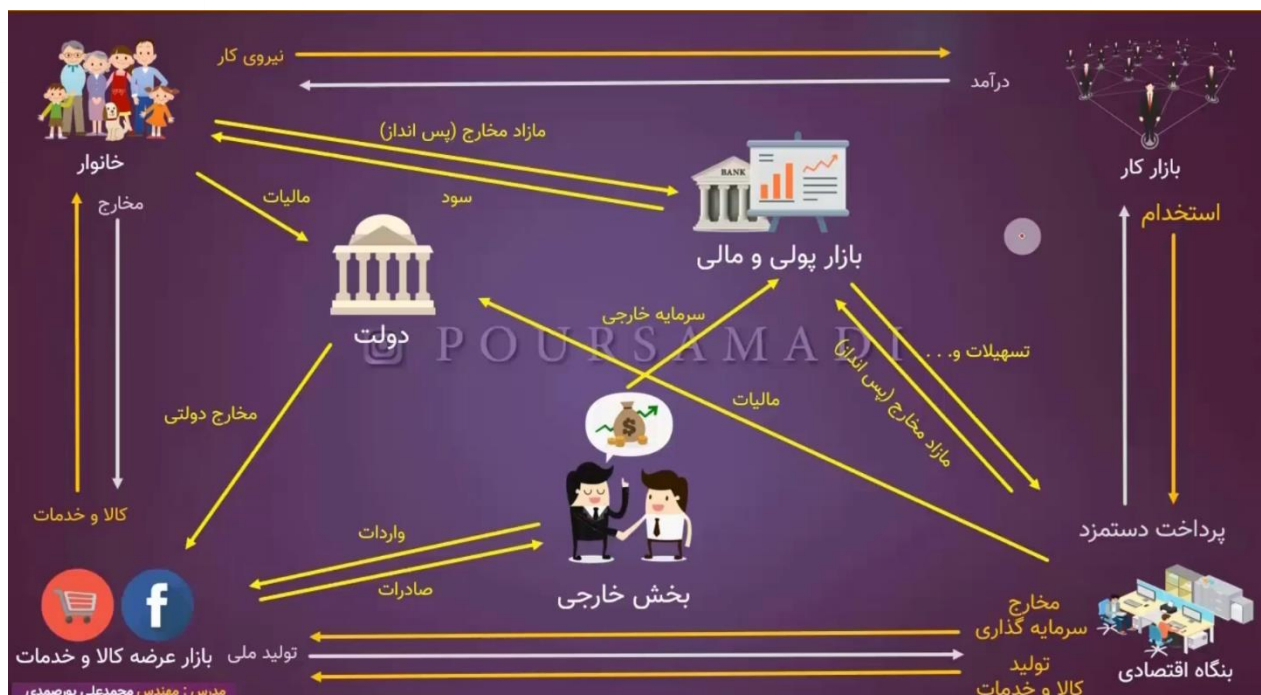
دولت از مالیاتی که از خانوار و بنگاه های اقتصادی میگیرد هزینه ها و مخارج دولتی را تامین میکند و اینطوری هست که چرخه اقتصاد را میچرخاند و میگوید که این وظیفه من است پس شما باید مالیات بدهید تا من این چرخه را اداره کنم و اگر دولت کارش را درست انجام دهد منطقی هم است که مالیات بگیرد.

بنگاههای اقتصادی وقتی تسهیلات و سرمایه ای میگیرند این مخارج سرمایه گذاری شان را در بازار کالا و خدمات تهیه میکنند یعنی یک بنگاه اقتصادی به میز و صندلی، کامپیوتر و تجیزات دیگر نیاز دارد این بنگاه هم میرود از بازار کالا و خدماتی که احتمالا توسط یک بنگاه اقتصادی دیگر ارائه شده استفاده میکند.

یک بخش دیگر وجود دارد به اسم بخش خارجی؛ این بخش خارجی کارش چی هست؟! بخش خارجی واردات و صادرات را از بازار کالا و خدمات داخلی واریز و برداشت میکند یعنی هم به این بازار تزریق میکند هم از این بازار برداشت میکند و آن اقتصاد، اقتصاد خوبی است که نسبت صادراتش از وارداتش بیشتر باشد این اقتصاد اقتصاد پویایی است.



بخش خارجی سرمایه‌های خارجی را به بازار پولی و ارزی می‌آورد این مورد می‌تواند برای ما و چرخه اقتصادی سود ده باشد.



گفتیم چند قسمت در اقتصاد هر کشوری وجود دارد:

1. خانوار

2. بازار کار

3. بازار عرضه کالا و خدمات

4. بنگاه های اقتصادی

5. بخش خارجی

مگر اینها گوشه هایی از اقتصاد نبودند؟ خب! بالاخره باید یا یک چیزی سنجیده بشوند که بفهمند اقتصاد دارد درست کار میکند.

برای اینکه بفهمند در اقتصاد وضعیت خانوار در چه وضعی است با یک سری شاخص ها آن را میسنجند مثلاً:

**شاخص قیمت مصرف کننده یا CPI این شاخص چه کار میکند؟**

این شاخص تغییرات قیمت در سبد خانوار را نشان میدهد و عملاً در این سیستم ها برای اینکه تورم را بسنجند از شاخص CPI استفاده میکنند و با سیاست های پولی و مالی آن را تغییر میدهند. (منظور از سیاست پولی این است که سیاست هایی که بانک مرکزی لحاظ میکند مانند نرخ بهره)

اقتصاد هایی که سازو کار درستی دارند بانک مرکزی این شاخص هارا مشخص میکند و به بازار ارائه میدهد.

**سیاست های مالی چه سیاست هایی اند؟**

سیاست هایی اند که دولت مشخص میکند مانند مالیات، پارانها، بسته های حمایتی و... سیاست های مالی میگویند.

بخش بازار کار را با شاخص هایی مانند NFP (آمار بیکاری و اشتغال) میسنجند؛ که بیکاری را برای بخش غیر کشاورزی میسنجد در واقع نیروی کاری که نسبت به ماه قبل کم و زیاد شده را میسنجد و یکی از خبرهایی است که خیلی مهم است.



بنگاه های اقتصادی و بازار عرضه و کالا و خدمات را می آیند با شاخص هایی مثل ISM (شاخص های بخش صنعت و خدمات) که وضعیت شاخص صنعتی کل کشور را از نظر صنعت و وضعیت اقتصادی کشور را از نظر مدیران میسنجد.

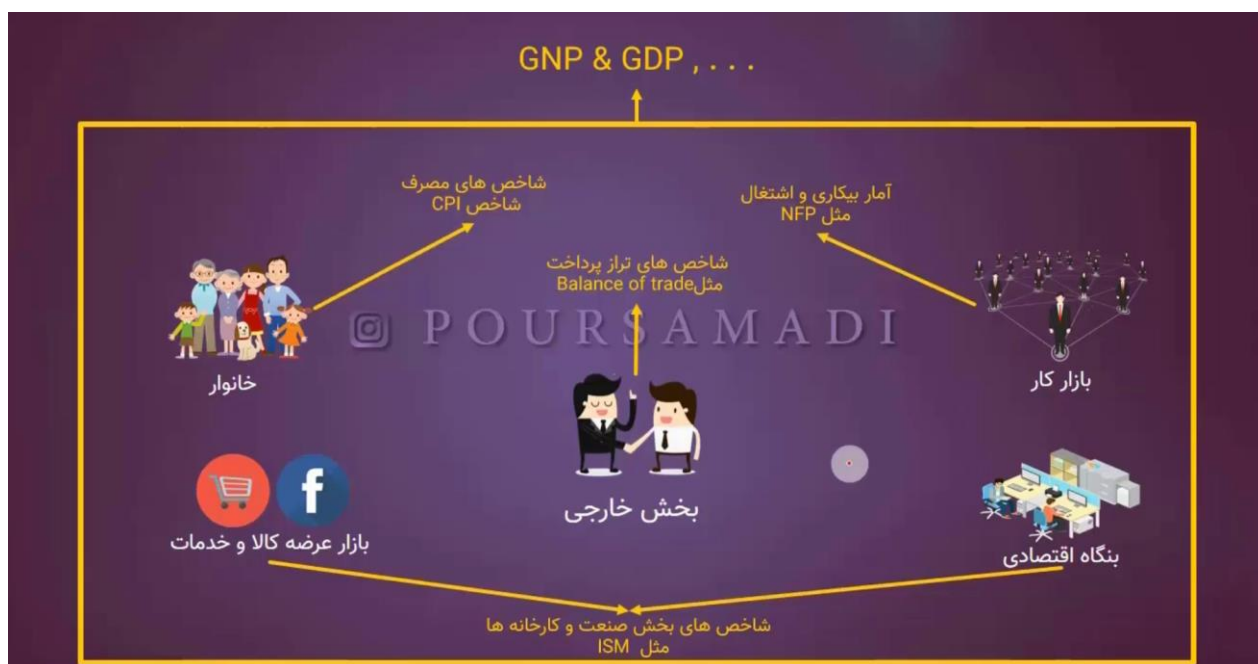
بخش خارجی هم با یکسری پارامترها مثلاً Balance of trad (شاخص های تراز پرداخت) این شاخص مقدار پولی، دلاری که از کشور برای صادرات وارد میشود و مقدار پولی که بخاطر واردات خارج میشود را میسنجد اگر این نرخ مثبت باشد یعنی اقتصاد دارد درست کار میکند.

کل این مجموعه هم باید با یکسری شاخص ها سنجیده شود که نرخ GDP و GNP که تولید ناخالصی کشور هستند حالا فرقشان چیست!؟

GNP تولید ملی آن کشور را بررسی میکند حالا مهم نیست که داخل آن کشور ایجاد شده باشد برای مثال میتواند فرد امریکایی باشد که در اروپا کار میکند و این فرد و کمپانی اش روی GNP تاثیر میگذارد. ولی GDP فقط می آید بنگاه ها و شاخص و خدمات و تولیدات رشد داخلی کشور را میسنجد.

پس این دیدگاه کلی شد در مورد اقتصاد کلی که در هر کشوری حاکم است و ما میتوانیم از آن استفاده کنیم برای کسب شود درون معاملات خودمان.

خب دیدید همه اینها چه ساده بود! وقتی ما همه این هارا کنار هم میگذاریم تولید یک دیدگاه میکند و ما با آن دیدگاه میتوانیم ترید بکنیم و نیازی نداریم آنقدر توهم برمان دارد و با کلی سیستم های عجیب و قریب بخواهیم کار بکنیم به همین سادگی میتوان یک دیدگاه فاندمنتالی تمیز داشت.



## PART 2

### Definitions Market

#### بازار جهانی چیست؟

برای شروع باید برگردیم به صدسال قبل جایی که جنگ جهانی دوم روی گرفت و خیلی از کشورها مشغول جنگ با یکدیگر بودند و عملاً وقتی که جنگی در آن سطح ایجاد شد پس عملاً سیستم مالی نیز وجود نخواهد داشت. چون وقتی که همه جا در صلح و ثبات است ما کلی داستان های حاشیه ای داریم که سیستم های مالی به درستی نمیتوانند کار بکنند حالا فرض بکنید که صد سال پیش هیچ تکنولوژی مدرنی وجود نداشته و جنگ هم ایجاد شده است!

پس نیاز بود که یک سیستم ایجاد شود و افراد بتوانند در آن فعالیت بکنند و اینطور شد که خیلی از کشورها در نشست شرکت کردند به اسم نشست برتون وودز که حاصل آن سیستم مالی برتون وودز شد که کشورهایی مانند آمریکا، بریتانیا و 42 کشور دیگر که در جنگ شرکت داشتند و... (برای اطلاعات بیشتر در گوگل سرچ کنید)

این کشورها کنار هم جمع شدند تا به یک سیستم مالی برسند تا بتوانند در کنار همدیگر به تجارتشان برسند چون جنگ تمام شده بود.

این نشست توافق نامه ای داشت، این توافق نامه ایجاد شده بود که بتواند ارزهای کشورها را به طلا وابسته کنند، برای شروع تجارت اینگونه میتوانستند یک بستری ایجاد بکنند که خیلی مستحکم باشد و اگر نیاز بود درون قدرت ارزها تغییری ایجاد شود با نظر دولت ها و سیستم مشورتی (سیستم برتون وودز را به اسم سیستم مشورتی میشناسند و از آن یاد میکنند).

#### شکل گیری برتون وودز



ازدل این نشست world bank group و international monetary fund (صندوق بین المللی پول) ایجاد شد که هنوز هم این دو سازمان فعالیت خودشان را انجام میدهند.

سیستم بانک برتون وودز از بین رفت و سال 1971 سیستمی که در حال حاضر مشغول فعالیت با آن هستیم جایگزین آن شد اما نتایجی که این سیستم داشت برای اقتصاد جهانی خیلی خوب بود.

### سازوکار سیستم برتون وودز

در آن زمان چون یک بستر مناسب وجود نداشته نیاز بوده که ارزهای کشورها را به یک چیز بررسی کنند که بتوانند با آن تجارت انجام دهند و اینجا بود که آمدند ارزهای کشورها را به طلا وابسته کردند و گفتند: حالا که ما ارز کشورمان را بر اساس منابع طلا میندیم اجازه میدهم که مداخله داشته باشند درون قدرت ارزهای یشان و اگر ارزی بخواهد بالا پایین بشود ارزشش با مداخله دولت ها باشد و اگر کمتر از یک درصد کاهش داشت خود بانک مرکزی دخالت میکرد و مبادلات خرید انجام میداد و اگر بیش از یک درصد افزایش داشت خود بانک مرکزی گزینه های فروش را پیش پای مردم میگذاشت و اینطوری میتوانست آن ارز را کنترل کند. بعدها خیلی از مشکلات که (بعدا بررسی شان میکنیم) باعث شد این سیستم از بین برود.



### آن مواردی که باعث شد این سیستم از بین برود:

1. مشکل کمبود ذخایر طلا
2. مشکل عدم اطمینان
3. مشکل تعدیل تراز پرداخت ها
4. قطع رابطه دلار آمریکا با طلا

اصلی ترین دلیلی که سیستم برتون وودز از بین رفت همین قطع رابطه دلار آمریکا با طلا بود که از یک جایی به بعد آمریکا اعلام کرد پشتیبانی دلار آمریکا طلا نیست و همین باعث شد که پشتیبانی ارزهای دیگر کشورها دلار آمریکا شود و اینگونه سیستم برتون وودز از بین رفت.





خلاصه! این سیستم از بین رفت و نرخ ارز شناور جایگزین آن شد.

### نرخ ارز شناور:

نرخ ارز شناور میگوید که اگر میخواهد تراکنشی انجام شود بین یک ارز باید این نرخ ارز شناور باشد و اگر میخواهیم خرید و فروشی در سطح کلان انجام دهیم باید براساس عرضه و تقاضا باشد و هیچ دخالتی توسط بانک مرکزی و هیچ پشتیبانی مالی اضافی وجود نداشته باشد که بخواهد روند درست تغییرات قیمت را عوض بکند.

این سیستم در سال 1971 ایجاد شد و باعث شد که سیستم قبلی برتون وودز از بین برود.

**نکته:** وقتی که یک کشوری میخواهد در جهان تراکنشهای درستی در سطح کلان انجام دهد میبایست که به بازار فارکس وصل باشد یعنی عرضه و تقاضا نرخ ارز این کشور را تعیین بکند نه دولت ها.

یک بستری آماده شد که کشورها بتوانند عرضه و تقاضا را بررسی بکنند که نام آن فارکس گذاشته شد.

**سوال:** در آن زمان چگونه این پول ها مبادله میشد؟

اگر کشوری برای مثال میخواست 10 میلیون دلار را با ارز دیگر کشور چنج کند باید این پول هارا جمع آوری میکردند و در داخل چمدان به کشور مقابل تحویل میدادند و ارز مورد نظرشان را میگرفتند.

این اتفاق تا سال 1971 ادامه پیدا کرد تا اینکه سیستم فارکس ایجاد شد اما جالبی این نکته اینجاست که تا سال 1991 این بستر در انحصار دولت ها بوده.

ما اولین نسل از انسان ها هستیم که در طول تاریخ به همچنین سیستمی وصل شدیم.

### مزایای فارکس:

#### 1. عدم نیاز به مکان ثابت

این آپشن بزرگی است که به آدم در هر نقطه از جهان بتواند پول در بیاورد. این ویژگی میتواند اولویت اول یک انسان باشد چون میتوان فقط با اینترنت و داشتن یک لپتاپ یا گوشی کسب درآمد کنیم.

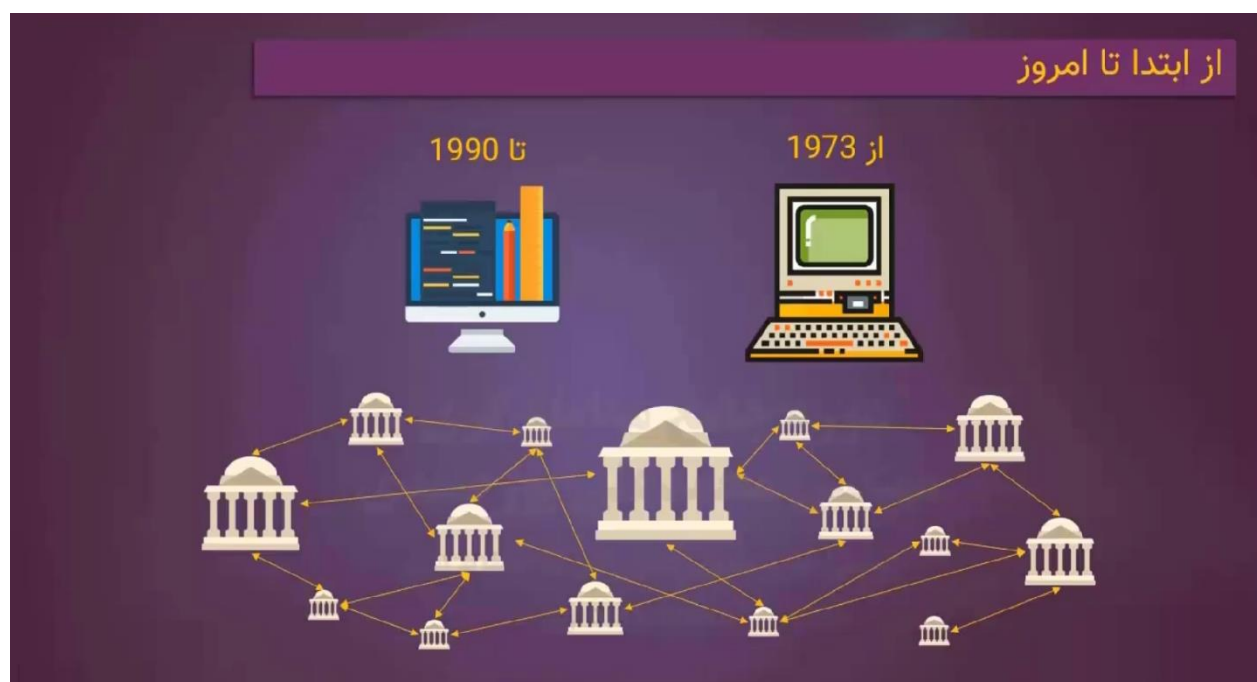
## 2. تجارت بر اساس دانش

یک اولویت بزرگ بازارهای مالی این است که همه چی شفاف است و اگر شما بخواهید یک روزی تصمیم بگیرید برای معاملاتتان بر اساس تحلیل فکری و منطقی میتوانید روی آن حساب بکنید و اگر حتی هم شکست بخورید این شکست محسوب نمیشود چون شما یک جایی اشتباه کردید که منجر به ضرر شدید و اگر دفعه بعد آن اشتباه را انجام ندید دیگر آن ضرر تکرار نمیشود و میتوانید روی سودهای بعدی حساب باز کنید.

### \*از ابتدا تا امروز\*

از سال 1973 تا سال 1990 که یک بستری ایجاد شد که آدم های عادی بتوانند در این بازار فعالیت بکنند نبودیم و فقط در انحصار بانک ها بود و این بانک ها بودند که در این بستر فعالیت میکردند ، ما باید خیلی خوشحال باشیم که در این نسل از تاریخ بشر هستیم چون تنها نسلی هستیم که به یک جایی وصل هستیم که هیچ کدام یک از آدم های قبل از ما نمیتوانستند به همین ثروتی وصل بشوند.

ببینید شما به یک جایی وصل هستید که همه بانک های دنیا دارند درونش معامله میکنند و همه ی ثروت دنیا اینجا است حالا این ثروت یک علم، مغز، فکر و از همه مهمتر کنترل احساسات و کنترل پولتان است این موارد را اگر داشته باشید بینهایت از این بازار پول در می آورید یعنی پول هایی میتوانید در بیاورید که الان که شروع کردید نمیتوانید تصورش را هم بکنید چون از صورتان بزرگتر است.



## 3. بیست و چهار ساعته بودن بازار فارکس

**نکته:** درست است که این بازار 24 ساعته است اما این به این دلیل نیست که ما بخواهیم هر ساعته از شبانه روز ترید کنیم. این یک مزایای خوب است برای کسانی که به عنوان شغل دوم به این بازار بنگرند.

### فعالیت کشورهای مختلف در بازار



خیلی ها هستند که فول تایم کار میکنند اما واقعا نیاز نیست که شما 24 ساعت پشت بازار باشید و کار کنید. ما داریم معامله گر میشویم که 24 ساعته یکجا بند نباشیم و از زندگیمان بتوانیم لذت ببریم که یکی از قشنگی های این بازار همین است.

### 4. حجم بالای معاملات

حجم بالای معاملات باعث میشود که بفهمیم خریدار و فروشنده زیادی در این بازار وجود دارند. یک بازار وقتی که حجم معاملات درونش زیاد میشود بازاری میشود که قابل پیش بینی است. حجم این بازار انقدر زیاد است که حتی یک بانک هم نمیتواند وضعیت بازار را تغییر دهد و این برای ما یک مزایا حساب میشود چون ما میدانیم که این بازار دارد منطقی عمل میکند و اگر ما براساس علم پیش برویم میتوانیم سود بکنیم چون کسی نیست که براساس نظر شخصی خودش بازار را تغییر دهد.

### حجم بالای معاملات





### \*معاملات بین بانکی با حجم و تعداد بسیار بسیار بالا\*

این بازار حدود پنج هزار میلیارد تراکنش مالی دارد  
این بازار بازار بین بانکی است شما فرض کنید بین تعداد زیادی از بانک ها دارند هر لحظه باهم معامله انجام میدهند و ما به عنوان یک گزینه کوچک از این معاملات هستیم و در اصل در این بازار اصلا حساب نمیشویم.

#### 4. سرمایه اندک

یکی مزایای دیگر فارکس سرمایه اندک است.  
شما میتوانید در این بازار با مقدار پول کم ترید کنید.  
در این بازار شما نیاز نیست پول داشته باشد شما فقط به این لول برسید که بتوانید ماهانه ده تا بیست درصد مستمر سود کنید  
آمقدر سرمایه گذار هستند که روی شما سرمایه گذاری کنند

#### 5. بازار دو طرفه

ما در این بازار هم میتوانیم از بالا رفتن قیمت سود بگیریم هم از پایین آمدن قیمت شاید سوال کنید که چگونه میشود که چیزی را که نداریم میفروشیم؟؟ در ویدیو بعدی به این بحث میپردازیم  
\*حجم تراکنش مالی بازار های مختلف (اعداد به میلیون دلار)\*  
اینجا بحث تراکنش است نه ارزش. (ارزش داستانش فرق دارد)  
اینجا درباره ی تبادل پول بحث میکنیم.



خب! این اعداد باعث میشود که آدم تصمیم بگیرد که برود جای بزرگ شنا کند  
**ضرب المثل:** اگر میخوای کوسه، نهنگ (آدم بزرگ) بشوید باید بروید درون اقیانوس شنا کنید نمیتوانید درون برکه شنا کنید و تبدیل به یک نهنگ بشوید.



تصویر بالا مربوط به تراکنش بازار تبادل ارز یا همان فارکس است.

**نکته:** خودتان را محدود نکنید به جفت ارز معامله کردن شما شاخص های بورس، سهام های خارجی ، طلا، نفت و... را دارید و میتوانید روی آن ها هم معامله انجام دهید.

### بازیگران بازار

#### ماهیت بازار ارز جهانی

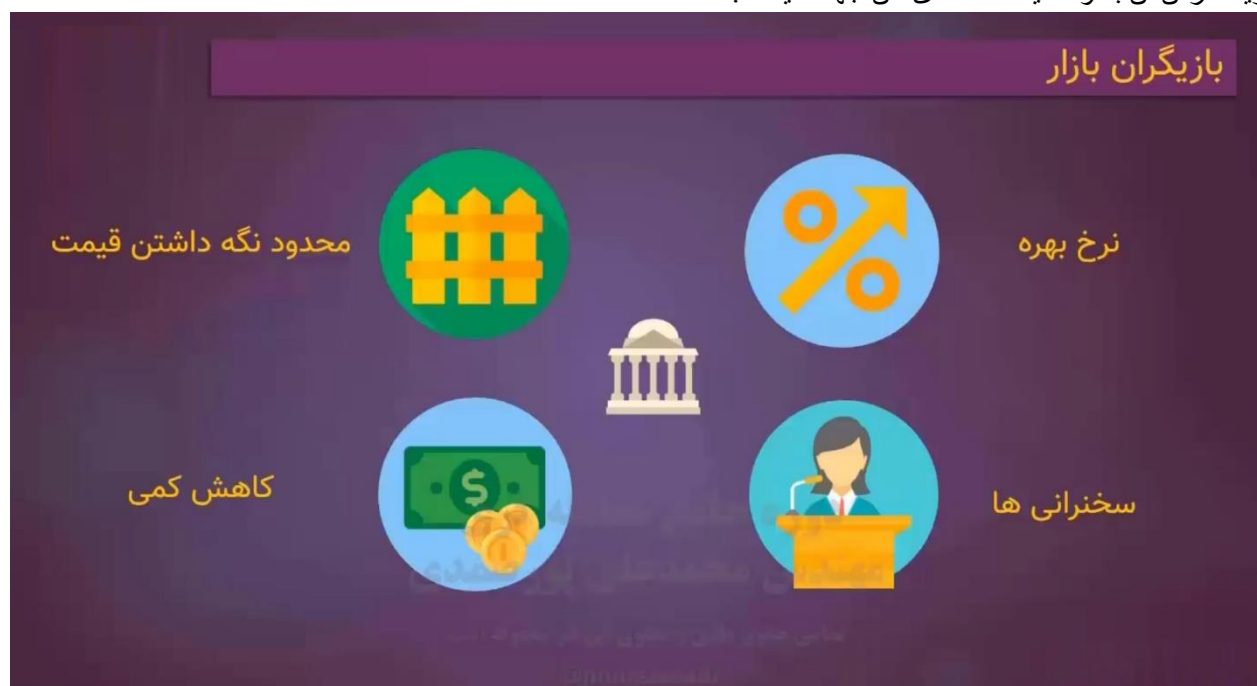
تا به اینجا متوجه شدیم یک ، بستری وجود دارد که ما میتوانیم در این بازار معامله انجام دهیم و میتوانیم خیلی از پارامترها مثل ارزها ، نفت، طلا ، بیتکوین ، سهام هایی که درون بازار عرضه میشود ، نقره و...

**نکته:** قرار نیست ما روی همه این ها معامله بکنیم این نکته ای است که باید از الان مد نظرتان باشد ما فقط روی بعضی از این ها معامله میکنیم مثله جفت ارز ها، طلا، شاخص هاو... چون همه اینها آنقدر پتانسیل خوبی برای سودآوری ندارند و شاید رفتار قیمتشان رفتاری نباشد که ما دوست داریم بخاطر همین قرار نیست که ما روی همه اینها معامله بکنیم و هر جا که موقعیت معاملاتی دیدیم معامله باز کنیم.

ما برای اینکه به یک سطحی برسیم که بتوانیم سودآوری داشته باشیم باید خیلی تخصصی تر کار بکنیم یعنی بیاییم روی یکی از پارامترها تخصصی کار بکنیم که بتوانیم در دراز مدت روی آن سودده باشیم.

## بازیگران این بازار چه کسانی هستند؟ و چه کسی پشت این داستان ها است؟

در مرحله اول بانک های مرکزی بزرگترین بازیگران این بازارند. چون ارزهای کشورهای مختلف در این بازار خرید و فروش میشود و این وظیفه بانک های مرکزی است که روی آنها نظارت داشته باشند و بتوانند با اعمال سیاست ها به ارز کشور خودشان جهت بدهند و اگر ببینند که ارز کشورشان در خطر است یا دارد به سمتی میرود که برای کشور مشکل ایجاد میکند با یکسری از پارامترها، اهرم ها آن جهت را تغییر میدهند و اگر بخواهیم به این اهرم ها اشاره کنیم بزرگترین آنها نرخ بهره هست که بانک های مرکزی با اعمال نرخ های بهره و کم و زیاد کردن آن به وضعیت اقتصادی شان جهت میدهند.



**سخنرانیها:** بانک های مرکزی در خیلی از تایم ها یعنی خیلی به صورت مستمر درمورد سیاست های خودشان سخنرانی انجام میدهند که این سخنرانی ها میتواند جهت بازار را تغییر دهد و این دلیل هایی هست که میتوانیم به آن اشاره کنیم از این که بانک مرکزی دارد تغییراتی درون جهت روند ایجاد میکند مانند نوسان قیمت و... که دربحث فاندامنタル تخصصی به آن میپردازیم.

**بانک های بزرگ:** بانک های بزرگ دنیا یکی از بزرگترین بازیگران این بازارند چون نرخ معاملاتی خیلی بالایی دارند ، بانک های مرکزی خودشان اعمال سیاست میکنند اما این بانک های بزرگ اند که بر اساس آن نرخ ها دارند معاملات خودشان را انجام میدهند چون عملاً این بازار شبکه ای از بانک های متصل به هم است و اگر بخواهیم درصد بندی بکنیم چیزی حدود ۹۵ درصد از این بازار را بانک های بزرگ و موسسات مالی انجام میدهند و در مرحله بعدی است که شرکت های تجاری میانند به آن ها می پیوندند.

**شرکت های تجاری:** موسسات مالی هم به همان صورت که بانک ها معامله میکنند آن ها هم معامله میکنند چون خیلی از منافعشان در انجام معامله است عمده فعالیت این بانک ها موسسات در بازار فارکس است. شرکت های تجاری عمده فعالیتشان در هج کردن است.



**هج کردن یعنی چه؟! یعنی اینکه یک بانکی یا یک موسسه ی تجاری برای مثال از کشور های حوزه یورو میخواهد یک چیزی خریداری و وارد کشور خودمان کند مثلاً اگر آن جنس را با یورو بخرند در اصل به اندازه مقدار آن جنس یورو داده اند حالا اگر ارزش یورو بیايد پایین این شرکت ضرر کرده است.**

حالا چه راهکاری برای این مورد وجود دارد!؟

برای این مشکل یک راه حل وجود دارد که شرکت های تجاری میایند در اینجا عمل هج hedg انجام میدهند یعنی به همان مقداری که در بازار جنس خرید کرده اند در بازار فارکس با لورجی که دارند استفاده میکنند و به همان مقدار در بازار فارکس پوزیشن بای میگیرند و مثله یک اله کلنگ عمل میکند و هرچقدر در بازار ضرر کنند به همان مقدار در فارکس سود میکنند و اینها یکدیگر را پوشش میدهند.

**معامله گران و سرمایه گذاران:** ما معامله گر ها جزو این دسته نیستیم چون حجم معاملاتی ما در مقابل این بازار با این حجم بزرگ بسیار کم است.

وقتی حرف از معامله گر و سرمایه گذار میزنیم داریم از عدد بالای ده بیست میلیون دلار حرف میزنیم یعنی خرده سرمایه گذاریشان ده بیست میلیون دلار در حسابشان پول است و این افراد هستند که 5% از بازار را تشکیل میدهند نه افرادی مثل ما که سرمایه های خیلی کمی داریم.

**نکته:** خواهشا این تفکر اشتباه را دور بریزید که الان ما داریم در بازار معامله میکنیم، بازار میخواهد از ما سود کسب کند درست است اگر دوباره ی بازار بورس ایران بخواهیم این حرف را بزنیم قبول است چون بازار بورس بازار کوچکی است اما این بازار انقدر بزرگ است که شما اصلاً به چشم نمیایید.

## PART 4

### Definitions

### Make Money Solutions

#### راه های درآمد زایی از بازارهای مالی:

**نکته:** بعد از اینکه شما معامله گر شدید این کارها هم میتوانید برای درآمد زایی استفاده کنید.

#### 1. معامله گری

##### 1. کسب سود از معاملات خود

شمار روز های ،ماه ها یا حتی سال اول معامله گریتان نباید انتظار سودهای زیاد داشته باشید. چون شما مثل یک دانشجو هستید که تازه وارد دانشگاه شده است و از یک تازه کار نباید انتظار داشت مثلاً دانشجوی حقوق ترم یک یا دو نمیتواند برود دادگاه و از فرد مورد نظرش دفاع کند چون هنوز چیزی نمیداند.

\*بازار های مالی واقعا اگر چیزی از تمام رشته بیشتر نداشته باشد کمتر ندارد چون این بازار بازاری است که مستقیم با پول در ارتباط است.

## 2. کسب شود از حساب های متصل شده

شما در هر جمعی که بنشینید (دوستان، آشنایان و...) یک پولی دارند پولی که نه برای وام یا خرید هیچ چیزی نیست و منفعل مانده و نمیدانند چه کارش کنند و در بانک مانده که سالی 20% سود بگیرند میشود ماهی 1.5% درصد که عملاً سود بزرگی نیست و اگر شما تنها فقط ماهی 5 درصد روی آن پول سود کنید حدود چهار، پنج برابر سود بانکی میشود.

## 3. کسب سود از کمیسیون حساب های متصل شده

وقتی که شما میخواهید یک سری از افراد را به حساب خود وصل کنید، چون شما آن افراد را وصل کردید به حساب خودتان آن سرمایه گذار را به آن کارگذاری و شما معرفی کردید، پس خود کارگذاری هم به شما قول دادن بخشی از کمیسیون های آن افراد را به شما میدهد.

## 2. تحلیل گری

### 1. ارائه تحلیل به صرافی ها

اگر شما دیده شوید و صرافی ها بفهمند که تحلیل های شما به درستی و به سود ختم میشود با شما همکاری میکنند و شما در ازای گرفتن مبلغی برای آنها تحلیل ارائه میدهید صرفاً تحلیل نه سیگنال یا چیزی

### 2. استخدام در بانک ها موسسات و کارگزاری ها

شما وقتی که بعد از مدتی نمودار کسب سود خوبی میسازید یعنی توی حساب سرمایه گذاری خودتان کسب سود میکنید و نیاز نیست که خیلی خفن سود کرده باشید تنها کافی است که سودتان را منطقی رشد داده باشید مثلاً ماهی 10 الی 15 درصد سود کسب کرده باشید در این صورت یا خود کارگزاری با شما تماس میگیرد یا خودتان میتوانید هیستوری معاملتان را به کارگزاری ها یا بانک ها بفروشید و میتوانید با آن ها کار کنید قطعاً و بدون شک اگر شما بتوانید ماهی 10 الی 15 درصد سود بگیرید شما را روی هوا میگیرند.

### 3. ارائه تحلیل به افراد شخصی

خیلی از افراد هستند که معامله گر هستند اما هنوز به یک سطح مناسبی نرسیده اند که بتوانند درون بازار معاملات خوبی انجام دهند

حالا چرا؟! چون خیلی ها به دلیل اینکه دیتاهایی را میخوانند که غلط است و به طوری منسوخ شده اند. شما میتوانید با جذب این افراد و در ازای گرفتن مبلغی تحلیل بهشان ارائه دهید تا زمانی که خودشان حرفه ای شوند و بتوانند به درستی معامله کنند.

### 4. ارائه تحلیل در قالب سایت و فروش اکانت

شما میتوانید تحلیل هایتان را در سایتتان بگذارید و برای دسترسی دیگران به این تحلیل ها اکانت سایت را در اختیارشان بگذارید و مبلغی دریافت کنید.

## 5. ارائه تحلیل در قالب سایت و جذب تبلیغات

خب خیلی از جاها شما نیاز نیست که بیاید اکانت بفروشید شما میاید یک بستری را آماده میکنید و تحلیل های خوبی را در سایت یا هر جای دیگر که میخواهید فعالیت کنید و خوده این کارگزاری ها می آیند به شما تبلیغ میدهند چون که میدانند چشم تعدادی معامله گر به شماست و میخواهد این افراد جذب خودش کند در ازای این تبلیغات به شما مبلغی میدهند.

## 3. آموزش

**نکته:** اگر شما به سطحی نرسید که بدانید واقعا این افراد قرار است سود آور باشند این آموزش خیانت در حق آن افراد است که شما بیا بید بهشان چیزهایی را یاد بدهید که غلط و منسوخ شده است.

### 1. آموزش افراد

اگر واقعا خوب آموزش دهید افرادی که شما آموزش دادید شمارا به دیگران معرفی میکنند و میتوانید درآمد خوبی داشته باشید.

### 2. آموزش رایگان در فضای مجازی

شما میتوانید آموزش رایگان انجام بدید و برای مثال در اینستاگرام فالورهای خود را زیاد کنید و تبلیغ کنید.

### 3. سیگنال دهی

این کار زیاد مناسب نیست چرا؟!؟

خب آن فردی که دارد سیگنال میدهد اگر انقدر که حرفه ای است و به سیگنال خودش مطمئن است یک حساب **pamm** باز کند و این افراد را در غالب این حالت وصل بکند و چه کاری است که شما سیگنال به افراد بدهید و حالت های روانی را در نظر نگیرید

زیرا میتوان سیگنالی داد که فرد در یک نقطه وارد شوند اما یک نفر سود کند و فرد دیگر ضرر کند زیرا حالت های روانی 70 درصد کار است برای همین متفاوت است.

### 1. سیگنال دهی و فروش اکانت

خب چون که متقاضی در این حوزه زیاد است شما میتوانید در ازای گرفتن مبلغی و فروش حق اشتراک اکانت های خصوصی سیگنال ارائه دهید.

### 2. سیگنال دهی و جذب تبلیغات

شما میتوانید رایگان سیگنال دهید و مخاطب جذب کنید با جذب مخاطب زیاد شما میتوانید تبلیغ کنید و پول دریافت کنید. راه های دیگری نیز وجود دارد اما جمع بندی کلی این بود.



## PART 5 , 8

بخش های متاترید:

**Balace:** مقدار پولی که ما در حساب خودمان داریم را نشان میدهد.

**Equity:** مقدار پولی است که با توجه به معاملات باز نشان داده میشود و از مقدار سود و ضرر را جمع و تفریق میکند.

**Margin:** مقدار پولی است که ما در بروکر گذاشتیم که اجازه دهد ما معامله انجام دهیم درواقع مقداری از پول ما بلاک میشود تا ما بتوانیم معامله انجام دهیم.

**Free margin:** مقدار پولی است که منهای **Equity** اجازه داریم در بقیه معاملات استفاده کنیم.

**Margin level:** این درصد هرچه بیشتر باشد یعنی شما کمتر در ریسک هستید و هرچی کمتر شود یعنی بیشتر در خطر هستید.

بانک های مرکزی کشورها

### بانک مرکزی آمریکا FED Federal Reserve Board



FED >> بانک مرکزی آمریکا Federal Reserve board

<< ECB >> European Central Bank

بانک مرکزی اروپا

ECB

European Central Bank



<< BOJ >> Bank of Japan

بانک مرکزی ژاپن

BOJ

Bank of Japan





<< BOE >> Bank of England

بانک مرکزی انگلیس

BOE

Bank of England



<< BOC >> Bank of Canada

بانک مرکزی کانادا

BOC

Bank of Canada



Reserve Bank of Australia's << RBA >> بانک مرکزی استرالیا

بانک مرکزی استرالیا

RBA

Reserve Bank of Australia's



Reserve Bank of Zealand << RBNZ >> بانک مرکزی نیوزلند

بانک مرکزی نیوزلند

RBNZ

Reserve Bank of New Zealand





# بانک مرکزی سوئیس

## SNB

### Swiss National Bank



## PART 10

انواع روش های تحلیل بازار

ماهیت بازار جهانی

شاخه های تحلیل :

### 1. تحلیل تکنیکال

در این روش ما از نمودارها استفاده میکنیم و با دیدن چارتها با توجه به الگوها تشکیل شده وارد معامله میشویم.

### 2. تحلیل فاندامنتال

این نوع تحلیل به ما میگوید که ما میتوانیم با توجه به نرخ های اقتصادی و با توجه به اخبار و شایعات تحلیل کنیم مثلاً طلای جهانی براساس اخبار روندش صعودی میشود و در همان جهت معامله میکنیم.

## نقطه ضعف و یک نقطه قوت تحلیل فاندمنتال:

**نقطه قوت:** نقطه قوتش این است که بر اساس دیتا، علم واقعی و اطلاعات واقع بینانه است.

**نقطه ضعف:** نقطه ضعفش این است که نقطه های ورود خوبی ندارد مثلاً شما میدانید که نفت قرار است صعودی شود اما ما فقط میدانیم میخواد صعودی شود و نقطه ورود خوبی نداریم در این حالت ما می آیم از تحلیل تکنیکال کمک میگیریم.

**نکته:** همه چیز درون چارت است و اگر شما مدت زیادی چارت ببینید و تمرین و تکرار کنید به راحتی میتوانید حرکات چارت را مشخص کنید در این صورت شما نیاز به تحلیل فاندمنتال ندارید.

**نکته:** از تحلیل فاندمنتال اکثراً برای سرمایه گذاری و معاملات بلند مدت استفاده میشود.

### 3. تکنو فاندمنتال

در این نوع تحلیل هم از تحلیل تکنیکال و هم از تحلیل فاندمنتال استفاده میکنیم.

**نکته:** ما زمانی اسم خودمان را معامله گر میگذاریم که بتوانیم براساس اخبار نرخ های اقتصادی و تحلیل تکنیکال یک روندی را برای خودمان تصور کنیم.

**نکته:** دیگه شما باید این باشد که سود کم اما دراز مدت داشته باشید سود ماهی ۵٪، ۲۰٪ راضی باشید که این خودش سود بزرگی است.

### نرخ های اقتصادی

1. نرخ بهره (Interest rate)

2. نرخ بیکاری (The unemployment rate)

3. نرخ تورم (The inflation rate)

4. موازنه تجاری (Business balance)

5. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) (GDP growth rate)

6. بدهی دولت به تولید ناخالص داخلی (Government debt to GDP)

**نکته:** این نرخ ها برای ما مهم اند، نرخ های دیگری هم وجود دارد اما ما با همه ی نرخ ها کار نداریم و فقط با نرخ هایی که بتواند به ما سود خوبی دهند سروکار داریم.

**نکته:** تحلیل تکنیکال اطلاعات مورد نیاز معامله گر در تغییرات قیمت نشان داده شده است. پس اگر شما قیمت را داشته باشید میتوانید که براساس آن معامله انجام دهید.

برای اینکه تحلیل تکنیکال بتواند خوب عمل کند نیاز دارد که حجم بالایی از بازیگران در آن بازار دخالت داشته باشند این یعنی اینکه اگر شما بیاید در جایی مانند بورس ایران انتظار داشته باشید تحلیل تکنیکال خیلی خوب جواب بدهد غیر منطقی است زیرا نقدینگی در این بازار کم است.

یک بازار مانند بازار جهانی انقدر حجم معاملاتش بالا است که هیچ فردی ، هیچ شخصی ، هیچ بانکی ، نمیتواند به تنه روند را تغییر دهد ، به دلیل اینکه کسی نمیتواند در بازار دخالتی کند به همین دلیل است که بازار تکنیکالی رفتار میکند و باعث میشود که ما هم سود کنیم .

### انواع روش های تحلیل تکنیکال

1. **اسیلاتور و اندیکاتور:** در بازار یکسری روش ها خیلی محبوب اند مثل اسیلاتور و اندیکاتور ها ، وقتی شما وارد بازاری میشوید معمولا دوست دارید که سریع ترین راه و راحت ترین راه را انتخاب کنید از آنجایی که اندیکاتور های خیلی مسیر را راحت میکنند شما ترغیب میشوید که از آن ها استفاده کنید.

#### • اسیلاتور ها و اندیکاتور ها چگونه کار میکنند؟

اسیلاتور ها یا اندیکاتور ها قیمت ها را با یکسری از فرمول ها ترکیب میکنند که از این ترکیب یکسری مشتقات ایجاد میشود اندیکاتور ها شاید یک بار ، دوبار یا چندین بار به شما سود دهند اما در ادامه ضرری به شما میزنند که همه ی سود های قبلتان هم از شما میگیرد و اینکه اندیکاتور ها تاخیر دارند شما هرکاری که کنید حداقل یک کندل عقب تر هستند .  
**نکته:** یک پرایس اکشن کار وقتی با چارت خالی سود میکند نیازی به اندیکاتور ندارد.

2. **امواج الیوت:** یک روش خوب و آکادمیک است اما خیلی تاخیر دارد و در تمام های کوتاه برد چندان ندارد.  
تئوری امواج الیوت تقریبا به صورت تصویر زیر است:

#### • دلیل عدم استفاده از امواج الیوت در معاملات:

1. به دلیل تشخیص دشوار امواج از یکدیگر
  2. عدم کارکرد مناسب در تایم فریم پایین
  3. تاخیر در تولید سیگنال خرید و فروش
  4. حد محافظ های عریض
  5. باعث بزرگ شدن استاپ ما میشود
- نکته:** اگر از آن دسته از افرادی هستید که می توانید تحمل کنید پوزیشن تان باز بماند الیوت می تواند برای شما کار کرد خوبی داشته باشد اما اگر از آن دسته افرادی هستید که تحمل ندارید معامله تان برای فردا باز بماند الیوت بدردت شما نمیخورد..
3. **الگوهای شمعی:** براساس یکسری از کندل ها ، الگوها میگویند که وقتی قیمت به یک سطح رسید و این الگوها را در آن سطح مشاهده کردیم وارد معامله میشویم بعضا این روش جواب میدهد و به صورت ۵۰ ۵۰ است و فقط چندتا از این الگوها بدردت ما میخورند که بعدا بهشان میپردازیم.
4. **الگوهای هارمونیک:** در این روش براساس فیبوناچی اشکال M و W شکل در چارت پیدا میکنند که در نقطه اخر وارد معامله میشوند.
5. **فیبوناچی:** فیبوناچی یک سری زمانی ریاضی است و خیلی ساده است اما اعداد عجیبی و شگفت انگیزی هستند.

## PART 15

### HFT

برای اینکه بفهمیم HFT چیست باید بفهمیم که مارکت چگونه کار میکند که در زیر به آن می پردازیم:

#### جبر مارکت

❖ مارکت تمایل دارد کاری را که اکثریت انجام میدهند را انجام دهد.

منظور از اکثریت در بازارهای مالی حجم بالا است یعنی آن افرادی که حجم بالا دارند. این اکثریت میتواند اقلیت باشد یعنی اقلیتی که اکثریت حجم در دست آنها است و مارکت همیشه به سمتی می رود که حجم بزرگتری از مارکت به آن سمت سرازیر شده باشد حالا مهم نیست که این اکثریت آدم ها باشند مثلا 200 میلیون نفر بخواهند یک سمتی بروند اما حجم پایینی داشته باشند، 200 آدم یا 200 بانک بزرگ با حجم زیاد میتوانند خلاف تمام آن 200 میلیون نفر معامله کنند و مارکت را به آن سمت ببرند.

❖ ما برای اینکه بفهمیم مارکت به کدام سمت می خواهد برود باید به سمت چپ نمودار نگاه کنیم تا ببینیم که احتمال دارد سمت راست نمودار به چه شکلی در آید.

چون ما هیچ ایده ای از آینده بازار نمی توانیم داشته باشیم ، اینکه اگر فردی بگوید که میتواند دقیقا بگوید که در آینده چه اتفاقی میخواد بیوفتد مطمئن باشید که دروغ میگوید اولین قانونی که شما باید بدانید این است که هیچکس از آینده بازار خبری ندارد و ما فقط داریم احتمالات را دنبال می کنیم و این احتمالات هستند که با رعایت قوانین مدیریت سرمایه باعث میشود که ما سود کنیم.

❖ معامله گران به سرعت یاد میگیرند که چگونه پول از دست بدهند.

این خیلی مهم است چون وقتی شما روزهای اول وارد بازار می شوید اگر علم درست اینکار را نداشته باشید اولین کاری که میکنید این است که پول از دست بدهید و این پول انقدر از دست میرود تا جایی که پولی برایتان نمی ماند و مجبور می شوید از بازار خارج شوید برای همین استمرار و ماندگاری در بازار مهم است.

نکته: بدانید که این بازار بوده ، هست و خواهد بود مهم ترین قسمت این است که شما بیاوید و در این بازار باقی بمانید.

کلا چند حالت برای شما هنگام ورود به مارکت وجود دارد:

1. شروع به ترید میکنید و انقدر ضرر میکنید تا اکانت تان از دست میرود این شخص ، شخصی است که نه دانش دارد ، نه مدیریت سرمایه و نه روانشناسی هیچ چیزی ندارد.

2. شروع به ترید می کنید چند وقت درجا میزنید اما در نهایت باز هم ضرر می کنید و اکانت تان از بین می رود این شخص کمی اطلاعات و دانش دارد.

3. اما اگر شما قوانین مدیریت سرمایه و دانش را تلفیق کنید مطمئن باشید که روند شما در روزهای اول به صورت خنثی است و شما دور خودتان می چرخید اما این یک نشانه فوق العاده خوبی است چون شما در این بازار ماندگار شدید و اگر بتوانید به این نقطه برسید بعد از مدت کوتاهی روند شما صعودی میشود.

**نکته:** پس مرحله اول این است که شما از ضرر خارج شوید یعنی ضرر نکنید مرحله دوم این است که در بازار مستمر بمانید و مرحله سوم اینکه سودآور باشید.

❖ بعد از ، از دست دادن مقدار کافی از پول ، بسیاری از افراد به دنبال کمک می گردند ، مستاصل شده و به هر چیزی ایمان می آورند بسیاری را مانند پیامبران موعظه میکنند که کندل استیک یک راه آسمانی به بازارهای مالی است. وقتی وارد بازارهای مالی می شوید هرکسی یک چیزی میگوید یکی می گوید تکنیکال کافیه ، فاندامنتال کافیه یکی میگه روانشناسی خوبه یکی میگه الیوت و هارمونیک کندل خوبه ... انواع روش ها را می گویند اما بزرگ ترین چیزی که باید در نظر داشته باشید این است که این بازار صرف اینکه از چه روشی استفاده میکنید ، مارکت دارد با چیز دیگری کنترل می شود (که در این قسمت به آن می پردازیم).

**نکته:** سفته بازان (کسانی که برای نوسان گرفتن ترید میکنند (دی تریدرها)) شرکت های HFT و هج فاندها ثروت زیادی را کسب میکنند ، اما آنها الگوهای کندل استیک استفاده نمیکنند. اگر کندل استیک نه ، پس چه چیزی پرایس اکشن است؟

### **ما براساس موارد زیر معامله میکنیم:**

فشار خرید و فروش

قدرت روندها

احتمال برد و نسبت ریسک به ریوارد

مدیریت معامله

**شما به همه آنها و بیشتر از آنها احتیاج دارید.**

برای اینکه معامله گر حرفه ای شوید ، الگوهای کندل استیک در مجموع غیر ضروری است و میتوانند به عنوان عضو کوچکی از پازل موفقیت کمک کننده باشد.

**چرا معامله گر ها به سبک پرایس اکشن کار میکنند اگر همه آن را میدانند؟**

پرایس اکشن روشی است که خیلی محبوب است و در چند لول درباره اش حرف زده میشود یکی لول اول است که همه دارند در اینترنت درباره اش حرف میزنند ، میخوانند و میدانند. لول دوم درباره ی فشار خرید و فروش صحبت میشود و به آن میگویند فشار خواندن اینها هم با یکم تحقیق و توسعه می شود فهمید.

اما لول سوم که در این ویدیوها درباره ی آن میخواهیم صحبت کنیم درست است ما هم درباره کانال صحبت میکنیم اما این کانال کشیدن زمین تا آسمان با آن چیزهایی که در کتاب نوشته است متفاوت است.

**مارجینی که برای خطاها هست بسیار کوچک می باشد و همه اشتباهات کوچک را تکرار میکنند.**

ما برای اینکه موفق شویم احتمال موفقیت ما معمولا بین ۶۰ الی ۴۰ درصد است برای همین این مارجین خطای ما کوچک است و باید با قوانین مدیریت سرمایه مان آن را افزایش دهیم و موفقیتمان را زیاد کنیم. برای همین چون همه مدیریت سرمایه



را رعایت نمیکنند و اشتباهات را مدام تکرار می کنند پس احتمال دارد که پرایس اکشن استفاده بکنند اما ضرر کنند و این ضرر مدام تکرار شود و معاملاتشان را در ضرر فرو ببرد.

**بهترین آنالیزها تنها در ۶۰ الی ۷۰ درصد مواقع درست است.**

پرایس اکشن روشی است که شما با بهترین تریدرهای جهان رقابت می کنید و این کار آسانی نیست. همه در این بازار یک چیز را میبینند اما تصمیمات افراد مهم است شما باید انقدر تمرین کنید که تصمیماتتان به بهترین تریدرهای دنیا نزدیک شده باشد.

**یک تفاوت عمده هست بین...**

**دانستن اینکه چطور فوتبال بازی میکنند با اینکه آن را آنقدر خوب بازی کنیم که بتوانیم با آن زندگی کنیم.**

شما شاید بتوانید با آیین نامه خواندن بفهمید که چگونه میشود رانندگی کرد اما آیا رانندگی را انجام دادید یا تمرین کردید؟ اینکه شما پرایس اکشن را یاد بگیرید مهم نیست اینکه پرایس اکشن را حرفه ای شوید و تمرین کنید این خیلی مهم است این اطلاعات زمانی ارزشمند است که در دیتای واقعی بازار با پول واقعی معامله کنید.

**مارکت توسط برنامه های تریدینگ کنترل میشود.**

برنامه های تریدینگ همه شان ترند فالور هستند یعنی دنبال کننده روند هستند و روند بازار به هر جهت برود این برنامه ها و ربات ها که در کامپیوترها نوشته شده اند و در جهت روند معامله انجام میدهند. شما تنها در حالتی می توانید پول سازی کنید که در مسیر آنها معامله کنید. چون حجم بالای بازار دست آنها است و اگر شما بتوانید ذهن خوانی کنید و کندل خوانیتان انقدر حرفه ای شود که بفهمید حرکت بعدی بازار در چه احتمال میتواند حرکت کند برایتان کافی است که بتوانید جهت بعدی بازار را تحلیل کنید و سودسازی کنید. نکته: فقط در زمانی می توانید سودسازی کنید که در جهت این برنامه ها ترید کنید. سیستم آنها الگوریتمی است بر پایه هر موضوعی که تصور میکنید. الگوریتمی که آنها می نویسند در برنامه هایشان می تواند هم بر اساس تکنیکال هم فاندامنتال باشد و هر آنچه که در درون علم تکنیکال و فاندامنتال است.

**حتی در بازارهای رنج ، حجم قابل توجهی را شامل می شود.**

**شرکت های بیشماری در حال خرید و مقدار بیشمار دیگری در حال فروش هستند.**

پس تا الان فهمیدیم که یک سری الگوریتم ها ، ابرکامپیوترها وجود دارند که این سیستم بر روی آن پیاده شده و معاملات دارد با سرعت خیلی بالا روی آنها انجام میشود.

## **HFT (High Frequency Trading)**

### **معامله فرکانس بالا**

یعنی اینکه تعداد زیادی از معامله در کسری از ثانیه امکان دارد انجام شود مثلا ۵۰۰ تا معامله روی ۵۰۰ تا سهام در عرض یک ثانیه اعمال میشود و ثانیه بعد این معامله بسته شده و بر اساس یک واحد تغییر قیمت معامله انجام میدهند.

**برنامه نمیتواند مخفی کند که آن ها دارند چه کاری میکنند.**

پرایس اکشنی که آنها در ترید کردنشان مشغول استفاده از آن هستند در حال نمایش به جهانیان است.

اگر شما یاد بگیرید که چطور چارت را بخوانید ، شما هم میتوانید هم جهت با آنها ترید کنید.

### شما نمیتوانید جهت مارکت را تغییر دهید.

مارکت نمیتواند در جهت شما حرکت کند مگر اینکه یکی یا بیشتر از یکی از موسسات مالی بخواهد در جهت شما حرکت کند. اگر شما بخواهید در یک قیمت خاص بفروشید باید این را بدانید که قیمت هم میتواند به حد ضرر شما برخورد کند هم به حد سود شما برخورد کند. این جمله‌ی مهمی است.

این یعنی چی؟ یعنی اینکه با این موضوع راحت باشید که قرار نیست همه‌ی معاملات شما سود ده باشد و به ازای هر معامله که شما وارد میشوید با سود خارج شوید.

### High Frequency Trading (HFT)

بیشتر حجم روزانه معاملات را شامل میشوند (فرقی ندارد که چه بازاری باشد) این شرکت‌ها برای سود های کوچک اسکالپ میکنند (اینها جهت را عوض نمیکند اما به مارکت حجم میدهند و این حجم میتواند برای ما قابل اهمیت باشد اگر از آن درست استفاده کنیم) آنها کمترین اثر را بر روی جهت مارکت دارند.

### HFT چه حجمی از بازار را شامل میشوند:

**HFT FIRMS CREATE 70% OF VOLUME** (حدود 70% را معاملات فرکانس بالا شامل میشود)

25% را نماد های دیگر شامل میشوند.

5% را هم من و شما میسازیم.

نکته: من و شما 5% از بازار را میسازیم و موسسات نمیتوانند از ما پولسازی کنند. آنها در حال به دست آوردن پول از سایر موسسات مالی هستند که 95% بازار را شامل میشود.

### تریدینگ فرکانس بالا چگونه انجام میشود؟

مثال: موسسات روزانه 10 میلیون معامله می‌بندند بر روی 100 سهم در مجموع 5.5 میلیون ترید درست و 4.5 ترید غلط 5.5 میلیون دلاری برابر 5.5 میلیون دلار سود، 4.5 میلیون دلار 1 دلاری ضرر یعنی 4.5 میلیون دلار ضرر در مجموع 1 میلیون دلار سود برای امروز 200 میلیون دلار سود برای کل سال اگر این سیستم اشتباه عمل کند پول بسیار زیادی هم دست میدهد.

### معامله فرکانس بالای دستی

برخی از سایت‌ها توصیه به ترید کردن در تایم فریم یک دقیقه و در برخی مواقع 20 ثانیه ای در هر معامله می‌کنند آن‌ها از سیستم فرکانس بالای دستی استفاده میکنند.

99% از بزرگترین تریدرها سال‌ها می‌توانند بر اساس این سیستم پولسازی کنند.

حساب شما به آرامی از بین میرود چون تایم فریم یک دقیقه خیلی تایم فریم کمی است و باید خیلی زود تصمیم بگیرید.

به چه علت تایم فریم یک دقیقه شکست می‌خورد؟

ریسک کم، پس برای تازه کارهای به شدت جذاب است.

اکانت‌های افراد تازه کار کوچک است و از ریسک زیاد می‌ترسند و میخواهند با کم کردن ریسک سود هایشان را مداوم کنند البته از نظر خودشان منطق بسیار خوبی است...

اگر شما سیستم برنده دارید آن روز بیش از ۲۰ تا ۵۰ دفعه در روز معامله نکنید زیرا ترید بیش از حد شما را میتواند به ضرر بکشد.

شما باید مثل یک اسنایپر ترید کنید و منتظر یک شکار عالی باشید و هر دقیقه وارد معامله نشوید.

## PART 16

### Price Action

#### Intro

قبل از اینکه بخواهیم وارد مقوله پرایس اکشن بشویم یک چیز را باید آموزش ببینیم آن هم :

#### قانون 60\_40

در بازارهای مالی و در تحلیل قیمتی ، شما همیشه بین 60 الی 40 درصد از مواقع میتونید به تحلیل خودتان اعتبار بدهید. مثلا تحلیلی 60 درصد احتمال برد و 40 درصد احتمال موفق نشدن دارد یا تحلیلی 40 درصد احتمال برد و 60 درصد احتمال موفق نشدن دارد.

**نکته:** ما 60 به 40 را زمانی در نظر میگیریم که شما این علم را داشته باشید.

هیچ چیز همیشه کار نمیکند.

همه چیز بعضی از زمان ها کار میکند.

بیشتر چیزها در 60 الی 40 درصد مواقع کار میکنند.

این بیس کلی تحلیل ما در پرایس اکشن و تحلیل قیمتی است.

**نکته:** در معامله گری اگر ندانید چه کسی در دام افتاده و قرار است ضرر کند به زودی کشف می کنید که این شماست که در دام افتاده اید اگر شما وارد یک معامله شوید و ایمان نداشته باشید که آن دقیق انجام شده احتمال دارد که این همان 40% مواقع باشد که شما در دام یک معامله اشتباه افتاده اید.

**حالا چرا 60 الی 40 درصد؟** چون هر کاری شما کنید شما در واقع دارید پیش بینی قیمت میکنید شما از قطعیت بعد قیمت واقف نیستید یک زمانی شما از موفق شدن اشتباه می کنید (یعنی شما تحلیل میکنید که موفق می شوی اما نمی شوید) یک زمانی هم هست که شما تحلیل میکنید و این تحلیلتان را ضعیف می پندارید اما می بینید که همان معامله یک معامله خیلی خوبی در می آید

بس شما نمی توانید بگویید که معاملات شما خیلی سودده میشود و براساس آن برنامه بچینید.

**نکته:** ما در پرایس اکشن همه چیز را بر اساس احتمالات و کف قرار می دهیم اگر شما بیاورید انتظاراتتان را در کف بگذارید هر اتفاقی بیفتد شما انتظارش را دارید.

**نکته:** قانون 60 ، 40 این را نمی گوید که شما به ریت 80 ، 90 نخواهید رسید! این را میگوید که موقع تحلیل شما باید بیس کارتان بین این درصدها متغیر باشد و بر اساس این درصدها تصمیم گیری کنید که در بحث پرایس اکشن به آن می پردازیم که شما بتوانید معادله موفقیت خودتان را بسنجید یک و معیار داشته باشید که بتوانید بسنجید که در فلان معامله موفق می شویم یا نمی شویم.

## پرایس اکشن چیست؟

- هر نوع حرکت قیمت را نشان می دهد و برای هر کدام توضیحی دارد.
  - ابزاری است در هر بازار مالی
- ابزار ها معمولا محدود به یک بازار مالی اما پرایس اکشن در هر بازاری خوب جواب میدهد چون بر اساس رفتار انسان ها چیده شده است و بر اساس رفتار انسان ها کار میکند برای همین هر جا رفتار انسانی وجود داشته باشد پرایس اکشن آنجا کار میکند.
- هر نموداری را پوشش میدهد.
- اگر چارت شما کندل استیک باشد برای آن چارت توضیحاتی دارد و برای نمودار خطی هم توضیحاتی دارد یعنی هر نوع حرکت قیمتی را پوشش میدهد و برای هر کدام توضیحی دارد.
- در هر تایم فریم قابل اجرا است.
- اینکه یک سیستمی در هر تایم فریمی قابل انجام باشد قدرت آن سیستم را می رساند و خوبی پرایس اکشن این است که در هر تایم فریمی قابل انجام است.
- هر تغییر قیمت مثالی است از پرایس اکشن .
- یعنی اینکه در پرایس اکشن شما نمیتوانید بگید که فلان اتفاقی که در چارت افتاده بی اهمیت است.
- اغلب چیزی که در ابتدا مورد کوچکی به نظر میرسد در نهایت منجر به ترید بزرگی میشود.
- از هیچ اتفاق کوچکی در پرایس اکشن نمی توان چشم پوشی کرد.

## پرایس اکشن بر پایه این موارد است:

- بازتابی از رفتار بشر است.
- یعنی بازتاب رفتار بشر روی چارت است چون رفتار ما ناشی از ژن های ماست پس هر موقع ژن های ما تغییر کرد میتوانیم بگوئیم که پرایس اکشن منسوخ خواهد شد!
- اگر دوباره یک نسلی از موجودات زنده توانستند از انسان به یک موجود دیگری جهش بکنند و موجودات باهوش تری باشند پس قطعاً میتوانیم بگوئیم که آنجا پرایس اکشن شاید کاربردی نداشته باشد چون آن موجودات حرفه ای قطعاً بازار را از ما بهتر درک خواهند کرد و از ما بهتر بازار را خواهند دید ولی تا وقتی که انسان همان انسان است پرایس اکشن هیچ تغییری نخواهد کرد.
- رفتار ما ناشی از ژن های ماست.
  - از زمانی که بازارها شروع به کار کردند این رفتار ها همان رفتار هستند.
  - این رفتار همان رفتار می ماند تا زمانی که نسل ما جهش میکند.

## لوازم مورد نیاز:

- لبتاب یا PC
- اینترنت
- چارت ۵ دقیقه
- بدون اندیکاتور
- تمرکز

پرایس اکشن چارت را به سه قسمت تقسیم میکند:

### 1. اسپایک یا Spike

### 2. قسمت روند دار بازار یا

### 3. بدون روند دار یا

تمام چارت ها و روندها این قسمت را دارند و چرخه ای است که همیشه در بازار وجود دارد و وجود خواهد داشت و و اگر این را بدانید شما می توانید همیشه برای حرکات بعدی آماده باشید.



قبل از اینکه وارد بحث اصلی پرایس اکشن بشویم نیاز است که شما با بحث های زیر آشنا شوید:

Higher High ( HH )

Higher Low ( HL )

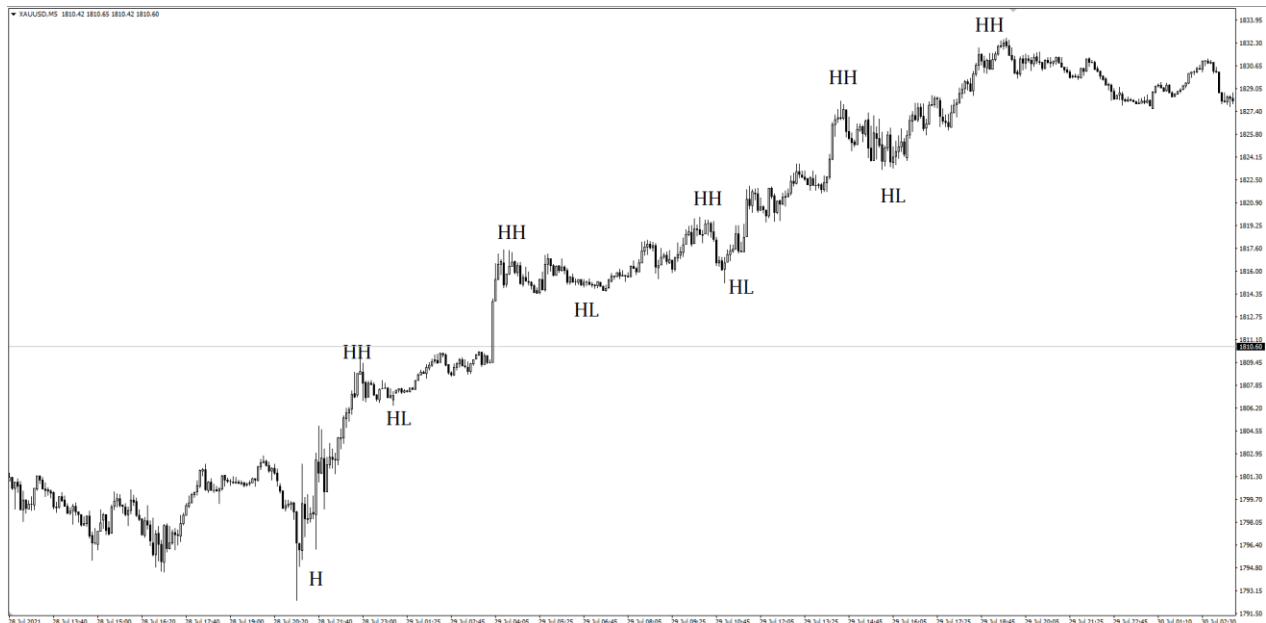
Lower low(LL)

Lower High ( LH )



Higher Low ( HL )

Higher Low ( HL )



نکته: زمانی که HH, HL داریم روند صعودی است.

Lower low(LL)

Lower High ( LH)



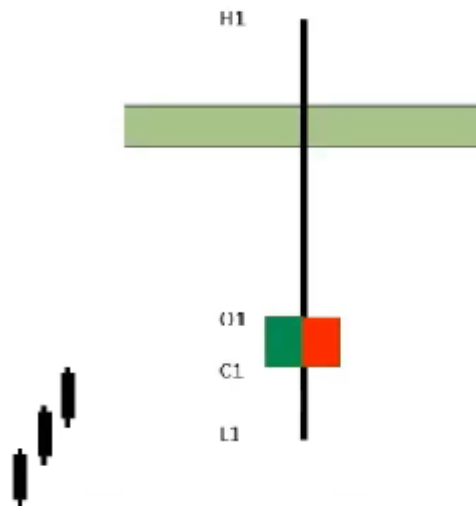
نکته: زمانی که LH, LL داریم روند به صورت نزولی است.

## PART 17

### Price Action

### Candle stick

#### Pinbar

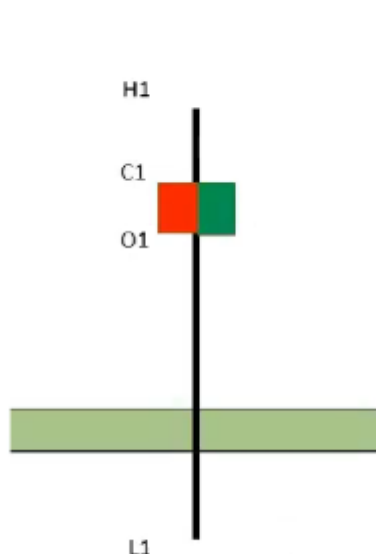


یک کندل با شدو بلندی است و فرقی نمیکند که قیمت کجا بسته و باز شده است. و رنگ کندل نیز مهم نیست.  
**نکته:** ما برای اینکه ذهن خود را آزاد نگه داریم روی کندل ها انواع اسم های مختلف نمیگذاریم به همین دلیل فقط با چند کندل کار میکنیم که جمعاً اسم آن PINBAR است.

**نکته:** خانواده ای از کندل هایی مانند شکل بالا وجود دارند که بدنه کوچک و سایه های بزرگی دارند به کل این خانواده DOJI میگویند و بین بار یکی از این خانواده است.

**نکته:** در شکل بالا از نظر روانشناسی خریداران تمام زور خودشان را برای شکست آن ناحیه مقاومتی زدند اما قدرت فروشنده ها قوی تر بود و کندل را به سمت پایین آورده اند.

**نکته:** در بین بار بدنه نباید در وسط تشکیل شده باشد و شناسایی کندل باید به راحتی امکان پذیر باشد.



**نکته:** این کندل برعکس کندل بالا است و همه نکات در این کندل نیز صدق میکند.

این پین بار به این معنی است که فروشندگان فشار خود را آورده اند اما فشار خریداران قویتر بوده و در حال حاضر این را گوش زد میکند که احتمال برگشت قیمت زیاد است.

**نکته:** الگوهای کندل استیک فقط در نواحی حمایت و مقاومت به کار میروند زیرا بانک‌های بزرگ از کندل استیک‌ها در نواحی حمایتی و مقاومتی استفاده میکنند.

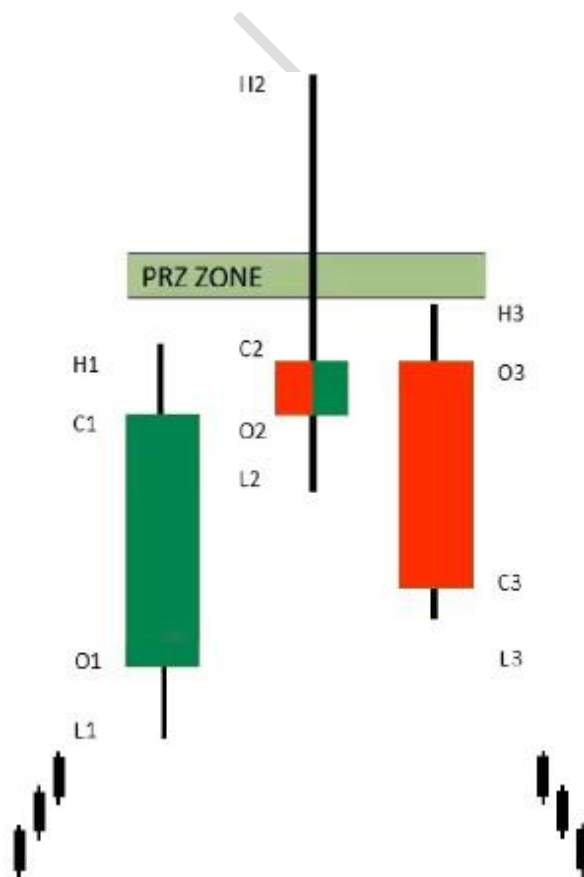
### الگوی سه کندلی

**نکته:** اعداد رند می‌توانند برای ما نقش PRZ (منطقه‌هایی که احتمال برگشت قیمت وجود دارد) را بازی کنند مثلاً روی شاخص 25550 ، 25600 ، 25550 ، 25600 این اعداد و اینگونه اعداد پتانسیل برگشت زیادی دارند چون اعداد رند در بازارها خاصیت برگشتی قیمت را دارند و این نکته ای است که خیلی‌ها به آن دقت نمیکنند.

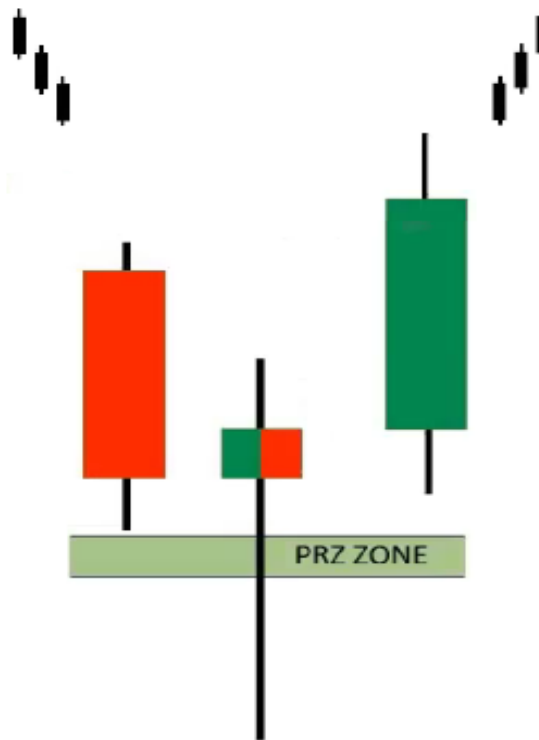
### الگوی سه کندل چه مفهومی دارند؟

این سه کندل به ما میگویند که قیمت افزایش خود را داشته و در یک کندل به اسم پین بار به ما اخطار برگشت قیمت را داده است یعنی احتمال اینکه قیمت برگردد زیاد است و در کندل بعدی نیز این تثبیت شده است.

**چگونه تثبیت می‌شود؟** طوری که کندل بعد از پین بار قیمت بسته شدنش (close) زیر کف پین بار باشد اینگونه داریم تایید میگیریم برای برگشت قیمت.



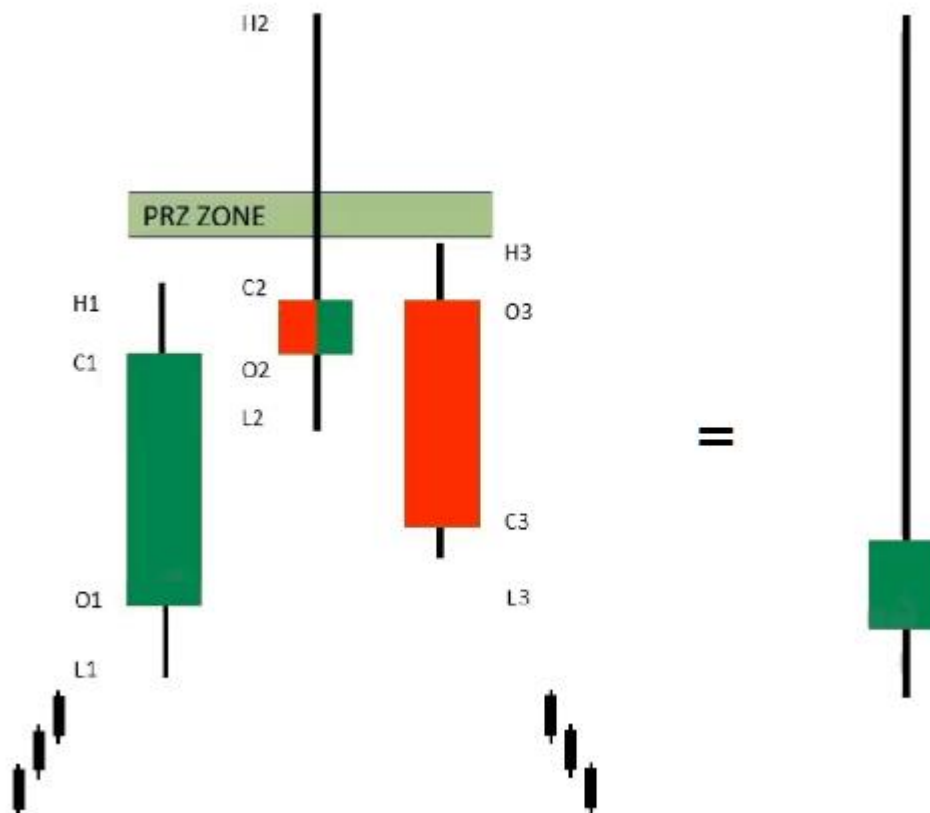
**نکته:** حتماً باید این کندل‌ها در ناحیه‌ای تشکیل شده باشند که ناحیه خیلی خوبی باشد و هرجایی تشکیل شدن این کندل‌ها برای ما کاربردی ندارند.



نکته: بزرگترین نکته این است که شما بفهمید که کجا باید وارد شوید و کجا نباید وارد شوید.

### ترکیب کندل ها

خوب به شکل بالا نگاه کنید اگر این سه کندل را باهم ترکیب کنیم چه کندلی تشکیل میشود؟

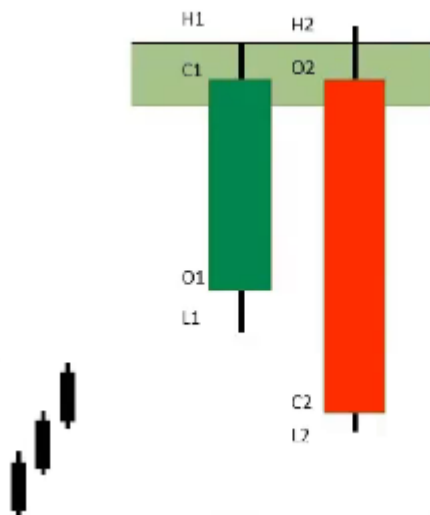


نکته: برای ترکیب کندل ها از (open) کندل قبل با (close) کندل های بعدی میتوانیم استفاده کنیم.

ترکیب این سه کندل یک پین بار تشکیل میدهد به همین دلیل است که اولویت اول ما پین بار است چون یکی از مهم ترین کندل ها است و عملا در طول کار هم شما متوجه میشوید که در عمل فقط از این کندل استفاده میکنید.

### الگوی اینگالفینگ بار ( Engulfing bar )

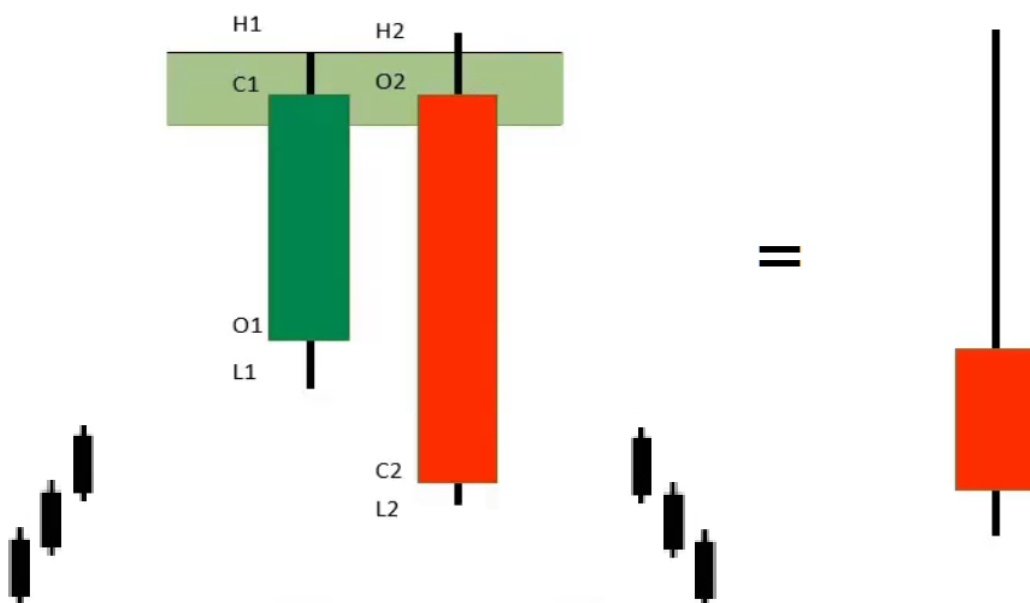
اگر در یک کندلی چه افزایشی چه کاهشی به صورت ناگهانی قیمت شروع میکند ریزش میکند (در روند صعودی) و طوری که کل کندل قبلی را پوشش میدهد این یعنی اینکه فشار فروشنده ها به حدی بوده که خریداران نتوانسته در مقابلش دوام بیاورند.



**نکته:** هرچه فاصله close کندل از کندل قبلی بیشتر باشد قدرت بیشتری دارد.  
**نکته:** هرچه کلوز کندل (کندل قرمز در شکل) پایین تر بسته شود استاپ ما هم بیشتر میشود.

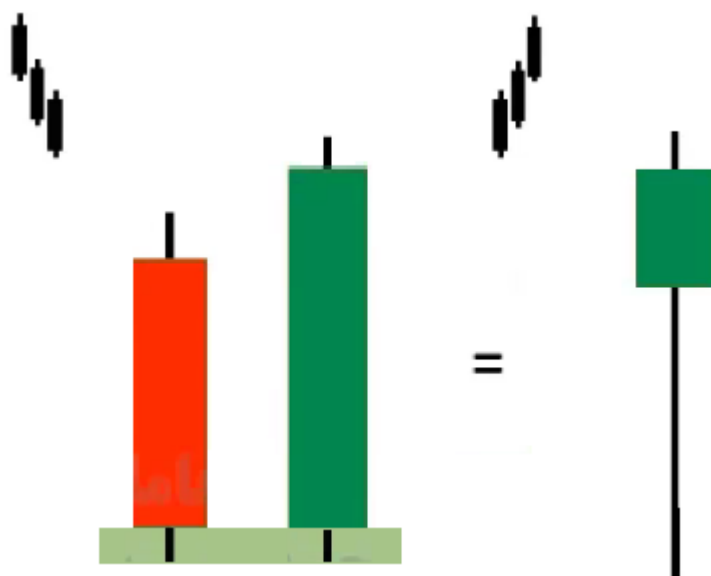
### ترکیب کندل ها

ترکیب این دو کندل به شکل زیر میشود:



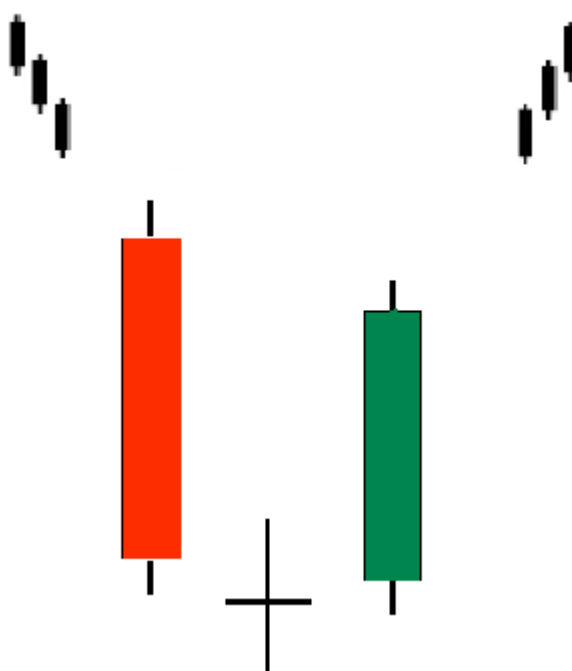
**نکته:** میبینیم که ترکیب این کندل هم پین بار شد پس پین بار برای ما کندل بسیار مهمی است.



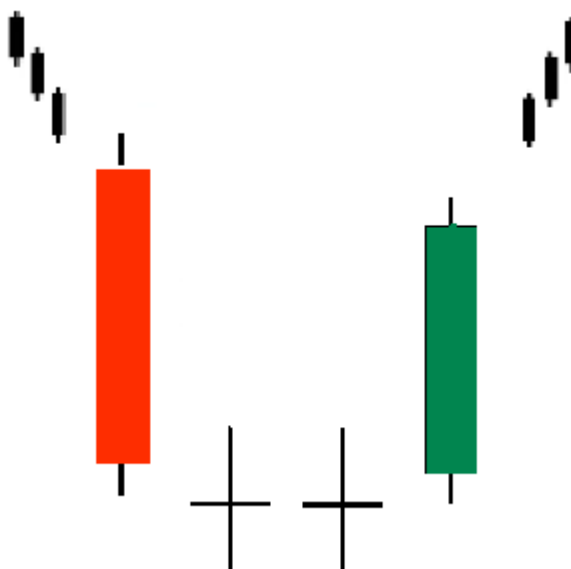


نکته: این کندل ها جایی برای ما مهم می شوند که مکان تشکیل آن برای ما اهمیت دار باشد نه هر جایی که تشکیل شوند.

### سه کندل برگشتی



این الگو مانند الگوهای قبل است اما در وسط آن یک داجی وجود دارد که به معنی بی تصمیمی بازار است و حتی میتواند در وسط آن دو داجی تشکیل شود مانند تصویر پایین.



## PART 18

### Price Action

#### Trends

در این قسمت می‌خواهیم در را با روندها صحبت کنیم و ببینیم که روند چی هست و چطور ساخته میشود و چگونه میتوانیم از آن کسب سود کنیم.

**نکته:** قیمت در بازار هیچوقت به صورت خطی حرکت نمیکند.

**نکته:** قیمت‌ها همیشه دارای اصلاح هستند به طور کلی به حرکت‌هایی که بعد از یک صعود یا نزول داریم اصلاح می‌گویند.

#### روند

به طور کلی روند جابجایی بالا و پایین به صورت قطری در چارت است.

اشغال بیشتر صفحه نمایش توسط روند اتفاق می‌افتد.

اگر بیشتر از ۲ روند در صفحه وجود داشت، اصطلاح دیگری مناسب این وضعیت است. (در این وضعیت می‌گوییم بازار سوییچ شده است)

**نکته:** این خیلی مهم است که ما بفهمیم که کدام روندها قدرت ضعیفی دارند و کدام روندها قدرت زیادی دارند.

این را از کجا میتوانیم بفهمیم؟

اولین چیزی که میتوانیم بفهمیم فاصله اصلاح قیمت‌ها از همدیگر است. (سقف قبل اصلاح تا کف اصلاح بعدی)

**نکته:** ما در ابتدا باید بدانیم که روند بازار به چه شکل است و بعد وارد بازار بشویم.

## روند بسیار قدرتمند

فاصله سطح ها برای ما مهم است هر چه HH از HL فاصله داشته باشد نشان دهنده این است که قدرت روند زیاد است و خریداران آنقدر قدرت دارند که اجازه نمیدهند قیمت به سطح قبلی برگردد.

### روند بسیار قدرتمند



## روند قدرتمند

این روند نسبت به روند قبلی قدرتش کمتر است اما سبک معامله کردنش شبیه به همان است و تفاوتش با روند قبلی این است که در این روند قیمت برمیگردد و سطح قبلی را تاچ میکند و به نوعی به آن احترام میگذارد.

### روند قدرتمند



**روند متوسط**

**نکته:** زاویه روندها هرچه به سمت افقی شدن پیش می‌روند قدرتشان کاهش پیدا کرده (کاهش مومنتوم) و هرچه این قدرت کاهش پیدا کند کم‌کم روش معامله کردن ماهم تغییر میکند.

**روند متوسط**

**نکته:** در حرکات شارپی ما فقط در یک جهت معامله میکنیم (در جهت روند) اما در روندهای متوسط و ضعیف ما میتوانیم در سقف و کف معامله کنیم.

**نکته:** اولین قانون و بزرگترین قانون معامله گری این است که خلاف جهت روند به هیچ عنوان نباید معامله کرد.

**روند ضعیف****روند ضعیف**

در این تصویر ما باز هم سقف ها و کف های پایین تر داریم اما قیمت خیلی مومنتوم کمی دارد و می توانیم دو طرفه معامله کنیم.

**نکته:** در روند ضعیف که عملاً انگار بازار به صورت افقی حرکت میکند و باز بازار جهت خودش را دارد در این روند میتوان دو طرفه معامله کرد. BLSH (خرید در کف ، فروش در سقف). Buy Low Sell High.

**نکته:** بهترین خط روند ها را میتوان در روند های ضعیف کشید که با شکسته شدن آن وارد پوزیشن شد.

## PART 19

### Price Action

### Support and Resistance

در این قسمت می خواهیم درباره ی سطوح حمایت و مقاومت صحبت کنیم ، سطح های حمایتی و مقاومتی یکی از مهم ترین بحث های ما همین سطوح هستند چون نقاطی که قرار است ما درونش تصمیم گیری کنیم که قیمت به چه سمتی برود در این سطوح مشخص میشود و اگر ما درست یاد بگیریم که این سطح ها را پیدا کنیم مشکل آنچنانی در پیدا کردن نقاط کلیدی نخواهیم داشت.

**ما چند نوع سطوح داریم:**

1. خطوط مورب کانال (توضیح در ویدیو جداگانه)

2. سطوح افقی

3. سطوح رند

4. سقف و کف روز قبل

5. میانگین متحرک (20 روزه EMA)

6. weekly Map

(توضیحات این بخش در ویدیو)

**نکته:** تنها یکی از اینها برای پیدا کردن سطوح کافی است ولی هنر شما در دراز مدت این خواهد شد که بیابید از همه اینها در کنار هم به طور ناخودآگاه استفاده و همه چی را ببینید.

**نکته:** در پرایس اکشن، تک تک کندل ها حرفی برای گفتن دارند.

**نکته:** پین بار هایی که در وسط روند می باشد، همگی نقطه های ورود هستند.

**نکته:** معامله گر کسی است که وارد معامله شود نه اینکه صرفاً تحلیل کند.

**نکته:** تشکیل پین بار روی سطوح مهم است و اگر پین بار روی هیچ سطحی نباشد، بدرد نمیخوره!

**نکته:** میانگین های متحرک، بیشتر روند را برای ما مشخص میکنند تا حمایت مقاومت.



**نکته:** به فاصله بین قیمت و میانگین متحرک باید توجه شود و هر چه این فاصله بیشتر باشد، قدرت قیمت برای شکستن آن کمتر است.

**نکته:** باید یاد بگیرید که چارت را با چشم باز ببینید یعنی باید به مقدار حرفه ای تر به چارت نگاه کنید که چیزهایی را در چارت ببینید که تا الان نمیدید.

**نکته:** وقتی نقطه معاملاتی خوبی میبینید وارد آن شوید مانند بین بار های خیلی خوب.

## PART 20

### Price Action

#### Channels

**نکته:** وقتی بحث کانال ها وسط میاید همان ترند ها منظورمان است در ترند قوی باید فاصله سقف و کف ها از هم زیاد باشد.

**نکته:** اگر یک ترند قوی ادامه پیدا کند برای ما یک کانال تشکیل میدهد.

**نکته:** برگشت ها اولین معیار برای کشیدن کانال است.

**نکته:** در روند صعودی اولین HL و دومین HL را انتخاب میکنیم و به صورت مورب این دو را وصل میکنیم.

**نکته:** اگر شما خطوط کانال را درست وصل کنید این را بدانید که به هیچ چیزی نیاز ندارید.

### Strong Bullish Channel

#### کانال های صعودی

**نکته:** در روند های صعودی کشیدن خط پایین کافی است و الزامی کشیدن خط بالایی نیست



**نکته:** اگر خط بالای کانال را کشیدید میتوانید از حد سود استفاده کنید یعنی اگر در کف خریدید می توانید در سقف معاملات را ببندید و حق ندارید که در سقف سل بگیرید.

## Strong Bearish Channel

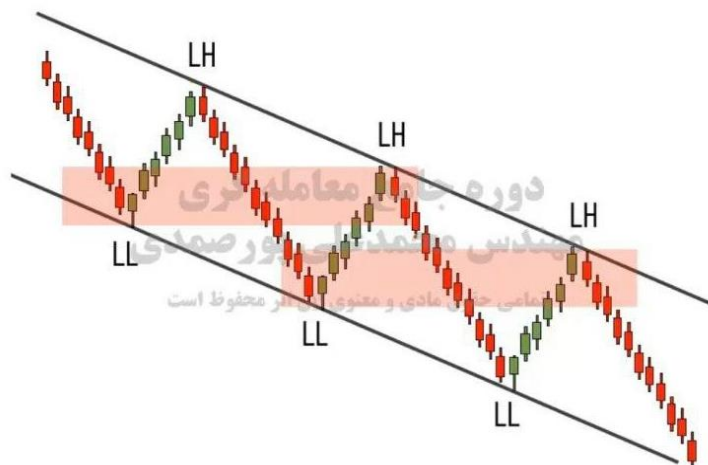
### کانال های نزولی

**نکته:** در روند نزولی ما به دو LH نیاز داریم. همانطور که در در کانال های صعودی خط پایینی مهم بود در کانال های نزولی خط بالایی مهم است خط پایینی برای این است که شما تارگت مشخص کنید.



## Weak Bearish Channel

### کانال نزولی ضعیف



**نکته:** کانال ها اولین کاری که برای شما میکنند این است که محدوده هایی را مشخص میکنند که محدوده های تصمیم گیری و نقاط کلیدی است این محدوده ها باعث میشود که شما ریسک به ریوارد خوبی داشته باشید.

**تحلیل زمانی:** زمانی که قیمت به ترند لاین یا سطحی برخورد کرده ولی هنوز حرکت خود را آغاز نکرده، به این دلیل است که هنوز زمان آن نرسیده؛ که اگر در ترند لاینی (صرفاً در خلاف جهت آن) بکشیم، زمان آغاز حرکت مشخص میشود.

**کانال اکستند شده:** زمانی که دو نقطه را برای رسم کانال کشیده ایم و قیمت کانال را رد میکند و به اصطلاح فیک بریک انجام میدهد، میتوانیم نقطه جدید (نقطه حاصل شده از فیک بریک) را برای کانال در نظر بگیریم.

**نکته مهم:** شناسایی این که شما در حال حاضر در کجای چارت قرار دارید خیلی مهم است باید بدانید که در کانال ، تریدینگ رنج ، اسپایک و... در کدام یک هستید و طبق روش معاملاتی آن ترید کنید.

**نکته:** زمانی که در تریدینگ هستید، ملاک کار شما با زمانی که در اسپایک هستید فرق می کند.

## PART 21

### Price Action

#### (Classic Patterns)

#### Part1

در این قسمت می خواهیم به الگوهای کلاسیک بپردازیم:

#### Final Flag (IN AN UPTREND)

##### پرچم پایانی

**نکته:** در اصلاحی که صورت میگیرد فاصله سقف ها و کف ها به طوری نیست که بگوییم (قیمت درجا روندش عوض میشود!) در واقع شبیه به اصلاح قیمت است و سقف و کف ها فاصله کمی نسبت به هم دارند.

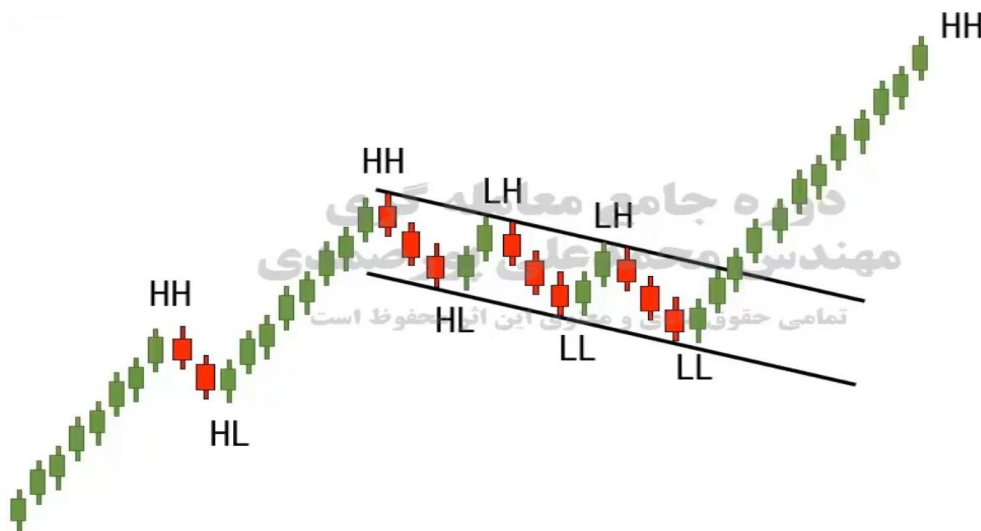


**نکته:** این حرکت برای چندتا سقف و کف زدن ادامه پیدا میکند و چارت به صورتی در میاید که به شما اجازه میدهد که در بالا و پایینش دو تا خط بکشید این دو تا خط شبیه یک پرچم می شود.

**نکته:** وقتی که final flag در در در روند صعودی است انتظار اولمان (نه همیشه) این است که از سقف بالا بشکند و سقف های بالاتر را هم ببیند. اما همیشه اینطور نیست در بعضی مواقع به سقف های بالایی برخورد میکند و ریزش میکند حالا اینکه کی این حالت یا fina flag روی میدهد در بخش های بعدی به نام MTR میپردازیم.

#### Final Flag (IN AN UPTREND)

##### پرچم پایانی



### Final Flag (IN A Down Trend)



تمام نکات در الگوی قبلی در این الگو هم صدق میکند.

**نکته:** احتمال اولش این است که از پایین پرچم شکسته شود اما این هم میشود که اگر پرچم در یک ناحیه حمایتی تشکیل شود به سمت بالا شکسته شود.

**نکته:** ما Flag را منظورمان این نیست که فقط باید دقیقاً آن حالت استاندارد را که گفته شد باشد Flag میتواند با کمی تغییرات باشد هر آنچه که دید شما را به صورتی ایجاد کند برایتان که انگار حس میکنید آن اتفاق مد نظر شما میفتد برای آن الگو و شک نکنید که آن الگو دارد رخ میدهد.

**نکته:** Flag میتواند در یک کندل باشد.

### Falling wedges (In an Uptrend)

#### گوه صعودی

**نکته:** در این الگو انگار قیمت جمع و فشرده میشود در یک گوشه ای. قوه صعودی

**نکته:** در هر جهتی این الگو شکسته شود در همان جهت ادامه حرکت میدهد.



**نکته:** این الگو از نظر روانی فشار زیادی به معامله گر میآورد.



احتمال بیشتر شکستن را در جهت روند می‌دهیم.

### Rising Wedges(In a Downtrend)

گوه نزولی



### Rising Wedges(In an Uptrend)

گوه نزولی



این قسمت برعکس الگوی قبلی است .

اما در این الگو قدرت خریداران بیشتر است.

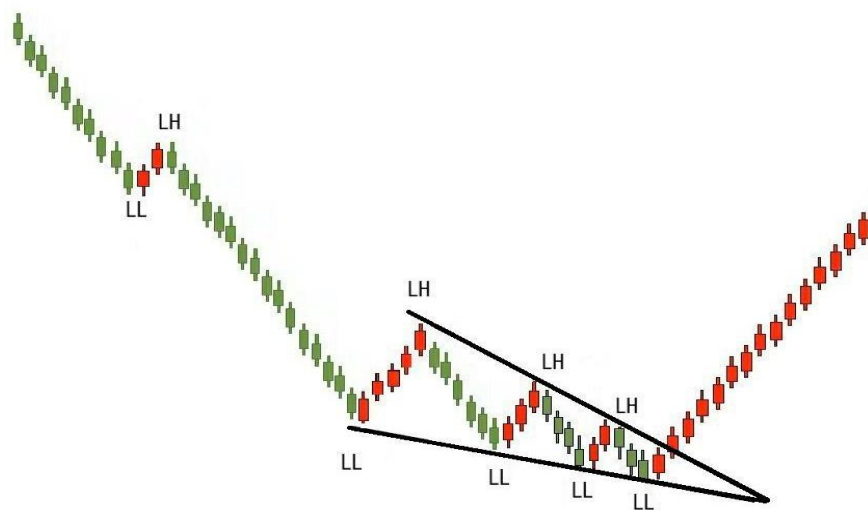
**نکته:** قدرت ریزشی این الگو بالاتر از قدرت ریزشی Falling Wedges است.

**نکته:** در این الگو سقف های جدید با زور زیادی زده میشود و نشان دهنده این است که انرژی خریداران دارد تمام میشود. و قدرت مارکت به سمت فروشندگان سوق داده میشود.

### Falling wedges (in a DownTrend)

#### گوه صعودی

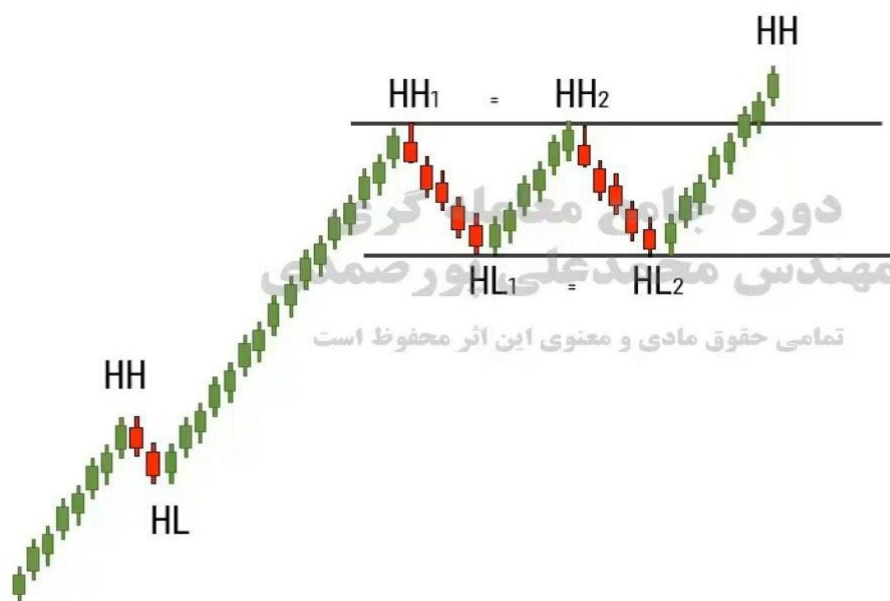
**نکته:** در اینجا کف های پایین تر زور ندارند و با فشار زیاد خریداران تشکیل میشود که نشان دهنده کاهش قدرت فروشندگان و افزایش قدرت خریداران است.



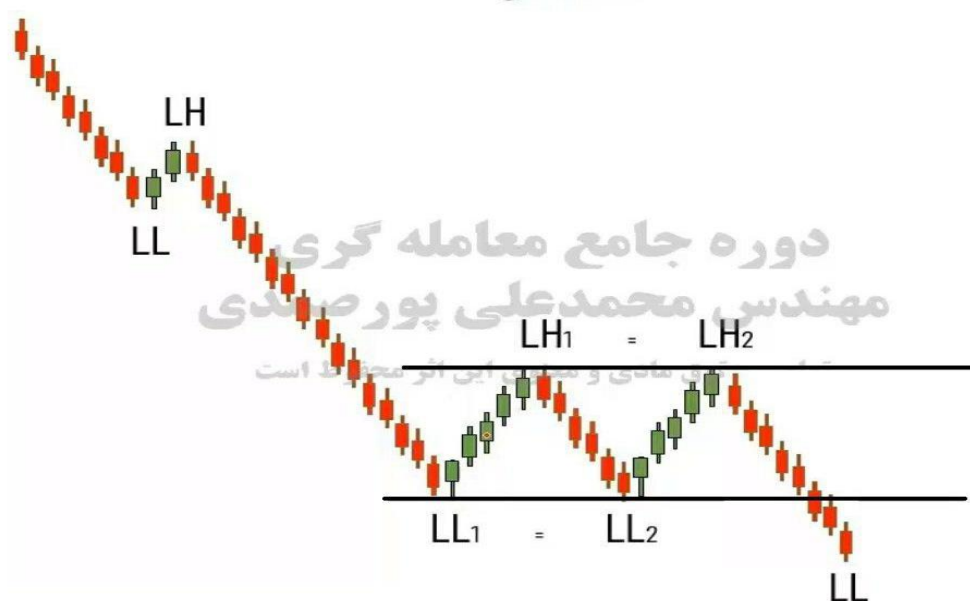
**نکته:** مهم نیست که اسم این الگوها چی هست همین که شما به مرحله ای برسید که الگوها را درست تشخیص دهید، کافی است.

### Rectangle (in an uptrend)

#### مستطیل صعودی



انتظار اول ما شکست از بالا است ولی ما در درون مستطیل دو طرفه معامله میکنیم و وقتی شکست صورت میگیرد و تثبیت میشود به همان سمت وارد معامله میشویم.

**Rectangle ( in Downtred )****مستطیل نزولی**

**نکته:** اگر از پایین شکسته شود ادامه روند نزولی را خواهیم داشت و اگر از بالا شکسته شود روند صعودی را خواهیم داشت.

**PART 21**  
**Price Action**  
**(ClassicPttrens)**  
**Part2**

**Symmetrical Triangle (in an uptrend)****مثلث متقارن**

**نکته:** در این الگو جنگی بزرگ بین خریدار و فروشنده روی میدهد و قیمت فشرده میشود.



## Symmetrical Triangle (in an downtrend)

### مثلث متقارن



احتمال اول در مثلث متقارن شکست در جهت روند قبلی می باشد. ما باید نحوه تفکر الگوها را یاد بگیریم. بعد از یادگیری این الگوها باید به سراغ کانالها برویم زیرا همه این الگوها به نحوی کانال به حساب می آیند.

**مهم:** الگوی زیر به هیچ وجه مثلث نمی باشد اول به این دلیل که ما کل یک روز رو در یک مثلث جا داده ایم و دلیل دوم اینکه این مثلث در دل یک تریدینگ رنج می باشد.



## Ascending Triangle (in an uptrend)

### مثلث افزایشی

**نکته:** وقتی که قیمت کف های بالاتر و سقف ثابت تشکیل میدهد نشان دهنده این است که فشار خریداران خیلی زیاد است و احتمال اول ما شکست از بالا است و ما باید به دنبال تاییدیه هایی باشیم که به ما سیگنال خرید بدهد.



## Descemding Triangle (In DownTrend)

### مثلث کاهشی

**نکته:** از نظر پرایس اکشن در این الگو این است که این الگو به یک سطح حمایتی یا مقاومتی رسیده و در این سطوح احتمال برگشت قیمت زیاد است.

**نکته:** اگر این مثلث از بالا بشکند خیلی با قدرت میشکند و قدرتش بیشتر از شکست در جهت روندش است.

**نکته:** اگر مثلث با تایید شکسته شد به معامله ورود میکنیم.

**نکته:** شکست الگوها باید شکست خوبی باشد و به کندل ها دقت زیادی کنیم.





## PART 23

### PriceAction

#### Signal bar and Key bar

**نکته:** ما نباید تا وقتی که سیگنال بار و کی بار را مشاهده نکردیم وارد معامله شویم.

**سیگنال بار (signal bar):** یعنی اولین کندل یا جمعی از کندل هایی که ما را هشدار می‌کنند که روند می‌خواهد عوض شود.

**کی بار (key bar):** به معنی کندل کلیدی است یعنی اینکه ما مطمئن می‌شویم وقتی که سیگنال بار تشکیل شد یک کندل به نام کی بار می‌آید ، در اصل کندل کی بار تاییدیه سیگنال بار است و بعد از آن می‌آید.

**نکته:** استاپ ما برای معامله فروش بالای سیگنال بار قرار می‌گیرد.

**نکته:** استاپ ما برای معامله خرید زیر سیگنال بار قرار می‌گیرد.

**نکته:** ما با سیگنال بار کاری انجام نمی‌دهیم و فقط یک اخطار تغییر روند دریافت می‌کنیم.

**نکته:** فقط وقتی که سیگنال بار و کی بار را در نواحی حمایتی و مقاومتی دیدید می‌توانید وارد معامله شوید.

## PART 24

### Price Action

#### (Classic Patterns)

#### Prat 3

در این قسمت می‌خواهیم در رابطه با شکست ها و ستاپ MTR بحث کنیم که یکی از محبوب ترین ستاپ ها است.

#### Bearish Breakout (in an uptrend)

در اینجا ما یک سطح داریم و پس از شکست این سطح می‌توانیم به معامله ورود کنیم.



**کانتکست چیست؟** به مجموعه ای از اتفاقات قبلی که در قیمت روی داده است یا به عبارتی به حالت کلی چارت کانتکست می گوییم. در شکست ها باید کانتکست را در نظر بگیریم یعنی مجموعه ای از کندل های گذشته را ببینیم و نتیجه بگیریم که شکست معتبر است یا خیر.

### Bullish Breakout (in a downtrend)



### Major Trend Reversal (In an uptrend)

**نکته:** این الگو برای افرادی که تازه کار، الگوی بسیار خوبی است.



این الگو به ما می گوید که وقتی که یک سطحی شکسته می شود قیمت بر می گردد به سطح مقاومتی خودش به محدوده ای که از آن شکست انجام داده پولبک میزند وقتی که این اتفاق می افتد یعنی این که داریم از حالت صعودی به حالت نزولی تغییر جهت می دهیم و وقتی که در محدوده پولبک سیگنال بار و کی بار مشاهده کردیم معامله می کنیم.

چرا این الگو برای معامله گران تازه کار خوب است؟

1. به شما فرصت می‌دهد و اولین چیزی که معامله گران تازه کار با آن مشکل خواهند داشت این است که آنقدر بازار نوسانات سریع انجام می‌دهد و معامله گران هی جا می‌مانند بدانید که سرعت عمل در معامله گری خیلی مهم است.

2. این الگو برای شما موقعیت خوب ریوارد می‌سازد.

نکته: در این الگو ممکن است سقف و کف های دوقلو تشکیل شوند که جزئی از MTR است.

انواع MTR :

1. Lower high MTR

2. Double top/bottom MTR

3. Higher high MTR

## Part 25

### Trading Psychology

#### (MBTI)

یکی از مهم ترین قسمت های معامله گری بحث سایکولوژی ، بحث روانشناسی معامله گری است. اگر بخواهیم تقسیم بندی کنیم آن موفقیتی که شما انتظار دارید شاید ۳۰ درصدش بحث تکنیکال ، نحوه تحلیل و... باشد و مابقی آن بحث روانشناسی و مدیریت سرمایه است که در این ویدیو به بحث روانشناسی میپردازیم. (معرفی کتاب: هنر شناخت مردم)

**وقتی که MBTI بخواهد مردم را بشناسد می آید مردم را به چند دسته تقسیم میکند:**

1. برونگرایی یا درونگرایی

2. شهودی یا حسی

3. منطقی یا احساسی

4. قضاوت گر یا دریافت گر

برای مرحله اول برای اینکه بشناسید چه تیپ شخصیتی هستید سایت هایی وجود دارد که میتوانید درون آن ها آزمون شخصیت بدهید و در آخر تیپ شما را مشخص میکند.

سایت اول: [Personalities16.com](http://Personalities16.com)

سایت دوم: [Typeshenasi.com](http://Typeshenasi.com)

سایت سوم: [Khodshenas.ir](http://Khodshenas.ir)

نکته: در هنگام آزمون دادن یکسری سوالات از شما پرسیده میشود لطفا طوری جواب ندهید که آن شخصی باشید که در ذهنتان میخواهید باشید آن طوری جواب بدهید که هستید.

**توصیه:** سعی کنید در هر سه سایت تست بدهید ممکن است یکم وقتتان را بگیرد اما ارزشش را دارد که برای شناخت خودتان وقت بزارید.

### خصوصیات تیپ های مختلف

## برونگرایی

### E

- این افراد رفتارشان معمولاً گرم است مثلاً در جمع خیلی باهمه گرم میگیرند ، خیلی به آدم ها نزدیک میشوند ، خیلی حرف میزنند.
- معمولاً این افراد تحرک زیادی دارند و یک جا بند نمیشوند.
- وقتی دارند فکر میکنند با صدای بلند فکر میکنند یعنی وقتی میخواهند کاری کنند با صدای بلند به همه میگویند.
- معمولاً سریع تر و بلند تر حرف میزنند.
- حواسشان به راحتی پرت میشوند.
- این قابلیت را دارند که سریع موضوع را عوض کنند.
- معمولاً دوست دارند در جمع ها باشند و به صورتی مجلس گرم کنند.
- این افراد اکثراً اول عمل میکنند و بعد فکر میکنند.
- در صحبت جملات دیگران را قطع می کنند و این افراد همیشه دنبال جلب توجه دیگران اند یا مثلاً اگر بخواهند کاری کنند میگردند ببینند که دیگران چه میکنند تا تایید بگیرند از آن ها.
- در معامله گری این افراد معمولاً خیلی هیستوری به دیگران میدهند یعنی مدام گزارش کار معاملاتی خودشان را برای دیگران میفرستند.
- نکته:** لطفاً حساب ریل هم باز کردین به هیچکس در رابطه با حساب ریلتان نگویند حتی به رفیق نزدیکتان چون وقتی هیستوریتان را به رفیقانتان نشان میدهید ناخواه تأثیر منفی میگذارد روی ذهن شما و حس میکنید که از شما انتظار دارد که دوباره معامله بهتر انجام دهید
- اگر ریل هم داشتید کسی پرسید بگویند دمو است.
- نکته:** وقتی وارد جمعی میشوید درباره ی معامله گری صحبت نکنید زیرا ممکن است برخی از افراد از این دنیا خبری نداشته باشند و دیالوگ هایی به شما بگویند که شما را ناراحت کنند برای همین سعی کنید با جمعی وارد این بحث شوید

که پایه است و با جمعی که میبینید اصلاً نیازی به حرف زدن نیست وارد بحث نشوید چون اصلاً درک و فهم افراد نمیرسد که بخواهید درباره‌ی ماهی ده بیست درصد سود حرف بزنید.

- **نکته:** معمولاً در معامله گری شما باید انتخاب گر باشید در انتخاب سرمایه گذار به این صورت که وقتی میخواهید یک سرمایه گذار به حسابتان اضافه کنید باید حجمش بالا باشد چون به جای اینکه ده نفر هزار دلاری وصل کنید یک نفر بیست هزار دلاری را وصل میکنید.
- برونگراها در معامله گریشان خیلی عجله دارند پس حواستان باشد اگر برونگرایید به عجله کردن حواستان باشد و در زمانی که دارید عجله میکنید سعی کنید کنترلش کنید.
- حواس پرت هستند این حواس پرتی باعث میشود که یک پوزیشن ازشان بپرد.
- همه این موارد را اشخاص برونگرا دارند برای همین حواستان به این موارد باشد.

### درون گرا

- آدم های درونگرا نقطه مقابل آدم های برونگرا هستند.
- این اشخاص رفتارشان معمولاً آرام و حساب شده است.
- کمتر حرف میزنند و معمولاً تودار هستند.
- اول فکر میکنند و بعد حرف میزنند.
- شمرده آرام حرف میزنند.
- هر بار فقط روی یک پروژه کار میکنند و این نکته مهمی است.
- دوست دارند وقتشان را در تنهایی بگذرانند و این خیلی خوب است برای یک معامله گر که تایمی را برای خودش داشته باشد و بتواند در تنهایی معامله کند.
- درونگراها معمولاً آن ۶۰ درصد موفق تر تا ۴۰ درصد موفق تر بازار هستند
- **نکته:** برونگرایی یک سری چیزای خوب دارد و درونگرایی هم یک سری چیزهای دیگر.
- این افراد محتاط تر و مردد ترند و این محتاط تر بودن یک نکته مثبت یک نکته منفی دارد:
- **نکته مثبت:** این افراد اگر بخواهند وارد پوزیشنی شوند حواشان به پوزیشن هست و وارد پوزیشن های اشتباه نمی شوند و عجله نمیکنند.
- **نکته منفی:** این افراد ممکن است انقدر احتیاط و صبر خرج کنند که تا پوزیشن از بین برود و این چیز خوبی برای معامله گری نیست.



- یک نکته منفی که درباره ی درونگراها وجود دارد این است که باعث میشود روی سیستم های اشتباه بمانند.
- علاقتان به تنها کار کردن باعث میشود که کارشان تیمی نباشد، اگر شما یک تیم خوب داشته باشید خیلی میتواند شما را از نظر روانی ساپورت کند و شما را جلو بیندازد اگر ضرری کردید آن تیم شما ساپورت میکند اما در تنهایی ممکن است خودخوری کنید و نتوانید خوب کار کنید برای همین تیمی کار کردن یک نکته مثبت است که باید به آن فکر کنید.

## شهودی

### N

- شهودی بودن خیلی خوب است برای معامله گری ، چون باعث میشود وقتی که به یک سطحی میرسید که خیلی حرفه ای شدید باعث میشود که به شهودی معامله کردن روی بیاورید.
- این افراد معمولا افکار انحرافی زیاد دارند از یک فکری به فکر دیگر می پرند و هی فکرشان جابه جا میشود.
- این افراد تصویری ترند تجسم زیاد در کارشان هست و از تشبیه استعاره زیاد استفاده میکنند.
- از زبان بدن برای بیان خودشان استفاده میکنند و دستانشان را زیاد در هنگام صحبت تکان میدهند.
- بیشتر در ذهنیات قوته ورنند تا در واقعیات و در ذهن خودشانند و در ایده هایشان دارند فکر میکنند.
- بیشتر جذب مشاغلی می شوند که درونشان خلاقیت حرف اول را میزند مانند معامله گری (خلاقیت در معامله گری خیلی مهم است)
- **نکته:** چیزی به نام خوب و بد نداریم همه ی تیپ های شخصیتی برای خودشان اتفاقات خوب و بدی دارند برای همین نمیتوانیم بگوییم که یک تیپ شخصیتی بد یا خوب است ، و اگر این را کنترل کنید و بدانید که چه تیپ شخصیتی هستید میتوانید پی ببرید که به چه صورت می توانید از این تیپ استفاده کنید و این استفاده درست باعث میشود که شما در دراز مدت سودده تر باشید.
- این افراد همانطور که گفتیم زیاد در ذهنیاتشان غرق هستند و این یک خوبی دارد یک بدی:
- **خوبی:** خوبی اش این است که میتوانند ببینند یک سیستم را خوب بهینه کنند اگر سیستمی بهشان می دهیم می آیند با خلاقیتی که دارند روی آن سیستم کار میکنند و آن را پروبال میدهند مثلا وقتی پرایس اکشن یاد میگیرند آن را با چیز دیگر از پرایس اکشن ترکیب می کنند.
- **بدی:** این ترکیب کردن ها ممکن خیلی از وقت ها آن ها را از مسیر اصلی دور کند.
- **نکته:** شما باید بدانید که چجوری کار کنید در این بازار و دیدگاه درست داشته باشید.

- این افراد احتمال بیشتری می رود که بروند مدرک دانشگاهی بگیرند چون درون ذهنیات غوطه ورنند و خیلی دوست دارند که بروند متد های فکری را انجام دهند.
- مطالب داستانی را برای خواندن بیشتر ترجیح میدهند تا اینکه بروند مطالب غیر داستانی بخوانند مثلا رمان زیاد می خوانند.
- معمولا حرفشان را تکرار و جمع بندی می کنند مثلا حرفی را به شما می زنند و این حرف را دارند به ده روش به شما یاد میدهند این باعث میشود طرف مقابل یک دیدگاه کلی و درست از آن ماجرا داشته باشد.
- معمولا درباره ی مسائل جهانی زیاد حرف میزنند مثلا در متد های فکریشان مسائل کلان درگیر است یا مثلا در مباحث اقتصادی به اقتصاد کلان بیشتر از اقتصاد خرد فوکوس میکنند.
- نکته: در بازار نیازی نیست شما زیاد قاطی جزئیات شوید همین که بخواهید که یک دیدگاه کلی داشته باشید بس است ، مثلا در بحث فاندامنتال شهودی ها نمی آیند زیاد روی نرخ ها فوکوس کنند یک دیدگاه کلی میگیرند و بر اساس همان دیدگاه در بازار معامله می کنند.
- شهودی ها خیلی آینده را پیش بینی میکنند این پیشبینی کردن هم باعث میشود ضرر کنند هم سود خوبی کنند چون این شهودی بودن باعث میشود که وقتی پوزیشنی میبینند پیشبینی میکنند که سریع فلان اتفاق دارد میوفتد این پیش بینی باعث میشود زودتر از بقیه وارد شوند ولی این زودتر وارد شدن ،هم میتواند زودتر استاپ بخورند هم میتواند سود زیادی گیرشان بیاید برای همین هم جنبه مثبت و هم جنبه منفی دارد.
- معمولا این افراد وقتی میبینند یکی حرف میزند جملات دیگران را تمام میکنند و آخرش را خودشان جمع بندی می کنند.
- از نظر معامله گری این افراد سیستم های زیادی را تست میکنند یعنی شاید از سیستمی به یک سیستم دیگر بروند این اتفاق هم خوب است هم بد
- شهودی ها وقتی سیستمی را یاد میگیرند دوست دارند آن را ارتقا دهند و این ارتقا دادن شاید بعضی از اوقات به ضررش تمام شود مثلا ممکن است با این ارتقا دادن سیستم را خراب کند ، برای همین خیلی دقت بکنید که دارد چه اتفاقی انجام میشود و چه کاری می کنید بر روی بازار این خیلی مهم است و باعث میشود که از اطلاعات واقعی بازار دور بمانند.
- افراد شهودی نمی توانند کارمند باشند چون هی می خواهند کارهای مختلف را تست کنند و اصلا نمی توانند تحمل کنند که یک نفر بالای سرشان باشد که بهشان بگوید چه کار کنند و چه کار نکنند.
- معامله گری شغل ثابت نیست، معامله گری هر روزش روز جدید است یعنی اصلا روز تکراری نداریم در معامله گری، و قشنگی اش همین است و شاید یک اتفاقی که امروز بیفتد و یک نتیجه داشته باشد فردا آن نتیجه را نداشته باشد و این می تواند برای ما یک درس باشد که ما را هی تکمیل میکند ، بزرگ میکند اگر شما یک آدم کوچکی باشید از نظر معامله گری ، هر روز در حال بزرگ شدن هستید و این بزرگ شدن به جایی میرسد که دیگر خودتان نمی توانید باور کنید که حتی با

این سبک فکر کردن با این ارتقا هر روز تصاعد به آن میخورد و به یک آدم خیلی خوب و بزرگ تبدیل می شوید و باعث میشود که هر روز بیشتر سود کنید و بیشتر قوی شوید در کارتان.

(معرفی کتاب: اثر مرکب دارن هاردی)

- این افراد معمولاً به دنبال پیش بینی کردن بازار هستند (اگر شهودی هستید سعی نکنید بازار را پیش بینی کنید. سعی کنید بازار هر سمتی می‌رود با آن حرکت کنید)
- این افراد شهودی خیلی میخواهند با چند روش به کار انجام دهند یعنی میخواهند یک مسیر را چند بار تکرار کنند مثلاً وقتی میخواهند پرایس اکشن را انجام دهند پرایس اکشن را از راه های مختلف تستش میکنند و این چیز خوبی است

## حسی

### S

- نقطه مقابل افراد شهودی حسی ها هستند این نوع تیپ شخصیت تعدادشان بیشتر است.
- این افراد حسی بر خلاف افراد شهودی الگوهای کلامی ساده و روشنی دارند ، افکارشان متوالی و زنجیره وار است مثله افکار افراد شهودی نیست که از این افکار به افکار بعدی بپرند وقتی یک متدی را شروع میکنند از نقطه صفر شروع میکنند میروند به صد و این خیلی خوب است.
- به این افراد هر آنچه بگوئید مو به مو اجرا میکنند.
- اگر شما حسی هستید بیخیال بحث شهودی شوید و در این حسی خیلی پتانسیل وجود دارد چون این افراد ، افراد دقیق تری اند به اموری که دارد اتفاق می افتد و به امور غیر واقع بینانه زیاد توجه ندارند.
- این افراد از زبان به عنوان ابزار استفاده میکنند تا اینکه بخواهند خیلی محاوره ای حرف بزنند و به بدن خودشان آگاه ترند تا اینکه بخواهند ازشان استفاده کنند در حرف زدن.
- معمولاً جذب مشاغلی می شوند که احتیاج به واقع بینی و عمل گرایی دارد.
- نکته:** هر دو تیپ شهودی و حسی به درد معامله گری می خورند چون درون معامله گری هم باید واقع بین باشید هم عملگرا و این خیلی می تواند کمک کننده باشد.
- خیلی احتمال دارد این افراد مدرک نگیرند چون زیاد اهل اینکه بخواهد درون ذهنیات و تفکرات باشند نیستند و دوست دارند بیشتر عمل کنند ، بیشتر ابزار گرا هستند تا اینکه بخواهند کار فکری بیشتری انجام دهند.
- معمولاً سریع مختصر و مفید حرف میزنند و جزئیات و امور واقع را در نظر میگیرند یعنی در سیستم معاملاتی به جزئیات زیاد توجه می کنند جای اینکه کلیات ماجرا را ببینند مثلاً در پیدا کردن سیگنال بار و کی بار خوب عمل میکنند ولی شاید

یک ترند را خیلی بخواهد دقیق پیدا کند و این زیاد دقیق بودن به ضررش تموم شود برای همین همیشه باید تعادل را حفظ بکنند بین اینکه تحلیل میکنند یا زیادروی تحلیل میکنند و این خیلی مهم است که دقت داشته باشید به آن.

- تا زمانی که حرف مردم تمام نشود این افراد حرفشان را قطع نمیکند برعکس شهودی ها.
- این افراد معمولاً گذشته را خوب به یاد میاورند این به یاد آوردن گذشته باعث میشود که این افراد بهتر از اشتباه گذشته شان درس بگیرند تا شهودی ها ، شهودی ها افراد فراموش کاری میتوانند باشند و این فراموش کاری میتواند اذیتشان کند در درازمدت تیپ های شهودی و حسی بیشتر به ژورنال معاملاتی نیاز دارند اگر افراد حسی ژورنال هم نداشته باشند اشکالی ندارد چون آنقدر درس را خوب یاد میگیرد و یک معامله اشتباه که در ضمیر ناخودآگاهش ثبت می شود اما افراد شهودی باید ژورنال داشته باشند چون فراموش میکنند و گیج می زنند.
- چون این افراد ابزارگرا هستند معمولاً شاید سمت اندیکاتور هم بروند یعنی مثلاً دوست داشته باشند علاوه بر آن دیدگاهشان چهارتا ابزار هم استفاده کنند و می گردند بهترین ابزار را با توجه به پرایس اکشن پیدا میکنند چون الان آگاه هستند.
- این افراد چون یک کاری را به آنها بدهید خوب انجام میدهند معمولاً در استراتژی نوشتن شاید خوب عمل نکنند(شاید) وقتی بهشان استراتژی میدهید.
- نکته: شاید در استراتژی نوشتن خوب عمل نکنند(منظور این نیست که اشتباه عمل میکنند منظور این است که انقدر پارامتر اضافه میکنند که خروجی ها زیاد میشود و دیدگاه کل نگر نمیتواند داشته باشند.

## PART 26

### Trading Psychology

#### (MBTI)

در این ویدیو میخواهیم احساسی و متفکر بودن تیپ های شخصیتی را بررسی کنیم.

### احساسی

#### F

- این افراد اکثر تصمیمات زندگی اش بر اساس احساس است نه بر اساس منطق و این باعث میشود بیشتر با آدم ها گرم و دوستانه باشد و احساسات آدم های دیگر خیلی برایش مهم است.
- این افراد خیلی خودشان را متعهد می دانند در برابر احساسات بقیه.
- معمولاً ملایم ترند ، آدم هایی اند که سیاست دارند و تشریفاتشان زیاد است در کارشان.
- از بحث کردن همیشه دورند و دوست ندارند در بحث ها باشند.

- خیلی زود احساساتشان جریحه دار می شود و این خیلی بد است چون وقتی یک معامله استاپ میخورد شاید خیلی ناراحت شوند و عکس العمل نشان دهند.
- معمولاً وقتی سوال جواب می خواهند کنند با بقیه سر موعدهش این کار را میکنند.
- معمولاً وقتی می خواهند هدیه بدهند دست و دلبازند این دست و دلبازی باعث میشود که در معاملات هم دست و دلبازی کنند و معاملات با حجم بالا بزنند و این حجم بالا معامله زدن مدیریت سرمایه را خراب میکند و اگر مدیریت سرمایه خراب شود شما معامله گر درستی در نمی آید پس خیلی مراقب این اتفاق باشید.
- معمولاً اعتماد به نفس ندارند و جسارتشان کمتر است و آن شجاعت لازم برای معامله را ندارند یا خیلی بی پروا عمل میکنند یا خیلی محتاط اند یا میترسند و اعتماد به نفس انجام معامله ندارند.
- این افراد ارزش هایشان در صحبت کردن برایشان خیلی مهم است مثلاً خیلی با آدمها سریع دوست میشوند، افراد را با اسم کوچک صدا می کنند.
- معمولاً با مشاغلی کار میکنند که سیستم خدماتی اند و دوست دارند که نیازهای دیگران را برطرف کنند.
- 60 الی 70 درصد این تیپ شخصیتی خانم ها هستند و فقط ۴۰ درصد را آقایان تشکیل میدهند.
- اگر این احساسی بودن را کنترل کنید به شدت می تواند شما را بهتر کند.

## متفکر

### T

- معمولاً افراد سرد تری هستند مثلاً زیاد به آدمها نزدیک نمی شوند یا فکر میکنند اگر به آدم ها نزدیک شوند بهشان آسیب وارد میشود.
- معمولاً مثل افراد بی احساس دیده می شوند (مثلاً در یک جمعی می گویند فلانی اصلاً احساس نداره)
- این افراد در روابط عاشقانه خیلی راحت تر کات میکنند.
- در بازارهای مالی این افراد خیلی خوب میتوانند متفکر باشند و خیلی میتوانند موفق باشند چون تمام تصمیمات را بر اساس منطق میگیرند و چیز احساسی ترکیب نمی کنند و این خیلی مهم است.
- خیلی اهل جروب بحث هستند.
- محافظه کار و واقع بین هستند این باعث میشود که همیشه حواسشان به آن ۲ درصد مدیریت سرمایه باشد.

- خیلی مسر و جسورند این باعث میشود که وقتی تصمیم می گیرند معامله گر شوند این تصمیم را همانطور ادامه میدهند و در آن رشد میکنند. اینطوری نیستند که یک روز تصمیم بگیرند معامله گر شوند و یک روز یک تصمیم دیگر (برای همین اگر احساسی هستید خیلی دقت کنید که تصمیم هایتان سریع عوض نشود مثلاً دوتا ضررده کردید جوگیر نشوید که فکر کنید دیگر بدرد این ۳ کار نمیخورید)

**نکته:** تمرین کردن شاید با یه مقدار سختی همراه باشد شاید بعضی وقت ها زجر بکشید ولی ارزشش را دارد و در مسیر بمانید.

- معمولاً این اشخاص خیلی با افراد دیگر جور نمی شوند و بقیه را بیشتر به اسم بزرگتر صدا میکنند.
- احتمال زیادی وجود دارد که این تیپ شخصیتی ۶۰ درصدشان مرد باشند و ۴۰ درصد آن خانم باشند.
- این افراد راهبردی عمل میکنند و اینگونه نیستند که فقط احساسی تصمیم بگیرند اگر تصمیمی دارند برایش برنامه ریزی میکنند و توی درست کردن استراتژی خیلی میتوانند موفق باشند چون دارند بر اساس منطق استراتژی می چینند.

## قضاوت گر (J)

و

## دریافت گر (P)

- آدم های قضاوت گر خیلی افراد بانظمی هستند مثلاً وقتی به یک مسافرت می خواهند بروند قشنگ برنامه ریزی می کنند و برای هروزشان برنامه دارند.
- اما افرادی که دریافت گر هستند ، اینگونه نیستند این افراد خیلی بهویی عمل میکنند. و در کل کارهای بهویی زیاد انجام میدهند این بهویی انجام دادن هم خوب است هم بد :
- **خوبی:** خوبی آن این است که وقتی موقعیت معاملاتی مبینند سریع واردش میشوند.
- **بد:** این تیپ برعکس تیپ قضاوتگر بی نظم هستند و این بی نظمی شاید کاردستان بدهد.
- اشخاص قضاوت گر نظم دارند و این نظم داشتن باعث میشود که طبق یک پلنی مدام رشد بکنند.
- تیپ قضاوتگر معمولاً رسمی تر هستند خیلی کت و شلواری هستند ولی تیپ دریافتگر خیلی راحت دوست دارند لباس بپوشند و خیلی در چارچوب نمی گنجند.
- تیپ قضاوتگر در سازمان عالی عمل میکند ولی تیپ دریافتگر در چارچوب نمی گنجند و دوست دارند آزاد باشند.
- در چارچوب نگنجیدن تیپ دریافتگر شاید باعث شود در معامله گری طبق برنامه عمل نکنند و این مورد کار دستان میدهد.



- تیپ دریافتگر در معامله گری باید سعی کند نرخ معاملات سودده اش را بالا ببرد زیرا نظم نداشتن این تیپ باعث میشود یکسری معاملات سودده را از دست بدهد پس باید بیایند در معامله گری انتخاب گزینش عمل کنند یعنی وارد پوزیشن هایی شوند که حتما روی 60 درصد است و پوزیشن های 40 درصد موفقیت را وارد نشوند این راه حلی است که برای تیپ های دریافتگر وجود دارد. اما افراد قضاوگر چون نظم دارند با هر احتمال 60 یا 40 میتوانند وارد معامله شوند و فارق از سود و ضرر در کارشان نظم دارند.
  - اشخاص قضاوت گر معمولا مسئولیت پذیر هستند ، به کارشان مسلط هستند ، تصمیم گیری هایشان به سرعت انجام میشود ، قاطعیت دارند ، ولی باید برنامه ریزی پشت تصمیمشان باشد و تصمیم گیری یهویی دیوانه و عصبی شان میکند.
  - اشخاص قضاوت گر معمولا هدف گذاری های مکتوب دارند ، این هدف گذاری مکتوب در معامله گری خیلی خوب است ولی یک بدی دارد:
    - مثلا میگویند این ماه من دوهزار دلار شارژ کردم و ماه بعد میخوام این مبلغ را دو برابر کنم اینجا این اشخاص خودشان را مجبور میکنند و اگر به آن تارگت خودشان نرسند عصبانی میشوند ، برای همین این افراد معمولا کمال گرا میشوند و این کمال گرایی ممکن است کار دستشان بدهد برای همین باید خیلی حواسشان باشد که این کمال گرایی شان زیاد نشود.
  - قضاوتگرها معمولا در مشاغلی کار میکنند که تسلط و کنترل زیادی روی آن داشته باشند ، مثلا دوست دارند یک مدیر باشند. این افراد در سازمان خوب عمل میکنند و در معامله گری هم همینطور است و چون نظم دارد میتواند در معامله گری هم مدیر خودش باشد اما شخص دریافت گر نمیتواند مدیر خودش باشد حتما پلنی برای خودش بچیند که حتما بتواند خودش را مدیریت کند و سازمان یافته تر عمل کند.
  - قضاوتگرها یک خوبی درند معمولا یک فهرست از کارهایی که باید بکنند تهیه میکنند و در این فهرست هر آنچیزی که باید انجام دهند را مینویسند و طبق آن انجام میدهند.
  - ولی در دریافتگرها خبری از این فهرست نیست به همین دلیل اگر دریافتگر هستید سعی کنید این فهرست را تهیه کنید و همه چیز را مکتوب بکنید چون تیپ قضاوتگر ذاتا این شکلی است و خودبه خود کارش را انجام میدهد.
  - قضاوتگر بودن یکی از نقاط قوت یک معامله گر میتواند باشد چون نظم دارد و نظم در معامله گری خیلی مهم است و اگر نظم نداشته باشید کار خودتان را سخت تر می کنید.
  - تیپ قضاوتگر معمولا عجله در کارشان هست و این ممکن است کار دستشان دهد اما تیپ دریافتگر خیلی عجله برای معامله کردن ندارد ، مثلا ممکن است چهار پنج روز حتی یک عدد پوزیشن هم باز نکنند **چون این شخص درک کرده است که بازار بوده ، هست و خواهد بود ، بازار فرار نمی کند** بخاطر همین عجله ای برای این کار ندارد.
- تابه اینجا متوجه شدیم که یکسری خوی های رفتاری وجود دارند که در انسان ها متفاوت است.
- ما کلا 16 تا تیپ شخصیتی داریم و این 16 شخصیت در چهار گروه کلی دسته بندی میشوند که این چهار گروه کلی را ما باهم بررسی خواهیم کرد.

گروه اول: N,T کسانی که بر اساس منطقشان فکر میکنند.

## تحلیلی‌گرایان



**معمار**  
INTJ-A / INTJ-T

متفکران دارای تخیل و استراتژی که برای همه چیز برنامه دارند.



**منطق‌دان**  
INTP-A / INTP-T

مخترعان نوآور که عطش سیری‌ناپذیر برای دانش دارند.



**فرمانده**  
ENTJ-A / ENTJ-T

رهبران جسور، دارای تخیل و اراده قوی که همیشه راه حلی را پیدا میکنند - یا حتی



**مجادله‌گر**  
ENTP-A / ENTP-T

متفکران هوشمند و کنجکاو که نمی‌توانند در برابر وسوسه چالش فکری مقاومت کنند.

گروه دوم: N,F کسانی که بر اساس شهود و احساسی و دریافتگر بودنشان فکر میکنند.

## دیدلمات‌ها



**حامی**  
INFJ-A / INFJ-T

کمال‌گرایانی ساکت و پر رمز و راز، در عین حال بسیار الهام‌بخش و خستگی‌ناپذیر.



**میانجی**  
INFP-A / INFP-T

افراد شاعرانگ، مهربان و نوع‌دوست، همیشه مشتاق کمک به هدفی خوب هستند.



**قهرمان**  
ENFJ-A / ENFJ-T

رهبران کاریزماتیک و الهام‌بخش، قادر هستند شنوندگان خود را هیپنوتیزم کنند.



**پیکارگر**  
ENFP-A / ENFP-T

روح‌های آزاد مشتاق، خلاق و خوش‌مشرب که همیشه می‌توانند دلیلی برای لیخند پیدا کنند

گروه سوم: S,J کسانی که بر اساس حس و جاجمنت بودنشان تفکر و فکر میکنند و کار انجام میدهند.

## نگهبانان



**تدارکاتچی**  
ISTJ-A / ISTJ-T

افراد عمل‌گرا و واقع‌اندیش، کسانی که در قابل اعتماد بودنشان جای شکی نیست.



**مدافع**  
ISFJ-A / ISFJ-T

محافظاتی بسیار متعهد و گرم، همیشه آماده دفاع از عزیزان خود هستند.



**مجری**  
ESTJ-A / ESTJ-T

مدیران عالی، بی‌نظیر در مدیریت امور - مردم.



**سفیر**  
ESFJ-A / ESFJ-T

افرادی فوق‌العاده مراعاتگر، اجتماعی و محبوب، همیشه مشتاق کمک کردن هستند.



### تحلیل‌گران یا مفهوم پردازان

- این تیپ به جزئیات توجه ندارند و تصویر عمومی را نگاه میکنند و بیشتر به آینده نگاه میکنند تا کنون و متفکر بودنشان باعث میشود که آینده را ببینند و براساس آن آینده تصمیمات واقع بینانه بگیرند.
- چون ترکیب شهود (N) و متفکر (T) یک آدم مستقل میسازد خیلی تیپ خوبی برای معامله‌گری هستند و معمولاً دوست دارند استقلال بالایی داشته باشند.
- طبق آمار این تیپ 15% از جامعه آمریکا را در میگیرد.
- این شخصیت ها خیلی دوست دارند بی نظیر و در کارشان خیلی حرفه ای باشند این بی نظیر بودن در معامله گری باعث میشود که خیلی کمال گرا باشند و این شاید کار دستشان دهد پس اگر در این تیپ قرار دارید ، حواستان باشد که بی نظیر بودن در اینجا جواب نمیدهد و باید حواستان به کارتان باشد.
- این افراد خیلی استانداردهای بالایی را میخواهند رعایت کنند و این استاندارد های بالا باعث میشود که کمالگرایی کنند و شاید طوری استاندارد گذاری کنند که به آن نرسند و چون خیلی دوست دارند دنبال دانش علم باشند بخاطر همین شاید خیلی در پیدا کردن سیستم های مختلف گیر کنند و هی بخواهند نظریه بدهند و این باعث شود که از واقع بینی بازار دور بمانند و برایشان مشکل ساز شود ، اما چون نوآوری دارند آنقدر به مشکل نمیخورند چون این نوآوری شاید این دانش را پوشش دهد و معمولاً ابتکار عمل هم دارند و این ابتکار عمل باعث میشود که خوب عمل بکنند چون دارند یک کار را به سبک نویی انجام میدهند و ابتکار به خرج میدهند.

- منطقی و تحلیلی رفتار کردنشان باعث میشود که بازار را تحلیل کنند و منطقی و واقع بینانه رفتار کنند و معمولاً بی طرف و منصف هستند و این ویژگی باعث میشود نسبت به موقعیت های معاملاتی مختلف بی طرفانه رفتار کنند و نسبت به یک معامله خیلی گارد نگیرند.
- این افراد چون قدرت را درک میکنند برای قدرت هم احترام زیاد قائل هستند و این قدرت را در معامله گری میتوانند استفاده کنند و از روی آن سبکی را پیدا کنند که بر اساس تفکرات خودشان بتوانند قدرتشان را پیاده سازی کنند و این خیلی مهم است برای این گروه.
- معمولاً در اکثر مشاغل هستند.
- این اشخاص چون ذاتاً شکاک هستند بدرد معامله گری میخورند ، در معامله گری باید شکاک بود و به همه چیز شک کرد تا به یک سیستم درست رسید اما وقتی سیستم پیدا کردید دیگر شک نکنید و معاملات خودتان را انجام دهید.
- معمولاً دستاوردهای خوبی بدست می آورند و به دنبال دستاورد های بزرگ هستند ، به کم قانع نمی شوند و این در معامله گری خوب است .
- معمولاً با فناوری خوب ارتباط برقرار میکنند مثلاً در معامله گری ممکن سمت اکسپرت نویسی بروند و بخواهند سیستمشان را الگوریتمی کنند چون به فناوری خیلی علاقه دارند و جذب آن میشوند این جاذب و بلند پرواز بودنشان باعث میشود که پلن های بلندمدت خوبی برای خودشان بچینند .
- چون NT هستند و پیوسته در حال یادگیری هستند(یک معامله گر باید پیوسته در حال یادگیری باشد و این برایشان خیلی خوب است)
- معمولاً در شغل های مدیریتی مشاوره ای ، پژوهشی ، حقوق ، برنامه ریزی کردن ، استاد دانشگاه شدن ، تحلیل مسائل مالی ، کامپیوتر خیلی خوب عمل میکنند.

## دیپلمات ها یا آرمان گراها

- این افراد چون مثله تیپ قبلی از شهود برخوردار هستند باعث میشود که به تصویر کلی خیلی خوب دقت داشته باشند ولی به جای تفکر روی احساساتشان بیشتر مانور میدهند یعنی شهود را با احساساتشان قاطی میکنند.
- این اشخاص سخنران خوبی می توانند باشند.
- این اشخاص زندگی را یک سفر خودشناسی میدانند و همین باعث میشود که خیلی دنبال کتاب های روانشناسی بروند و روانشناس های خوبی از این تیپ در می آید چون همیشه دنبال این هستند که خودشان را بهتر بشناسند
- این اشخاص بیشتر حالت غیر مادی دارند و بیشتر سبک روحانی بودن جواب میدهند تا معامله گر بودن. یکی از دورترین ها برای معامله گری این تیپ است که اینها هم میتوانند با آموزش از همین پتانسیل هایی که دارند در معامله گری استفاده کنند یعنی نشد نداریم در این سیستم.

- معمولاً در شغل‌هایی درگیر می‌شوند که در آنها معنا و ارزش وجود داشته باشد و این شکلی نیستند که کاری انجام دهند صرف هیچ ارزش و معنایی چون این مجموعه از تیپ‌ها یک جورایی دلسوز و خیرخواه مردم هستند.
- چون باورهای عمیقی دارند بر اساس باورهایشان تصمیم می‌گیرند
- این تیپ معمولاً در هنر، روانشناسی، مشاوره، مربیگری، آموزش، منابع انسانی شرکت‌ها، بدرد این کارها می‌خورند ولی میتوانند از قابلیت‌هایی که دارند جاهای دیگر استفاده کنند و خیلی سودده باشند برای خوشان
- این افراد 15% جمعیت آمریکا را تشکیل میدهند.

### نگهبانان یا سنت گرایان

- این افراد تمرکزشان روی جزئیات به شدت بالا است و چون جزئیات را میبینند و تمرکز دارند روی برنامه ریزی اخلاق کاری برایشان خیلی مهم است.
- این افراد به کاری که دارند اعتقاد دارند.
- این افراد مسئولیت پذیر تیپ هستند یعنی یک چیزی را بهشان محول میکنید خیلی به صورت مسئولیت پذیری آن کار را انجام میدهند.
- حدود 40% از جمعیت هم این تیپ تشکیل میدهند.
- این افراد ثابت قدم رو راست هستند و رفتارشان رسمی و مودبانه است و در هر شغلی هم هستند.
- معمولاً افراد با ثباتی هستند و یک سبک را دنبال میکنند.
- در کارشان سلسله مراتب روشنی دارند و زمانی که تصمیم بگیرند که از نقطه A به نقطه B بروند اینکار را بدون هیچ کم و کاستی انجام میدهند.
- خیلی دوست دارند مورد ارزیابی قرار بگیرند یعنی باید یک نفر بالای سرشان باشد که بهشان بگوید که الان دارند کار درستی میکنند یا کار غلطی و شاید به یک مربی نیاز داشته باشند تا این افراد را ارزیابی کند چون خودشان خیلی دوست دارند ارزیابی شوند.
- اگر از این تیپ قدردانی کنید برای آن کار ده برابر انرژی میگذارند.

- دوست دارند با افرادی کار کنند که جدی هستند و اصلا در کار شوخی نمیگیرند و یک تیپ خیلی خوب برای معامله گری هستند.
- در کارهای تجارت ، مدیریت ، تدریس ، مراقبت های بهداشتی ، نظام غذایی و ... خیلی میتوانند خوب کار انجام دهند.
- جدی بودن در کار یکی از ویژگی های این تیپ است و یکی از مهم ترین چیزهایی که یک معامله گر باید داشته باشد این ویژگی است.

## كاوشگران يا تجربه گرا

- این افراد دوست دارند همه چیز را تجربه کنند.
- این تیپ بخاطر عملگرا و واقع بین و دریافت گر بودنش شیوه زندگی شان اینگونه است که دوست دارند آزاد ، متفاوت باشند و روحیه شان چون روحیه آزادانه است و نمی توانند در قالب بگنجند.
- معمولا خیلی بیخیال هستند الکی خوش هستند ، خیلی کارها را آسان می گیرند و این مورد خیلی خوب است اما باید به اندازه باشد.
- خیلی لبخند میزنند و خیلی میخندند.
- چیزی را برای بلند مدت جدی نمی گیرند این خیلی خوب است برای معامله گری مثلا وقتی ضرر بزرگی میکند بیخیال آن معامله می شود و سراغ معامله های بعدی میرود.
- این تیپ شخصیتی هم برای معامله گری خوب است اما اگر بدانند که جز این تیپ هستند و بتوانند این را کنترل کنند.
- تنش روحی زیادی ندارند اما عجله زیاد دارند در کارشان و بیشتر در زمان حال هستند و در حال بودن کیف میکنند.
- دوست دارند در جاهایی کار کنند که انعطاف پذیری بالایی دارد برای همین در معامله گری وارد میشوند چون انعطاف پذیری خیلی بالایی دارد.
- معمولا کار و تفریح را باهم ترکیب می کنند.
- یکی از تیپ هایی هست که شاید به ظاهر اولیه بدرد معامله گری نخورد چون خیلی نظم درستی ندارند به دلیل (P) بودنش اما اتفاقا از این تیپ هم یک سبک خوبی در معامله گری در می آید چون کار با ابزارشان خیلی خوب است یعنی وقتی بهشان سیستم یاد میدهند خوب با آن کار میکنند چون زیاد در غید و بند نیستند که ذهنشان را تشویش کنند.
- نکته: همه تیپ ها نقاط قوت و ضعف خودشان را دارند و می توان این را گفت که از همه این تیپ ها می توان معامله گر موفق شد اما باید خودشان را بشناسند تا موفق تر شوند.



## PART 27

### Price Action

### (Market Cycles)

در این ویدیو می‌خواهیم درباره‌ی مارکت سایکل صحبت کنیم و بفهمیم که منظورمان از این کلمه چی هست و کجا از آن استفاده می‌کنیم؟

به طور کلی بازارها درون یک چرخه ای در حال گردش هستند این یعنی این که بازار همیشه که به سمت صعودی یا نزولی یا خنثی نیست همیشه باید طی یک چرخه ای از صعود به نزول تبدیل شود از نزول به صعود تبدیل شود و این چرخه ها یک سری الگوهای تکرار شونده که بارها و سال ها دارد تکرار میشوند را برای ما ایجاد می‌کند چون هرکاری کنید قیمت باید از نقطه **A** برود نقطه **B** و این را دارد بارها و سال ها تکرار می‌کند و این مورد مگر به چند مدل مختلف میتواند حرکت کند برای همین آنقدر بازه تفاوت نداریم و معمولاً الگوهایی را ایجاد میکنند که ما بهشان می‌گوییم **الگوهای تکرار شونده** و **مارکت سایکل** البته این الگوهای تکرار شونده و مارکت سایکل با **الگوهای کلاسیک خیلی فرق** می‌کنند.

**بازار شامل سه بخش است:**

1. اسپایک

2. تردینگ رنج

3. کانال

در اسپایک فاصله سقف ها و کف های کندل ها از همدیگر باید زیاد باشد و ما باید در چهره چارت متوجه این شویم که نسبت به قبل ما یک حرکت بمبی و شارپی داریم و این ویژگی است که اسپایک را با بقیه چارت جدا می‌کنند.

**نکته:** اسپایک‌ها برابر هستند با بریک اوت‌ها و در قسمت بریک اوت‌ها بررسی می‌کنیم که تمام قوانینی که بر بریک‌اوت‌ها ایجاد می‌شود و صادق هست در اسپایک هم صادق است.

**نکته:** در اسپایک ما فقط اجازه داریم معامله یک طرفه انجام دهیم یعنی به هیچ عنوان حتی اگر پین‌بار هم دیدید نباید خلاف اسپایک ترید کنید البته در مراحل اول این پین‌بارها را نمی‌گیریم و زمانی که حرفه‌ای شدیم میتوانیم براساس استرترژیمان این پین‌بارها را هم بگیریم.

**نکته:** وقتی یک پین بار ایجاد میشود و فاصله آن با مووینگ اوریج خیلی زیاد است در اینجا امکان دارد یک اصلاح داشته باشیم تا مووینگ ما حالت منطقی خودش را ایجاد کند و پیش برود.

**نکته:** اسپایک فاز اول حرکت روند میشود اسپایک که قیمت به صورت پامپی نزول و صعود میکند.

وقتی که اسپایک شکل می‌گیرد انتظار اول **60%** این است که بعد از اسپایک قیمت یک کانال تشکیل خواهد داد و این کانال برای ما ایجاد موقعیت خواهد کرد.

## اسپایک، کانال و تریدینگ رنج



**نکته:** برای رسم کانال بهتر است که از کف اسپایک کانال نکشیم.

**نکته:** بعد از اسپایک وارد کانال می‌شویم و بعد از کانال وارد تریدینگ رنج می‌شویم.

**نکته:** در اسپایک معاملات یک طرفه است. در کانال 60 درصد در جهت کانال و 40 درصد در خلاف کانال است. اما در تریدینگ رنج ما BLSH انجام می‌دهیم یعنی خرید در کف و فروش در سقف.

پس مارکت سایکل اینگونه تشکیل می‌شود که در ابتدا ما یک اسپایک داریم بعد از آن کانال یعنی یک ترند در جهت اسپایک و بعد از آن مارکت که شروع می‌کند انرژی خودش را از دست دادن که در 80% از مواقع وارد فاز تریدینگ رنج می‌شویم.

برخی اوقات ممکن است که از فاز اسپایک مستقیماً وارد فاز منفی بشویم که این تشکیل یک الگوی V است و یا بعد از اسپایک وارد فاز تریدینگ رنج بشویم که در سه تا ویدیو بعدی همه این‌ها را کاملاً بررسی می‌کنیم و ترکیب این سه موارد یک چیز فوق العاده‌ای تشکیل می‌دهد.

**نکته:** اسپایک برای تشکیل شدنش نیاز دارد که حتماً یک بازار یک حالت رنج باشد یعنی یک بازار کمتر جهت داری باشد که وقتی بریک اوت می‌کند خوب خودش را نشان دهد.

**نکته:** راس حرکت ما شروع اسپایک است یعنی اسپایک می‌شود شروع کار ما برای پیدا کردن سایکل مارکت.

## PART 28

### Price Action

#### (Channels part2)

**نکته:** تمام الگوهایی که کار کردیم مانند الگوهای مثلث، فلگ، و هر آنچه که به عنوان الگو تا الان با هم کار کردیم این الگوها در ذات و در نهایت یک کانال هستند و اگر شما بدانید رفتار کانال و طرز کار با کانال چه شکلی است، که ما بتوانیم یک رفتاری با آن داشته باشیم که بتوانیم معکوس بر آن وارد معامله شویم، این ما را خیلی جلو می اندازد و عملاً ما را در بحث تکنیکال تبدیل به یک حرفه ای میکند که با دانستن یک مقدار کم از فاندamental میتوانیم سودآور باشیم.

در مرحله اول کانال ها ما برای اینکه یک کانال را تشخیص دهیم و بدانیم که یک کانال دارد تشکیل می شود احتیاج به دو نقطه داریم.

**نکته:** احتیاج نیست که وقتی دو نقطه در سقف دارید به دنبال دو نقطه در کف هم بگردید.

شما تنها دو برخورد داشته باشید در کانال های نزولی خط بالا و در کانال های صعودی خط پایین این کافی است برای شما که متوجه شوید در یک کانال هستید.

US30.M2L.M5 33912 33912 33900 33904



وقتی که شما فهمیدید در یک کانال نزولی هستید به دنبال سیگنال بار و کی بار در محدوده کانال میگردید و در جهت کانال وارد معامله می شوید.

**نکته:** زمانی که شما بتوانید کندل هارا در بین دو خط قرار دهید در کانال هستید.

**Context** حالت کلی معامله است یعنی در جریان باشیم که قبل از این کانال چه اتفاقاتی رخ داده است مثلاً 50 یا 100 کندل قبل تر چه اتفاقی افتاده است که براساس آن بباییم دیتا آینده خود را تشخیص دهیم، به طور کلی به حالت کلی چارت کانتکست میگوییم.

بعد از هر شکست ناموفق ، قیمت به داخل کانال بر میگردد .

کانال تخت تر میشود .

کانال گسترده تر (اکستند) میشود .

در نهایت به تردینگ رنج تبدیل میشود .



**نکته:** بعد از هر بار شکسته شدن کانال ما یک ترندلاین جدید میکشیم .

**نکته:** کانال ها در دل کانال ها وجود دارند .



**نکته:** فاصله سقف ها در کانال صعودی و فاصله کف ها در کانال نزولی خیلی مهم است هرچه این فاصله ها کمتر شود میتواند

نشان از برگشت روند باشد .

**نکته:** معمولا فیک بریک اوت ها همراه با بین بار هستند.

**نکته:** ما معامله میکنیم برای درصد ها برای احتمالات و هیچ قطعیتی در بازار وجود ندارد.

**نکته:** بازار مجموعه ای از سود و ضرر هاست و هیچوقت قرار نیست شما پشت سر هم سود کنید.

**نکته:** کانال ها ریوارد بسیار خوبی ایجاد میکنند تا در برگشت قیمت ها وارد معامله شوید.



**کانال، فاز بین اسپایک و تریدینگ رنج است.**

**نکته:** ما باید بدانیم که در کدام فاز هستیم که طبق آن فاز معامله کنیم مثلا وقتی در فاز اسپایک هستیم نباید دو طرفه معامله کنیم ولی در فاز کانال و اسپایک میتوانیم دو طرفه معامله کنیم.

**نکته:** مهم ترین قسمت کانال کشیدن ، این است که نقطه شروع مان را درست انتخاب کنیم.

**نکته:** از اول اسپایک خط کانال را رسم نمیکنیم چون شیب آن خیلی زیاد میشود و تنها در یک حالت می توانیم از این حالت استفاده کنیم اینکه شیب و ارتفاع اسپایک کم باشد میتوانیم یک خط کانال رسم کنیم.

**نکته:** تریدینگ رنج هم یک کانال است ، یک کانال بی جهت و افقی.

**نکته:** هیچ کندلی در بازار بی معنی نیست و تیک به تیک قیمت بی دلیل تشکیل نمیشوند.

**نکته:** کانال نزولی ، یک فلگ نزولی در تایم فریم بالاتر است.

کانال صعودی، یک فلگ نزولی در تایم فریم بالاتر



کانال صعودی، یک فلگ نزولی در تایم فریم بالاتر



**نکته:** وقتی بحث جنگ و اتفاق های وحشتناک میاید و هر چیز دیگری که باعث میشود ثبات اجتماعی سیاسی و اقتصادی جهان به هم بریزد ، طلا افزایش پیدا میکند اما وقتی که بحث صلح ، دوست بودن ، بحث توافق تجاری وسط میاید طلا آرام ریزش میکند و این بازارهای بورس هستند که مانند شاخص داو جونز آمریکا که رشد صعودی میکنند و یک کارولینش عکس هم دارند.

**نکته:** بازاری که فرار بیش زیاد است وقتی که وارد معامله می شوید و پشت سیستم هستید فقط استاپ بگذارید و حد سود نذارید زیرا باعث میشود شما ریوارد های بیشتر را از دست بدهید.

**زمانی که یک کانال صعودی در حال تبدیل شدن به یک تریدینگ رنج است:**

خریدارها کمتر اطمینان میکنند و بیشتر به دنبال اسکالپ هستند تا سویینگ گیری ، فروشنده ها پتانسیل برای سود آوری را در می یابند و شروع به اسکالپ کردن میکنند.



یعنی اینکه وقتی پتانسیل صعودی در کانال دارد تبدیل به تریدینگ رنج میشود خریدارها کمتر اطمینان میکنند و دیگر دنبال امواج بلند نیستند و بیشتر دنبال اسکالپ کردند تا سویینگ گرفتن.

وقتی که در کانال صعودی هستیم فروشنده ها ترس ورود دارند اما وقتی کانال شکسته می شود فروشنده ها هم شروع به اسکالپ میکنند در آنجا هم خریدار و هم فروشنده ها اسکالپ میکنند و روند در اینجا تریدینگ رنج میشود و این روند تا جایی ادامه پیدا میکند که یک سمت بشکند و فروشندگان و خریداران بروند سمت سویینگ گیری.

## PART 29

### Price Action

#### (Channels part 3)

در این قسمت می خواهیم سایه های موجود در انتهای کانال را بررسی کنیم:

**سایه های موجود در انتهای کانال نشانه کاهش قدرت روند است.**

**نکته:** نزدیک بودن کلوز و های در یک کندل نشانه قدرت روند است.

**نکته:** وقتی قیمت میخواهد اصلاح انجام دهد شدو هایش زیاد و بزرگ میشود.

**شدو بلند شدن و زیاد شدن به چه معناست؟** یعنی هر کندل تلاش کرده است قیمت های بالاتر را ببیند اما موفق نشده است شدو ها به معنای شکست ناموفق است.



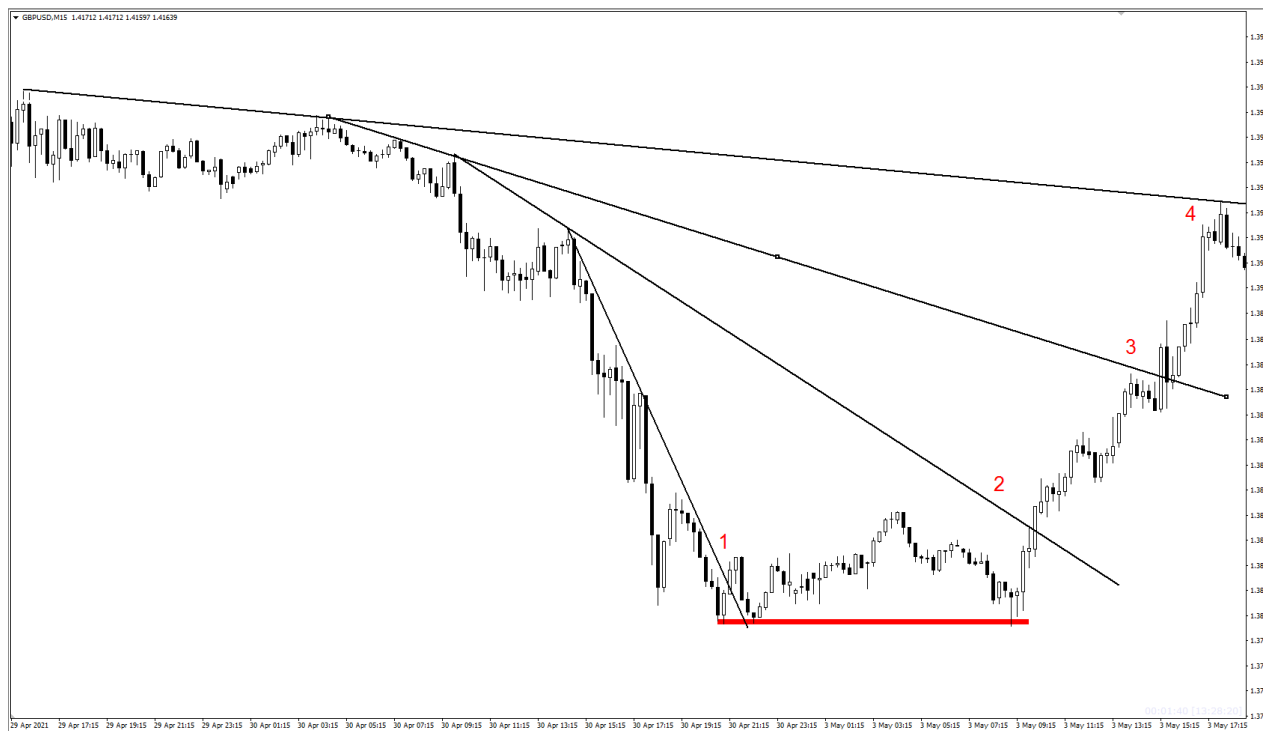
**نکته:** کانالهایی که با شیب ملایم در حال پیشروی هستند این ها تلاششان این است که کانال را از سقف بشکنند چون یک روند صعودی است و پی در پی سقف ها و کف های بالاتر می سازند و دوست دارند از سقف شکسته شوند چون می خواهند شیب کانال را تند کنند وقتی شیب کانال تند میشود یعنی روند هم پر قدرت میشود.

**نکته:** کانال های با شیب ملایم دوست دارند در جهت بشکنند.

**نکته:** در سال های اول سعی کنید در جهت کانال وارد معامله شوید.

**نکته:** کانال ها با شیب ملایم نزولی به دنبال بریک اوت نزولی هستند.

**نکته:** وقتی ما در یک کانال سه ترندلاین داریم وقتی قیمت آخرین ترند لاین خودش را میشکند اولین تارگت ما ادامه ترندلاین قبلی است یا اگر ترند لاین بعدی هم شکسته شد تا سطح بعدی میتوانیم وارد پوزیشن شویم و اگر لاین بعدی هم شکسته شد تا سطح بعدی میتوانیم وارد پوزیشن شویم.



**نکته:** همین شیب ها برای ما ایجاد موقعیت میکنند و چیزهای بی مورد و بی فایده ای نیستند پس به این نکات خیلی دقت کنید.

**اکثر بریک اوت های صعودی در کانال صعودی در 5 کندل شکست میخورد (برگشت تا سطح دیگر)**

**نکته:** منظور از 5 کندل دقیقا این عدد نیست. باید کانتکت قبلی نگاه کنید و خودتان تصمیم بگیرید اما میانگین بین 4 تا 8 کندل است.

**نکته:** ما یاد گرفتیم که بعد از یک کانال معمولا وارد یک فاز تریدینگ رنج میشویم که در تریدینگ رنج معاملات دو طرفه میکنیم.

## تلاش های نافرجم برای بریک اوت ها به روند سرعت میبخشد.

یعنی اینکه قیمت تلاش خودش را میکند بیشتر اکستند شود وقتی همچنین اتفاق هایی می افتد بازار تلاش خودش را میکند که به روند سرعت ببخشد پس ما هم تلاش می کنیم که با آن ادامه روند را بگیریم یعنی مدام کانال را اکستند می کنیم.



**نکته:** در ماه ها و سال های اول سوییچ گیری کنید و بعدها اگر خواستید شروع به اسکالپ کنید

**نکته:** کانال ها میتوانند افقی باشند مانند تریدینگ رنج.

**نکته:** در روزهای اول استرس کلید کردن و بازکردن معامله زیاد است ولی هرچه که جلوتر می روید این استرس کمتر می شود چون شما به خودتان ایمان میاورید و خودتان بیشتر مسلط می شوید ، هرچه بیشتر معامله سودده داشته باشید ایمانتان به خودتان بیشتر می شود و هرچه ایمانتان به خودتان بیشتر شود معامله های بیشتر در سود میروند.

## کانال‌ها می‌توانند افقی باشند مثل تریدینگ رنج

▼ XAUUSD, H5 1904.84 1906.56 1904.54 1906.52



**نکته:** کانال می‌تواند کاملاً افقی باشد و با زدن سقف‌ها و کف‌ها برای شما ایجاد موقعیت کند و شما می‌توانید با BLSH پوزیشن بگیرید.

**نکته:** سخت‌ترین کار در روزهای اول معامله‌گری این است که در تریدینگ رنج نمی‌توانید درست کار کنید و کنترل روانی خود را از دست می‌دهید.

**ما سه تا لوپ در این بازار داریم:**

1. اگر در لوپ ضرر بیوفتید از نظر روانی خیلی به مشکل می‌خورید.

2. اگر نه در لوپ ضرر و نه در لوپ سود بیوفتید از نظر روانی شما در بازار باقی می‌مانید و این خوب است چون وقتی در این لوپ بیوفتید کم‌کم با تعهد در کارتان و متدهایی که در بحث روانشناسی قرار است یاد بگیرید، یاد می‌گیرید که چگونه خودتان را تقویت کنید از نظر روانی و بتوانید این لوپ را به سمت لوپ سود ببرید.

3. حالا وقتی روی لوپ سود می‌افتید اینجا است که ایمان روی کار می‌آید و به خودتان ایمان می‌آورید و مطمئن می‌شوید که می‌توانید یک کار را انجام دهید و قطعاً هم این کار را انجام می‌دهید.

## کانال ها می توانند مورب باشند مثل روندها و گوه ها

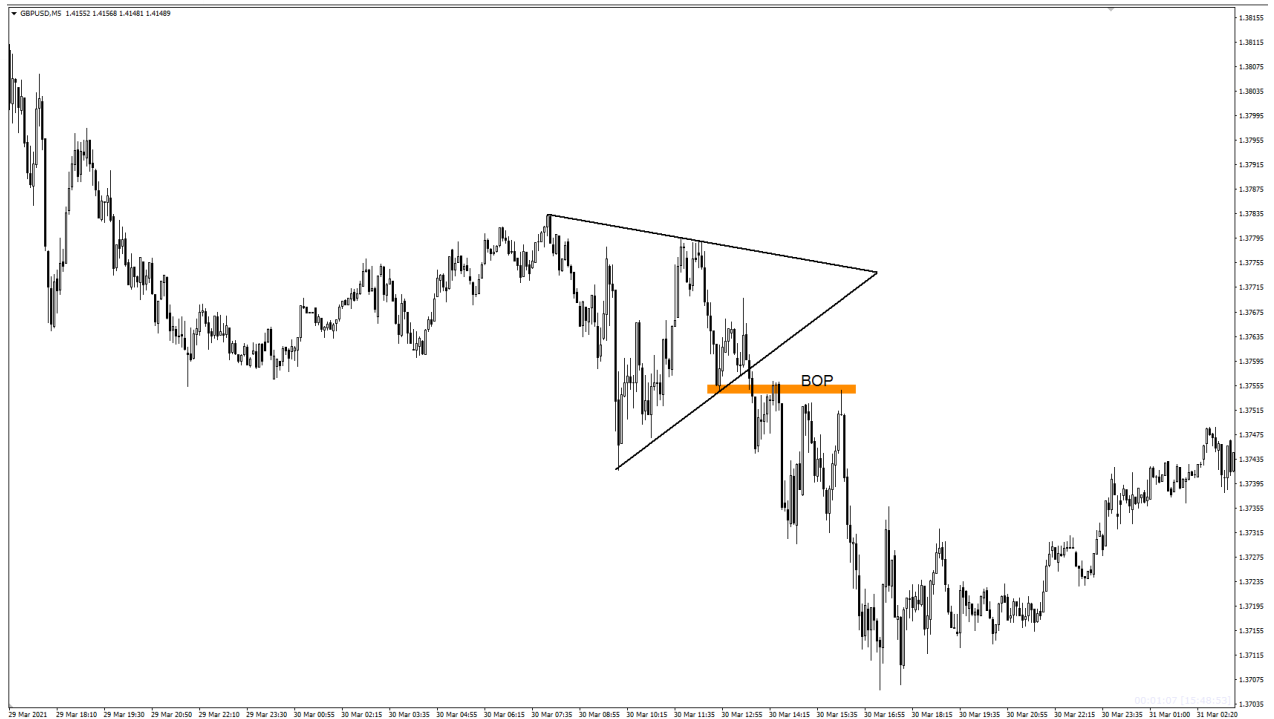


**نکته:** الگوهای قیمتی در تایم های بالاتر در یک کانال وجود دارند و شما با یاد گرفتن کانال ها به هیچ چیز نیاز ندارید.

## کانال ها می توانند در حال گسترش باشند مثل مثلث در حال گسترش



## کانال‌ها میتوانند جمع شوند باشند مثل مثلث‌ها



در تایم فریم‌های مختلف می‌توانید کانال‌های مختلفی مشاهده کنید که معکوس یکدیگر در حال شکل‌گیری باشند.

15min





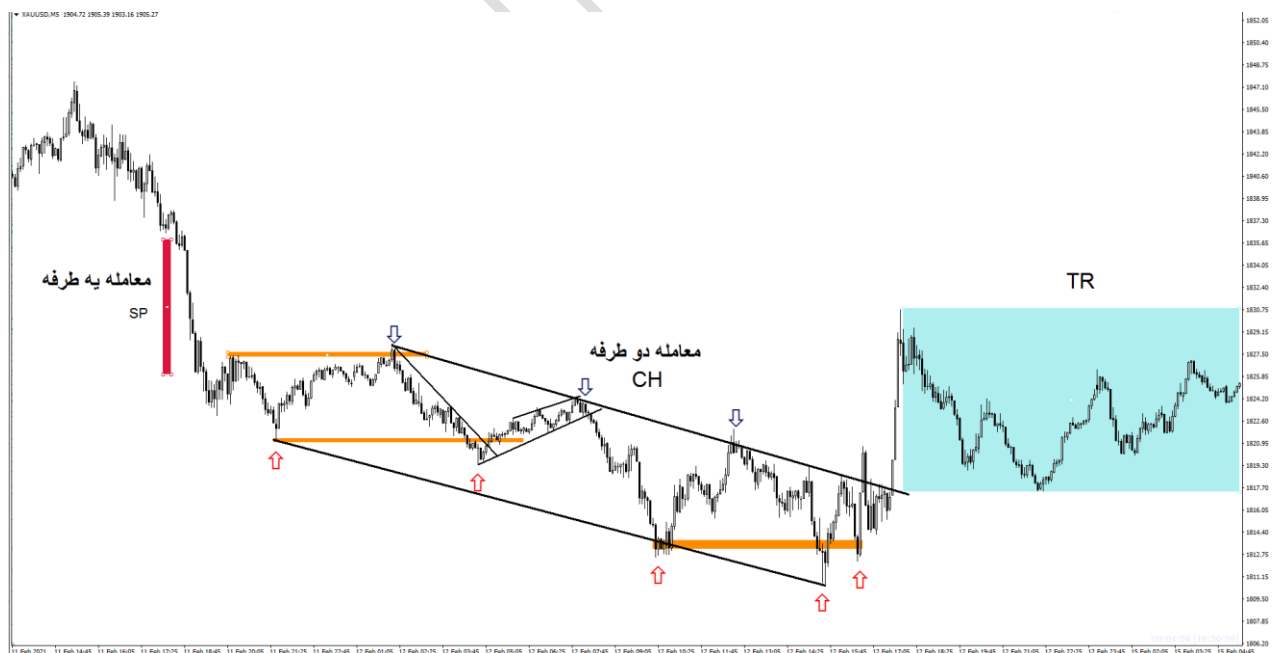
30min

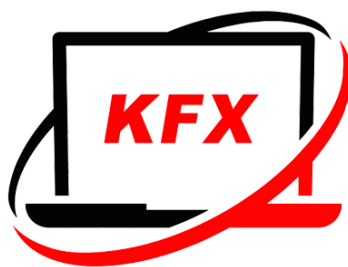


هر روند معمولاً شامل دو فاز است:

اسپایک: قیمت بریک اوت میکند و پولبک نمیدهد که در این فاز یک طرفه معامله میکنیم.

کانال: دو طرفه معامله میکنیم که معمولاً دارای پولبک است.





# **KohanFx.com**

این فایل **کاملاً رایگان** توسط **کهن اف ایکس KohanFx** منتشر شده است

کهن اف ایکس KohanFx با هدف آموزش رایگان بازارهای مالی از جمله فارکس ، بورس ، ارز دیجیتال و معرفی و دانلود اندیکاتور و استراتژی های مختلف ایجاد شده است.

**آموزش بورس صفر تا صد رایگان**

[kohanfx.com/bourse](https://kohanfx.com/bourse)

**آموزش فارکس صفر تا صد رایگان**

[kohanfx.com/forex](https://kohanfx.com/forex)

**آموزش ارز دیجیتال صفر تا صد رایگان**

[kohanfx.com/crypto](https://kohanfx.com/crypto)

برای مطالب بیشتر به سایت یا کانال تلگرام کهن اف ایکس مراجعه کنید

[t.me/kohanfx](https://t.me/kohanfx)

<https://kohanfx.com>

## پولبک

**نکته:** زمانی میگوییم پولبک اتفاق افتاده که کف حال حاضر روند صعودی از کف کندل قبلی کمتر شود (در روند نزولی برعکس)



**پولبک‌ها به ما چه کمکی میکنند؟**

از طریق پولبک‌ها میفهمیم که از کجا داریم از فاز اسپایک وارد محدوده تریدینگ رنج و محدوده کانال میشویم.

**نکته:** اگر میخواهید بفهمید که درست تحلیل می کنید ببینید که آیا مارکت به حد سودهای شما واکنش نشان میدهد یا نه؟

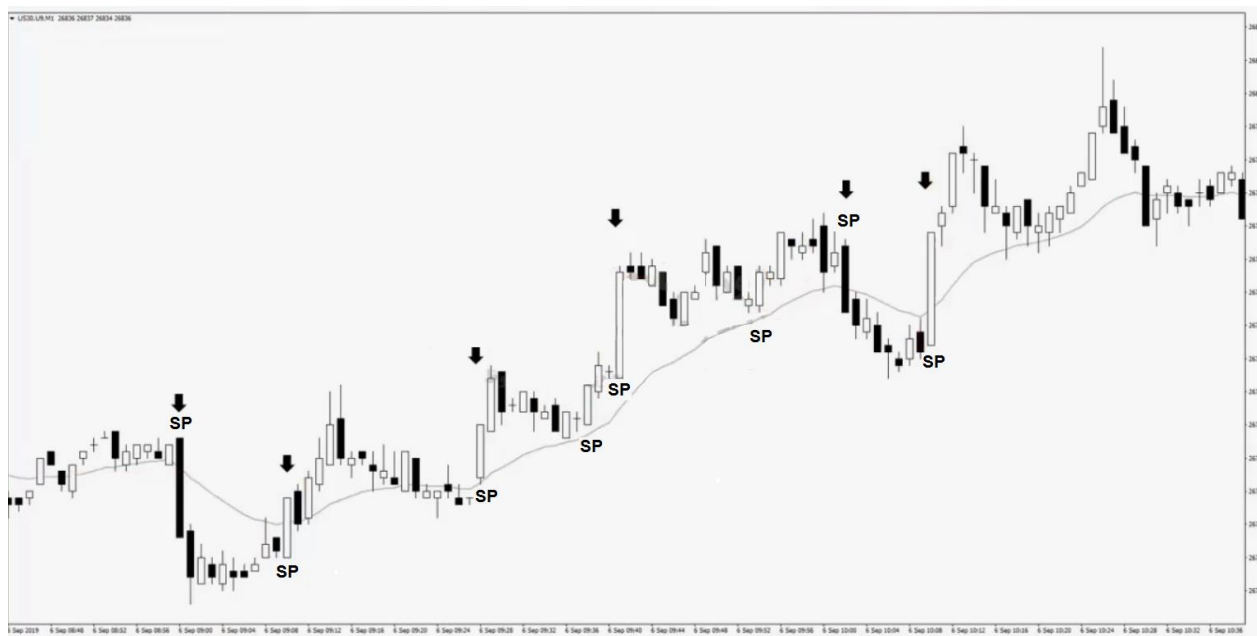
**نکته:** وقتی در یک محدوده مدام از بالا و پایین قیمت پولبک میزنند آن محدوده یک محدوده تریدینگ رنج است.

## PART 30

### Price Action

#### (Channels part 4)

هر کندل پر قدرت یک اسپایک است اگر زمینه حمایت مهیا باشد میتواند شروع یک روند باشد.



**نکته:** کندل هایی که بدنه بزرگی دارند در تایم پایین تر یک اسپایک هستند به عبارتی هر کندل بزرگ و پر قدرت یک اسپایک است.

**نکته:** کندل هایی که هیچ شدویی ندارند پر قدرت هستند.

**نکته:** نقاط ورود ما در کانال ها می تواند همین اسپایک ها باشد ، اسپایک ها بهترین نقاط برای ورود در جهت حرکت مارکت هستند.

**نکته:** هر اسپایک میتواند نقطه ورود ما باشد زیرا اسپایک ها انقدر پر قدرت هستند که احتمال اینکه روند مسیر خودش را از این کندل ها بگیرد زیاد است.

**نکته:** فرقی نمیکند در چه تایم فریمی قرار داریم.

**نکته:** در کانال ها دو طرفه معامله میکنیم و هر چه شیب کانال کمتر باشد ما با راحتی بیشتری وارد معامله دو طرفه می شویم.

## گاهی اوقات از اسپایک مستقیماً وارد تریدینگ رنج میشویم



**نکته:** این اتفاق معمولاً روی ارزها می افتد.

**نکته:** وقتی که قیمت از اسپایک میخورد وارد تریدینگ رنج شود اولین اتفاقی که باید بیفتد این است که روند یک جا گیر کند و پولبک های متوالی بدهد و تلاش های نافرجام داشته باشد.

**نکته:** وقتی که وارد محدوده تریدینگ رنج میشویم دو محدوده باید مشخص کنیم که یک محدوده بالایی و یک محدوده پایینی می باشد که باید آن را از روی شلوای قیمت تشخیص دهیم.

پولبک میتواند کوچکتر از یک کندل باشد و یا شامل تعداد زیادی کندل باشد که بستگی به قدرت روند دارد.



**نکته:** کندلی که هم کف جدید (پولبک) می زند هم سقف جدید نشان دهنده انتهای روند هستند و ما باید به کندل بعدی دقت کنیم.

نکته: پولبک ها میتوانند در قالب یک کندل یا چند کندل باشند.

یک پولبک میتواند با کانال یا یک اسپیک دیگر ادامه پیدا کند که اگر ایجاد شود قدرت زیادی دارد



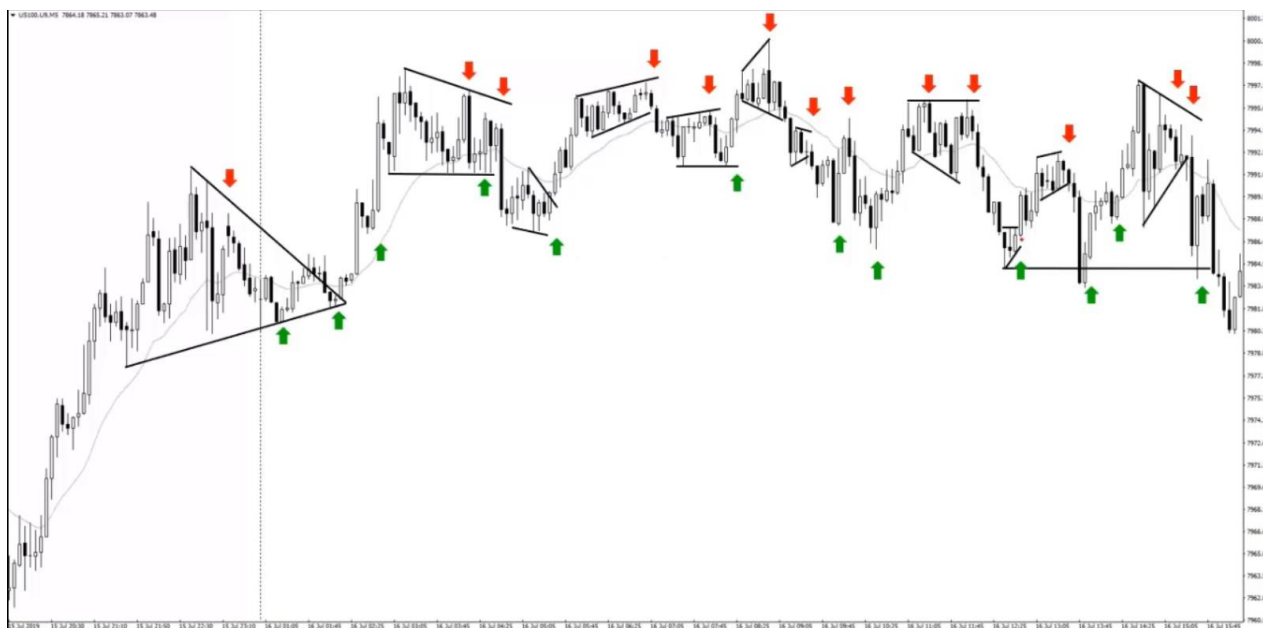
نکته: به هیچ وجه از ساعت 22 تا 2 شب معامله نکنید زیرا در این تایم از بازار حجم بسیار کمی در مارکت وجود دارد و احتمال استاپ خوردن شما را افزایش میدهد.

کمترین چیزی که برای یک کانال نزولی داریم تشکیل کف و سقف های پایین تر است.  
(برای روند های صعودی معکوس است)



نکته: اینکه روند یک سقف و کف پایین تر ثبت کند برای ما کافی است که بفهمیم روند در حال تغییر است.

زمانی که کانال ضعیف یا روند ضعیف اتفاق می افتد تعداد بسیار زیادی سوینگ مثل الگوها را می توانید روی چارت مشاهده کنید که شاید خطوط از هم جدا باشند اما تقریباً هنوز موازی هستند و رفتاری شبیه به تریدینگ رنج خواهند داشت که در این زمان در هر دو سمت معامله می کنیم.



**نکته:** وقتی ریوارد (انتظار شما از سود) بالا می رود احتمال وقوع هم پایین می آید.

کانال های باریک شبیه بریک اوت هستند تا یک تریدینگ رنج،  
یک اسپایک، در تایم فریم بالاتر هستند و می بایست تنها در جهت روند معامله کرد.

**نکته:** برای ورود به معامله عجله نکنید و صبر کنید تا کندل بسته شود بعد تصمیم به ورود بگیرید.





کانال های قوی پولبک های کوچکی دارند و شدیداً یکطرفه هستند.



کانال های قوی فقط یک طرفه در جهت روند معامله می کنیم چون رفتار آنها شبیه به اسپایک است.



**نکته:** نقاط ورود احتمالی را مشخص کرده ایم، روی همه این نقاط میتوانید به صورت یک طرفه وارد معامله خرید شوید.

**نکته:** سعی کنید در جهت مارکت وارد معامله شوید.

در کانال های ضعیف دو طرفه معامله میکنیم چون رفتار آنها شبیه به تردینگ رنج است.



### به کانالی ضعیف می گوئیم که:

1. کندل ها با یکدیگر اورلپ داشته باشند
2. بعد از کندل های روند دار ، نتواند همان روند را ادامه دهد و ضعیف شود
3. کندل های زیادی با سایه سقف باشید (در کانال صعودی)
4. کندل های زیادی بدنه نزولی داشته باشند (در کانال صعودی)
5. پولبک های آشکاری و اغلب سوئینگ های بزرگی داشته باشد

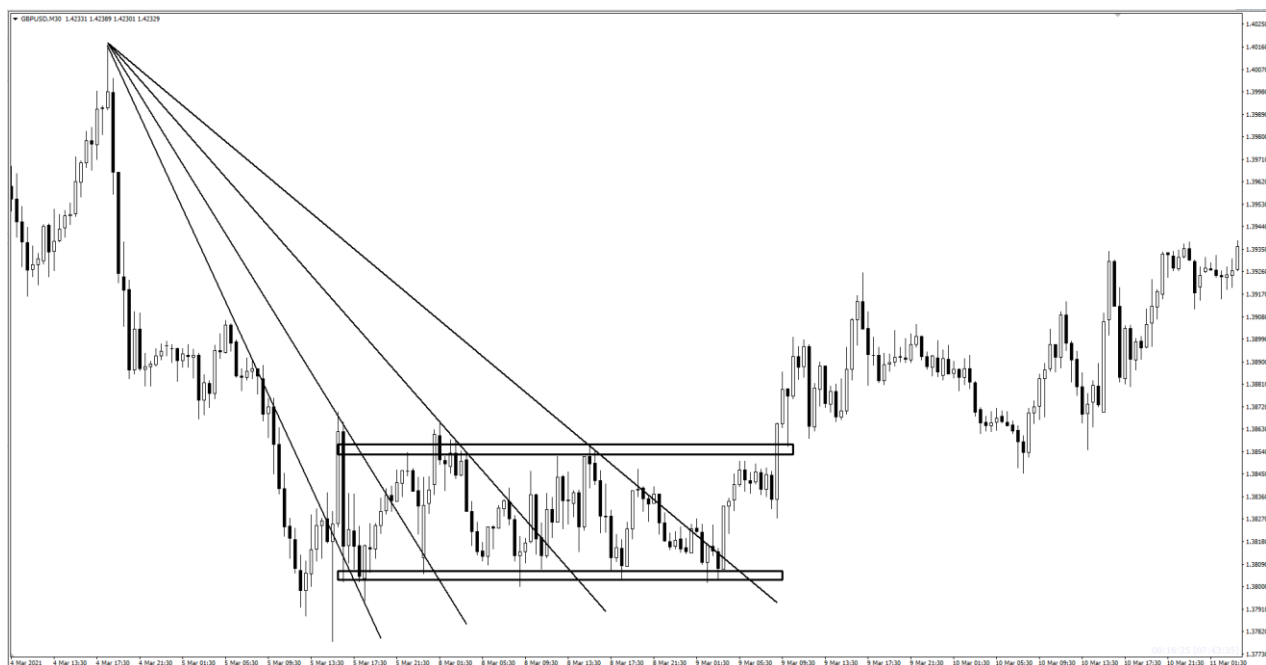
زمانیکه یک تردینگ رنج با کندل های پرقدرت بریک میشود یعنی وارد فاز اسپایک شده ایم.



**نکته:** بعد شکست TR کانال یا اسپایک شکل بگیرد.

**نکته:** بعد از شکست کانال وارد معاملات یک طرفه می‌شویم.

**نکته:** در تصویر زیر می‌بینیم که بعد از شکست TR بازار چه نزولی پیدا کرده است.



**نکته:** به سادگی از روی هیچ چیز حتی یک ترند لاین رد نشوید.

### چرا معامله با کانال ها دشوار است؟

1. عدم قطعیت در آنها بالاست.
2. ریوارد میتواند از ریسک کمتر شود.
3. همیشه در تلاش برای برگشت قیمت است.
4. بعضی وقت ها رند سرعت پیدا میکند.
5. بریک اوت صعودی از بالای کانال صعودی انجام میدهد.
6. بریک اوت نزولی از پایین کانال نزولی انجام میدهد.

## PART 31

### Fundamental

### Economic News

#### (Part1)

در این قسمت میخواهیم درباره ی تحلیل فاندامنتال و نرخ های اقتصادی صحبت کنیم و ببینیم نرخ های اقتصادی دقیقا چی هستند. و حدود پانزده نرخ اقتصادی را بررسی میکنیم که باعث میشوند قیمت خیلی تغییر کند و منجر به حرکت اسپایک شود.

**نکته:** ما پرایس اکشن کار حرفه ای هستیم و هنر ما در این است ، بدون اینکه بدانیم قرار است چه اتفاقاتی از نظر فاندامنتال در بازار بی افتد تنها با دیدن تیک به تیک، کندل به کندل قیمت بتوانیم ذهن خوانی معامله گرهایی که در بانک نشسته اند را انجام دهیم و از نظر ما ، نیاز نیست که حتما نرخ های اقتصادی را دنبال کنیم اما دانستن آنها میتواند کمک زیادی به ما کند.

### نرخ های اقتصادی شامل:

- نرخ هایی که تاثیر بسیار زیادی دارند.

#### High impact Expected

- نرخ هایی که تاثیر متوسطی دارند.

#### Medium impact Expected

- نرخ هایی که تاثیر کمی دارند.

#### Low impact Expected

- نرخ های غیر اقتصادی.

#### Non-economic

**نکته:** مهم ترین سایت برای پیگیری اخبار اقتصاد سایت [forexfactory.com](http://forexfactory.com) است.

- نرخ هایی که تاثیر بسیار زیادی دارند در سایت فارکس فکتوری قرمز هستند و تاثیر مثبت منفی بسیار زیادی می گذارند اگر نسبت به نرخ قبلی خیلی تغییر داشته باشد.
- نرخ هایی که تاثیر متوسطی دارند در سایت فارکس فکتوری نارنجی هستند و نوسان ایجاد میکنند.
- نرخ هایی که تاثیر کمی دارند در سایت فارکس فکتوری زرد هستند و بیشتر خاصیت اطلاع رسانی دارند.
- غیر اقتصادی ها خاکستری هستند و معمولاً نشان میدهند که بانک ها در فلان روز تعطیل هستند.

## GDP

### تولید ناخالصی داخلی

یکی از مهم ترین اخبار اقتصادی موجود در هر کشوری GDP است و تولید و رشد ناخالص هر کشور رانشان میدهد و هم میتواند تاثیر کوتاه مدت و بلند مدت داشته باشد.

این نرخ بیشتر از نرخ بهره و نرخ تورم تاثیر می گیرد و معمولاً بخواهند یک کشوری را بررسی کنند میانبد با GDP آن را می سنجند.

**نکته:** m/m در کنار نرخ های اقتصادی نشان دهنده این است که ماهیانه آن نرخ اعلام میشود.

اگر تولید ناخالصی داخلی GDP بالا باشد این یعنی اینکه در آن کشور کار ایجاد میشود و اگر کار ایجاد شود چون رشد اقتصادی اتفاق می افتد، تورم کاهش میابد ، رکود کمتر میشود و مردمان آن کشور به پویایی و آرامش اقتصادی میرسند و برای ارز آن مملکت خیلی خوب است و کلاً شاخص ها را رشد میدهد و یکی از مهم ترین نرخ های اقتصادی است.

## Federal Funds Rate

### نرخ بودجه فدرال یا همان نرخ بهره

فدرال ریزرو در هر سال حدود هشت بار این نرخ را اعلام میکند و از طریق این شاخص سیاست های پولی خود را به کشور ابلاغ می کند و از این طریق می توانید در جریان وضعیت اقتصاد پولی آن کشور قرار بگیرید .

جابه جایی نرخ بهره تاثیر بسیار زیادی روی بازارهای اوراق قرضه ، بازار ارز ، وام ها و... دارد . این خبر مشخص میکند هزینه های دریافت و پرداخت سرمایه چگونه باشد.

گزارش های FED و سخنرانی های آقای پاول (رئیس فدرال ریزرو) نیز مهم است.

درسته که نرخ مهم است اما اینکه آقای پاول چه میگوید نیز مهم است و از لحن صحبت و جملاتش میتوان تقریبا پی برد که آیا سیاست های بعدی هم کاهش نرخ بهره یا افزایش نرخ بهره است یا اینکه نرخ بهره همینطور می خواهد بماند.

نرخ بهره به ما دید میدهد درواقع این دید را به ما میدهد که در بلند مدت میخواهد چه اتفاقی بیفتد و ما میتوانیم روی آن پوزیشن بگیریم و یک جورایی ذهن خوانی کنیم و خودمان را برای ماه های آینده آماده کنیم.

در بازارهای جهانی چیزی به نام رانت خبری وجود ندارد اما خبر پیشخور میشود و این پیشخور شدن بخاطر رانت اقتصادی نیست بخاطر اینکه آنها یک علم خوبی از نظر فاندمنتال و تکنیکال دارند و میتوانند به درستی پیش بینی های خود را انجام دهند.

## Balance Of Trade

### تراز تجاری

با توجه به اینکه این تراز در سایت فارکس فکتوری medium آورده شده است ما میدانیم که مهم ترین بحث در تغییرات طلا و بحث ریسک گریزی و ریسک پذیری مربوط به بحث تراز تجاری است.

این شاخص یک مشکلی دارد آن هم این است که با اینکه این شاخص خیلی مهم است ولی قابل پیشبینی نیست چون شما نمیتوانید ارزش پولی یک شاخص را بفهمید.

برای همین ما صبر میکنیم و بعد از اعلام این نرخ تصمیم میگیریم.

این نرخ به صورت ماهیانه اعلام میشود.

## Current Account

### تراز حساب های جاری

در این نرخ جریان پولی را میسنجند یعنی آن مقدار وامی که کشوری به کشور دیگر داده است یا گرفته است سنجیده میشود.

کل پولی که به یک کشور داده میشود را با تراز های تجاری میسنجند.

حالا اگر یک کشوری بیايد نرخ بهره اش را افزایش دهد چه میشود؟

معلوم است که همه سرمایه ها به سمت آن میروند اما این مستلزم این است که آن کشور در سطح یک جهانی اقتصادش، اقتصاد پایداري باشد.

## PART 2

## Non-farm Employment Change

## (NFP)

## تغییرات نرخ بیکاری بخش غیر کشاورزی

این نرخ ، اختلاف افرادی که در یکماه گذشته در بخش غیرکشاورزی بیکار شده‌اند را با افرادی که کار بدست آورده‌اند را بدست می‌آورد و اعلام میکند.

مثبت بودن این نرخ خیلی خوب است اما اگر این نرخ مدام رشد کند تورم ایجاد میشود چون افزایش این نرخ به معنای این است که همه می‌روند سر کار و پول دستشان است و هر چیزی که می‌خواهند می‌خرند و این هم باعث تورم میشود پس در اینجا باید کنترل شود.

حالا اگر این نرخ خیلی منفی شود خوب نیست چون رکود داریم وضعیت خراب است و افراد بیکار در جامعه زیاد میشوند نرخ بیکاری بین ۴ تا ۷ درصد است.

این نرخ یک خبر مهم است و تغییرات سنگینی ایجاد میکند.

**نکته:** یک پرایس اکشن کار نیازی به پیگیری نرخ های اقتصادی ندارد و فقط برایش این کافی است بداند اوضاع کلی آن کشور در چه وضعیتی است.

## Unemployment Rate

## نرخ بیکاری



درست است که NFP اعلام میشود اما NFP بیشتر اثراتش کوتاه مدت است.

نرخ محدوده درست در بیکاری بین ۳.۵ تا ۶.۵ است حدودا و باید در این محدوده باشد چون وقتی نرخ بیکاری زیر ۳.۵ کمبود نیروی کار ایجاد میشود و این کمبود نیروی کار باعث میشود کسی سر جای خود کار نمیکند (این اتفاق در ایران خیلی می افتد).



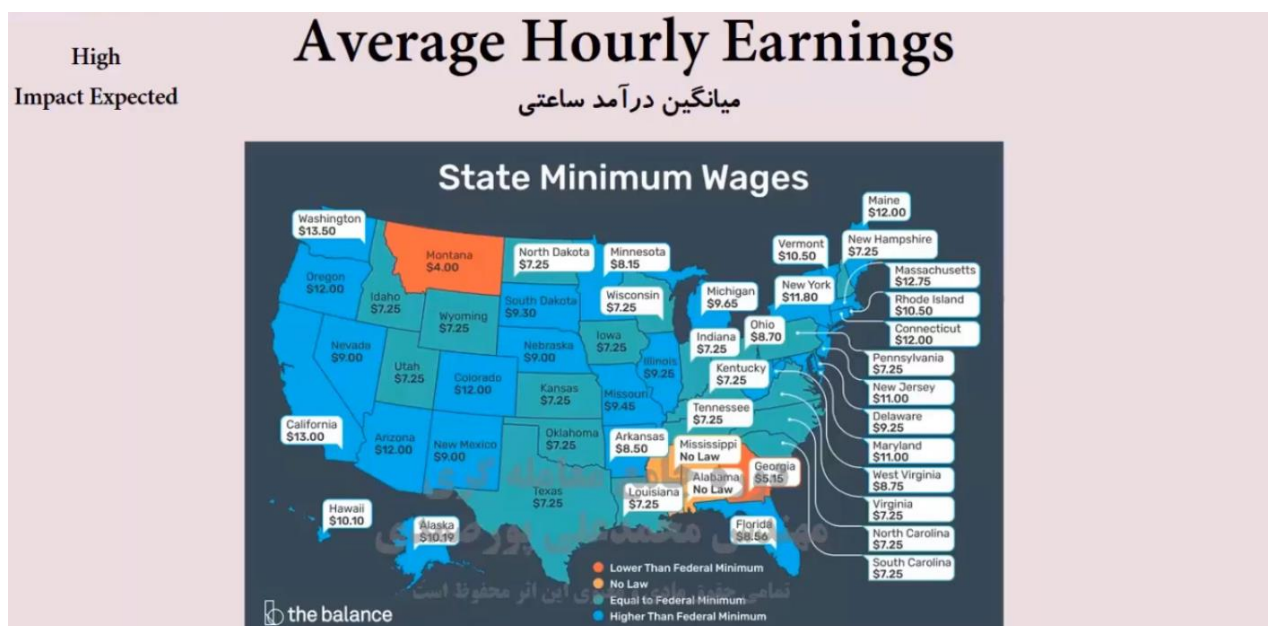
شاخص NFP نرخ بیکاری را از دل مردم بررسی میکند اما نرخ بیکاری از درون بنگاه ها و تولید کننده ها این نرخ را میکشد بیرون پس این نرخ برای انجام این کار قابل اتکا تر است.

**نکته:** ما یک unemployment Rate و یک unemployment clean داریم.

این نرخ (unemployment clean) به معنای ادعای بیکاری است یعنی فرد درون جامعه هنوز بیکار بودنش مشخص نشده و دارد یجورایی ادعای بیکاری میکند و تاثیر کمتری نسبت به (nemployment Rate) دارد و معمولاً باهم میایند.

## Average Hourly Earnings

میانگین درآمد ساعتی



میانگین درآمد ساعتی دستمزدها و رفاه مردم را میسنجد و هرچه افزایش پیدا کند خوب است اما این هم تورم ایجاد میکند چون اگر همه درامدشان خوب باشد پول خرج میکنند و این باعث میشود که تورم ایجاد شود.

## Consumer Confidence Index

(CCI)

ضریب اطمینان مصرف کننده

شاخصی است که اقتصاد را ارزیابی میکند که شرایط کسب و کار، اشتغال، درآمد شخصی و... یکجورایی ضریب اطمینان را میسنجد که مصرف کننده وقتی از شرایط اقتصادی اطمینان دارد و به نسبت شرایط اقتصادی راضی است، بیشتر مصرف میکند و این مصرف گرایی یکسری داستان دارد که باید آن را هم بررسی کنیم.

فدرال ریزرو وقتی که میخواهد نرخ بهره را اعلام کند CCI را خیلی بررسی می کند.

وقتی ضریب مصرف کننده خوب باشد یعنی مصرف کننده راضی است از وضعیت موجود، و وقتی خانوارها از وضعیت راضی باشند پولشان یا به سمت بانک یا بازار سرمایه میرود.

**چگونه CCI سنجیده میشود؟** به تعداد زیادی از افراد به صورت تصادفی تماس میگیرند و ارتباط برقرار میکنند و از آن ها سوال میکنند که از شرایط فعلی اقتصادی راضی هستید؟ و انتظارتان از آینده چیست ؟  
اگر این افراد ناراضی باشند میفهمند که در اقتصاد باید یکسری تغییرات داشته باشند و طبق آن برنامه های آینده خود را می چینند.

## Consumer Price Index (CPI)

### شاخص قیمت مصرف کننده



این شاخص تورم را میسنجد و خیلی مهم است.

این شاخص در هشت قسمت قیمت مصرف کننده را میسنجد مانند آموزش ، بهداشت ، مسکن، پوشاک و... که معمولاً حدود دویست کالا میشود که تورم را با آن میسنجند.

اگر نرخ این شاخص منفی باشد نشان دهنده این است که قدرت خرید مردم کم شده و مردم پولی ندارند چیزی بخرند و باید بروند روی تورم کار بکنند تا بتوانند این را درست کنند.

در اثر افزایش تورم هم نرخ بهره را دستکاری میکنند.

در اصل CPI با نرخ بهره ارتباط برقرار میکند پس CPI میتواند نرخ بهره را تحت تاثیر قرار دهد.

### • ما دو تا CPI داریم:

1. CPI

2. Core Cpi

در Core Cpi انرژی و خوراک را از آن حذف میکنند چون داده ها ، داده های پر نویسی اند و تغییرات آنها خرابش میکند.

## Retail Sale

### خرده فروشی

این شاخص میگوید که نرخ فروش کالاهایی که به مصرف کننده ها داده میشود چقدر است و اینکه چقدر بین مصرف کننده و تقاضا کننده ارتباط است و دارند باهم مرادده میکنند.

ارتباطی که بین بخش های بنگاه های اقتصادی و خانواده ها وجود دارد را میسنجد و یک خبر خیلی مهم است چون هزینه های نهایی مصرف کننده ها را میسنجد که چه هزینه هایی دارند.

در اقتصاد خوب و بد بودن حدی دارند.

## Ism Manufacturing PMI

### شاخص صنعتی مدیران

این شاخص وضعیت صنعتی که آن کشور را میسنجد اینکار را به عنوان مثال با چهارصد تا بنگاه اقتصادی نظرسنجی میکنند.

در دولت های اروپایی ، دولت به طور مداوم دارد با مردم مرادده میکند و به اصطلاح دولت نوکر مردم است و به نظرات مردم کشورشان احترام میگذارند.

هرچه PMI مثبت باشد ارزش دلار بالا میرود چون ارزش بنگاه اقتصادی را تعیین میکند و این یعنی وضعیت این بنگاه ها خوب است.

هرچه این شاخص برود بالای پنجاه وضعیت درست و خوب است و هرچه بیاید زیر پنجا وضعیت اقتصادی خوب نیست. این نرخ همراه اعلام میشود.

## Chicago PMI

### شاخص مدیران خرید شیکاگو

شیکاگو PMI مثل ICM است البته برای دولت شیکاگو به صورت جداگانه و ماهانه بررسی میشود که سه ایالت های بررسی میشوند.

## Producer Price Index (PPI)

### شاخص تورم قیمت تولید کننده

تغییراتی که در هزینه های تولید کردن کالاها است را بررسی میکنند. این شاخص در قالب CORE PPI , PPI در سایت فارکس فکتوری نمایش داده میشوند.

## Durable Goods Orders

### شاخص سفارش کالاهای بادوام

کالاهایی که بالاتر از سه سال عمر با دوام داشته باشند مثل لباسشویی ، تلویزیون ، یخچال و... از طریق این کالاها بررسی میکنند که آیا مردم پول دارند که این کالاها را بخرند؟ و این نرخ ارتباط بین خریدار و فروشنده را نیز بررسی میکند.

حالا در کشور هایی که GDP بالایی دارند این شاخص بالا می رود تولید هم بالا می رود چون خریدار وجود دارد اما در ایران تولید نداریم بنابراین واردات زیاد میشود و با افزایش واردات تراز تجاری پایین میاید و همه چیز به هم میریزد.

**نکته:** اقتصاد علم میخواهد و اگر جایی از این اقتصاد بلند مشکل ایجاد میشود.

اگر تولیدات هواپیما ، شرکت های اسلحه سازی و چند کارخانه دیگر را از این شاخص کم کنیم شاخص CORE Durable Good Orders را میسازد و تاثیرش زیاد است.



## Building Permits

پروانه و مجوز ساخت خانه های نوساز

وقتی یک کشوری میخواهد توسعه پیدا کند اولین کاری که باید بکند این است که در بحث مسکن آن کشور رونق پیدا کند.

اگر بخواهیم اخبار مسکنی را بررسی کنیم باید ببینیم رونق هست؟ آیا مردم خانه میسازند؟ ، آیا پروانه مجوز ساخت برای آن کار دریافت میکنند یا خیر؟

این نرخ جزو اخبار مهم در بحث مسکن ارائه میشود و یک جورایی رونق اقتصادی را میتوانیم بر اساس این نرخ بسنجیم یا زودتر بسنجیم یعنی وقتی این شاخص خراب میشود پی ببریم که سرمایه گذار پول ندارد برود ساخت و ساز کند و وقتی پول نداشته باشد وضع کشور به هم میریزد پس یک تغییریاتی ایجاد میکنند تا این شاخص رشد کند و با رشد این شاخص بخش مسکن رونق پیدا میکند.

خوب ما میدانیم که هزینه ساخت و ساز در آمریکا بالا است پس وقتی که این شاخص رشد کند نشان دهنده این است که سرمایه گذار دارد پول تزریق میکند.

وقتی رکود اقتصادی است رکود ساخت و ساز هم هست.

ما خیلی زودتر میتوانیم بفهمیم با این شاخص که داریم از دوران رکود خارج میشویم وقتی این شاخص وضعش دارد خوب میشود به این پی میبریم که سرمایه گذارها دارند کم کم سرمایه گذاری میکنند.

## PART32

### money/risk management

در این قسمت می خواهیم درباره مدیریت سرمایه صحبت کنیم.

مواردی که در ویدیوهای مدیریت سرمایه گفته میشود به تنهایی برای کار کردن شما در بازارهای مالی کافی است و نیاز به مطالعه اضافه ندارد اما باید تو این نکات حرفه ای شوید.

اگر این نکات را دقیقاً اجرا کنید یکی از سخت ترین کارهای شما ضرر کردن میشود.

### انواع ریسک در بازارهای مالی

#### 1. ریسک به ازای هر معامله

یعنی ما وارد هر معامله ای که می شویم یک ریسکی را داریم تحمل میکنیم حالا 3% 2% 1% به ازای آن سرمایه ای که وارد بازار می کنید این میشود ریسک به ازای هر معامله، که میتواند برای هر فرد متفاوت باشد.

اما در متدی که ما با آن کار میکنیم به هیچ عنوان بالای 2% بالاتر نخواهد رفت چون اگر بخواهید این ریسک را بالاتر از این مقدار ببرید قطعاً به مشکل میخورید. زیرا اگر با ریسک 5% تنها 5 معامله ضرر کنید، به راحتی 25% از حسابتان از دست می رود!!

#### 2. ریسک ورود به بازار های مالی

وارد شدن به بازارهای مالی یک نوع پذیرش ریسک است اما این ریسک ورود به بازارهای مالی شاید در کشورهای توسعه یافته خیلی معنی پیدا کند در کشوری مثل ایران معنی پیدا نمیکند چرا؟

چون شما پولتان را در بانک میزاید ۳۰ درصد از آن پول سال دیگر ارزش ندارد شما اگر ۱۰ میلیون پول داشته باشید سال دیگر این پول ۷ میلیون می آرد پس شما می توانید بیاورید ۳ میلیون از این پول را ریسک کنید چون اگر این کار را نکنید سال دیگر این پول هیچ ارزشی ندارد و در ایران این ریسک ورود به بازارهای مالی بی معنی است.

#### 3. ریسک به ازای کل سرمایه

یک زمانی است که فردی قوانین مدیریت سرمایه را رعایت نمیکند و فول مارجین وارد معامله می شود در اینجا کل سرمایه درگیر است و امکان دارد کل سرمایه از بین برود پس اگر یک نفر فول مارجین وارد معامله شد نباید از اینکه کل سرمایه اش را از دست بدهد ناراحت شود چون مدیریت سرمایه را رعایت نکرده و ریسک آن را پذیرفته است.

#### 4. ریسک کمبود نقدینگی

این ریسک شاید در بورس های کوچک مثل بورس ایران اتفاق بیفتد مثال: شما یک سهامی را خریدید این سهام به اندازه کافی بالا میرود و اینجاست که همه فروشنده میشوند و در صف فروش قرار می گیرند و در نهایت باعث میشوند بازار قیمت های پایین تر را ببیند و منجر به ضرر فروشندگان شود.

#### 5. ریسک باز گذاشتن معاملات برای روز بعد

نکته: سعی کنید هیچ وقت معامله تان برای روز بعد باز نباشد مخصوصا آنهایی که ریسک بالایی دارند.

#### 6. ریسک باز گذاشتن معاملات برای روز دوشنبه

اگر حد ضررتان معقول است برای باز گذاشتن معامله عیبی ندارد اما اگر حد ضررتان خیلی نزدیک است و امکان دارد با گپ دیده نشود یعنی قیمت استاپ شما را رد کند و بعد از آن شروع به حرکت کند مثلا استاپ شما ۲۰ واحد است اما امکان دارد آن سهم یا شاخص با گپ ۸۰ واحدی باز شود و شما در اینجا ۴۰ واحد جدا از استاپتان در ضررید به همین دلیل سعی کنید آخر هفته معاملاتی پوزیشن های خود را ببندید.

#### 7. ریسک همکاری با کارگزاری مناسب

در ایران چون جامعه تریدر های فارکس حمایتی از طرف دولت نمی شوند کارگزاری ها با ایرانی هر طور که می خواهند رفتار میکنند و محدودیت هایی برای این جامعه در پی دارد به همین دلیل کارگزاری های نامناسب نیز نوعی ریسک است.

#### 8. ریسک نوسانات شاخص

یک شاخصی مثل داو جونز که روزانه ۴۰۰ واحد تغییرات دارد یا مثلا یورو دلار ۱۰۰ واحد تغییرات دارد یا مثلا طلا ۲۰۰ واحد تغییرات دارد خب اینجا مشخص است که داو جونز ریسکش به نسبت ارز های دیگر بالاتر است چون نوسان بیشتری دارد.

#### 9. ریسک روانی

وقتی ما به متد های روانشناسی، مدیریت سرمایه و متدهای مدیریت روانمان مسلط نباشیم، نمی توانیم سود آور باشیم. این متدها کاملا اکتسابی هستند و می توانید آن ها را فرا بگیرید ، اما جز ریسک ها قرار میگیرد برای افراد آماتور چون یک فرد آماتور نمیتواند به خوبی از نظر روانی خودش را مدیریت کنند چون تازه کار هستند.

#### 10. ریسک تورم داخلی

اگر پولتان را سرمایه گذاری نکنید و با خود نگه دارید، هر ساله پولتان ۳۰ درصد ارزش خودش را از دست میدهد. بیا ببینیم واقع بین باشیم اگر شما بخواهید یک مغازه بزنید آیا هیچ ریسکی ندارید؟ ریسک مشتری ، ریسک مجوز ، ریسک کالا ، ریسک تبلیغات و...

شما وارد هر بیزینسی بشوید، باید پول بدهید. شما وارد بازاری شده اید که فوری ریسک است این بازار ریسک ندارد یعنی در مقابل بقیه بیزینس ها کم ریسک ترین بازار است ( اگر قوانین مدیریت سرمایه رعایت شود ) چون هم ریسک هایش قابل کنترل



است و تنها کسی که در اینجا رقیب شما است خود شما هستید تنها کسی که میتواند شما را به سود برساند یا کل پول شما را از بین ببرد در این بازار فقط خودتان هستید.

در این ویدیو میخواستیم بفهمیم که چه ریسک هایی در این بازار وجود دارد و با این ریسک ها در ابتدای کار آشنا باشید. مطمئن باشید این مجموعه ویدیویی مدیریت سرمایه و مدیریت ریسک ، شما تکنیک هایی یاد خواهید گرفت که با آنها، سخت است که پول از دست بدهید و این را بدانید که همه این ریسک ها را میتوان کنترل کرد.

### Money management

#### Risk management

## انواع ریسک در بازارهای مالی

۲- ریسک ورود به بازارهای مالی

۱- ریسک به ازای هر معامله

۴- ریسک کمبود نقدینگی

۳- ریسک به ازای کل سرمایه

۶- ریسک بازگذاشتن معاملات برای روز دوشنبه

۵- ریسک بازگذاشتن معاملات برای روز بعد

۸- ریسک نوسانات شاخص های پرنوسان

۷- ریسک همکاری با کارگزار مناسب

۱۰- ریسک تورم داخلی

۹- ریسک روانی

## PART 33

### money/risk management

#### 1. معامله با حجم معاملاتی ثابت برای به دست آوردن واحد تغییرات قیمت

یعنی ما میخواهیم وارد معامله ای شویم و سود خود را با تغییرات واحد قیمت و حجم معاملات ثابت بدست بیاوریم یعنی مثلاً تصمیم ما این است هر هفته 500 دلار از دوجونر بگیریم خب 500 دلار با حجم 0.1 باید 500 پیپ نوسان و سود بگیریم. در این معاملات باید حداقل به ازای 10 واحد ریسک 30 واحد سود بگیریم. این روش معامله کردن یک مشکل اساسی دارد آن هم این است که وقتی با حجم ثابت معامله می کنید توانایی خودتان را برای مدیریت کردن معاملات کم کرده اید چون ما نیازی نداریم که تعداد واحد زیادی بدست بیاوریم. این روش یک جورایی منسوخ شده است حالا چرا:

#### ● سودتان با مقدار جابه جایی قابل تغییر است

و این برای ما اذیت کننده است چون مجبورمان می کند در هفته حتماً یک تعداد واحد مشخصی پول بدست بیاوریم خب بازار شاید در یک هفته انقدر نوسان نداشته باشد که ما بخواهیم انقدر پول بدست بیاوریم این یکی از دلایل است.



### ● نیاز به معامله سویینگ

در این روش ما برای اینکه بخواهیم پول خوبی بدست بیاوریم باید تعداد واحد تغییرات مان هم خوب باشد یعنی یک سویینگ خوبی را در طی روز بدست بیاوریم و اسکالپ نمیتوانیم کنیم شاید اسکالپ تعداد سود زیادی به ما ندهد شاید 10 واحد در اسکالپ بدست بیاوریم ولی در این 10 واحد میتوانیم 100 دلار سود کنیم که این سیستم این اجازه را به ما نمیدهد.

### ● نیاز به ریسک و ریوارد بالا

این کار ریوارد بالایی میطلبد که در بالا توضیح داده شد.

### ● احتمال موفقیتش پایین است

چون شما در این روش تعداد معاملات سود ده تان باید بالا برود و در بازار شما نمیتوانید تضمین کنید که تعداد معاملات سودده خیلی بالا رود.

### ● از دست رفتن موقعیت های سود بزرگ

گاهی قیمت میخواهد 20 واحد تغییر کند و ما از این تغییرات خیلی مطمئن هستیم خب اگر ما اینجا این معامله را با حجم 0.01 باز کنیم حیف نیست؟! خب میتوانیم حجممان را کنیم 0.05 و در اینجا به جای اینکه با حجم 0.01 سه دلار سود کنیم با حجم 0.05 پانزده دلار سود میکنیم.

### ● بار روانی بالا

این روش بار روانی بالایی وارد می کند چون مارا مجبور میکند که در معاملات مان حالت های قبلی را رعایت کنیم.

## 2. اضافه کردن به حجم حین ورود به محدوده ضرر با حجم اولیه (کاهش و افزایش میانگین)

فرض کنید وارد معامله ای با حجم 0.1 شده اید بعد از ورود به پوزیشن معامله وارد ضرر میشود در این هنگام شما باز هم با حجم اولیعتان دوباره وارد معامله می شوید.  
به این روش میگویند میانگین کم کردن که در بورس ایران هم این روش شناخته شده است مثلاً شما سهامی را در قیمت ۱۸۰ میخرید این سهم ریزش میکند و تا ۱۶۰ شما دوباره این سهم را میخرید اینجا شما میانگین کم کرده اید و در اصل الان شما روی قیمت ۱۷۰ خرید کرده اید و زمانی که قیمت از ۱۷۰ عبور کند شما در سود هستید.  
این یک روشی خوب است اما تا زمانی که مجموع حجمی که درگیر می کنید از آن منطقه راحتی روانیتان خارج نشود چون هرکس یک منطقه راحتی روانی دارد.

اشکال این سیستم این است که:

### ● افزایش بار روانی ، اگر مدیریت نشده انجام شود.

### ● تغییر ناخودآگاه ریسک به ریوارد

در ریسک و ریوارد اول ۲:۱ بوده است اما با میانگین کم کردن به هم میریزد مثلاً ۱:۲.۶ میشود درست است این ریوارد خوب است اما احتمال این که با حد ضررتان برخورد کند زیاد است.

- **احتمال کال شدن در صورت افزایش بی رویه حجم**

در این روش احتمال کال شدن زیاد است چون اگر جوگیر شوید مدام میانگین کم کنید وقتی استاپتان میخورد پول بزرگی را از دست می‌دهید و احتمال کال شدن شما بسیار بالا می‌رود.

- **ضررها بزرگتر از سود**

در این روش عملاً شما ضرر هایتان بزرگتر از سود هایتان میشود.

- **افزایش احتمال برخورد با حد محافظ با نزدیک شدن به آن**

احتمال اینکه شما حجم اضافه کنید و استاپتان بخورد هست.

- **مجموع ریسک باید با ریسک اولیه ذهنی برابر باشد**

یعنی اینکه نباید از منطقه راحتی ذهنیتان خارج شوید.

### 3. اضافه کردن به حجم حین ورود به محدوده ضرر با حجمی بیشتر از معامله اولیه (کاهش و افزایش میانگین)

یعنی اینکه ما در دو معامله وارد میشویم در معامله اول با حجم 0.4 دهم وارد معامله می‌شویم و در معامله دوم با حجم 0.8 وارد معامله می‌شویم.

این روش باعث میشود که برای مثال اگر شما در قیمت 100 وارد شده باشید و قیمت تا 50 کاهش پیدا کند اگر شما باز به معامله 0.4 بگیرید میانگین میشود 75 یعنی وسط 50 و 100. اما اگر بیاوید در بار دوم با حجم 0.8 وارد شوید انگار که در قیمت 65 تومن وارد شده اید، و اگر قیمت از 65 تومن بالا تر رود شما در سود هستید اما این احتمال هم بدهید که اگر استاپ شما بخورد شما نزدیک 1.2 لات معامله کرده اید و با این حجم ضرر می‌خورید.

فرض معامله اول، دوم و سومتان با حجم 0.4 با سود بسته می‌شود اما معامله آخر با حجم 1.2 لات با ضرر بسته میشود در اینجا همه سودهای شما در معاملات قبلی از بین میرود این روش مانند روش قبلی است اما خطرناک تر از آن و امکان اینکه شما را با ضرر مواجه کند زیاد است.

### اشکالات این روش:

- **افزایش با روانی به دلیل افزایش حجم**

- **احتمال کال شدن در صورت افزایش بی رویه حجم**

- **تغییر ناخودآگاه در ریسک به ریوارد**

- **ضررها بزرگتر از سود**

- **افزایش احتمال برخورد با حد محافظ با نزدیک شدن به آن**

اگر که میانگین کم کنیم احتمال اینکه استاپمان بخورد بیشتر است تا اینکه ریواردمان بخورد پس مجبوریم ریوارد مان را کم کنیم در این صورت هم تمام معادله هایمان به هم میریزد پس این کار را نمیکنیم.

#### 4. افزایش حجم بعد از بسته شدن معامله ضررده (مارتینگل)

مارتینگل روشی است که بیشتر در قمار استفاده میشود و به این صورت است که:

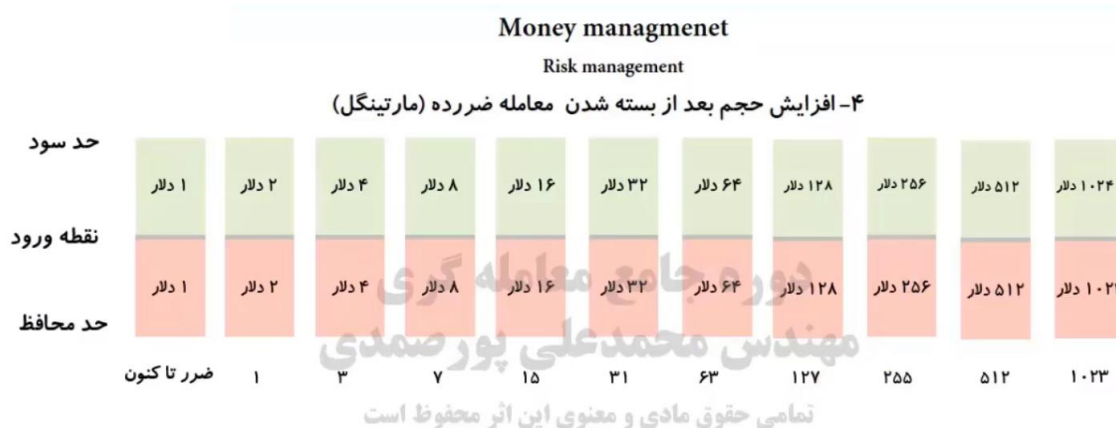
فرض کنید شما یک حساب 1000 دلاری دارید و در هر معامله می خواهید یک دلار ریسک کنید .

در معامله اول ضرر میکنید در معامله بعدی میباید 2 دلار ریسک می کنید چون میخواهید این معامله اگر سود شود ضرر قبلی هم جبران کنید و یک دلار هم سود کنید .

خب! اگر نشد چی؟ اگر ضرر شما بخورد در مجموع شما 3 دلار ضرر کرده اید

حالا در معامله سوم 4 دلار ریسک می کنید که اگر این معامله با سود بسته شد شما 4 دلار سود کنید که 3 دلار معاملات قبلی جبران و 1 دلار هم سود کنید.

اگر معامله قلی هم ضرر شود در معامله بعدی شما 8 دلار ریسک میکنید که به ازای آن 8 دلار سود کنید که اگر با سود این معامله بسته شود 7 دلار ضرر معاملات قبلی جبران شود و 1 دلار جدا از آن سود کنید .



این روند طبق عکس ادامه پیدا میکند و مشاهده میکنید که یک اکانت هزار دلاری طی ده معامله ضررده پشته سر هم از بین میرود و شما در این روش هزار دلار ضرر کردید برای به دست آوردن یک دلار سود این روش بسیار غیر منطقی است و نباید این کار را کنید.

#### اشکالات این روش:

- مقدار حساب به سرعت رو به کم شدن لست
- بار روانی به شدت بالایی دارد
- ریسک بالایی برای مقدار کمی از سود در حال انجام است
- بزودی با پیام **not enough money** مواجه می شوید که میگوید پول کافی در حسابتان نیست برای معامله کردن.
- تنها در زمانی از سودآور بودن معاملات آتی اطمینان دارید میتوان استفاده کرد

- خبر بد اینکه اطمینانی در بازار های مالی وجود ندارد
- این روش برای قمار استفاده میشود اینجا بازار مالیست
- سود کمی در اولین معامله نصیب شما میشود پس مجبورید با ریسک بالا شروع کنید

#### 4. افزایش حجم بعد از بسته شدن معامله ضررده (مارتینگل)

در اینجا می خواهیم مارتینگل را بهینه تر کنیم.

اگر ریواردتان 2 باشد یک مقدار شرایط بهتر میشود چون وقتی شما روی 1 دلار ریسک می کنید برای بدست آوردن 2 دلار حالا اگر در معامله اول ضرر کنید یک دلار ضرر کردید.

در معامله دوم 2 دلار ریسک می کنید که 4 دلار بدست آورید حالا این معامله هم ضرر میکنید.

در معامله سوم 4 دلار ریسک می کنید که 8 دلار بدست آورید که اگر 8 دلار را بدست بیاورید منهای 3 دلار ضرر قبل 5 دلار شما سود می کنید فرض میگیریم این معامله هم ضرر کرده اید.

تا به اینجا 7 دلار ضرر دادیم.

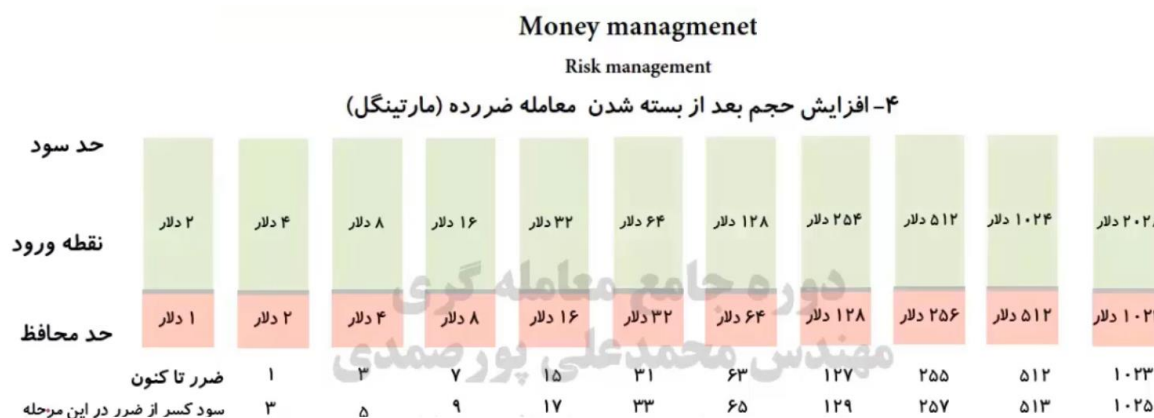
در معامله چهارم 8 دلار ریسک میکنیم که در ازای آن 16 دلار به دست آوریم که اگر سود کنیم منهای 7 دلار قبلی 9 دلار هم سود میکنیم.

حالا باز فرض میکنیم این معامله هم با ضرر بسته شد.

در معامله پنجم 16 دلار ریسک میکنیم که 32 دلار بدست آوریم که اگر سود کردیم 15 دلار ضرر قبلی جبران شود و 17 دلار هم سود کنیم.

این روند همینگونه ادامه پیدا میکند تا دهمین معامله در معامله دهم 1204 معامله ریسک میکنیم که 2028 دلار بدست آوریم که اگر سود کردیم 1023 دلار ضرر کردیم که از آن کم میشود و 1025 دلار هم سود می کنیم.

خب این روش مارتینگل نسبت به روش قبلی بهتر است .



تنها مزیت این حالت نسبت به حالت قبل ، پتانسیل سودآوری بیشتر بعد از اولین معامله سودده است.

## 5. افزایش حجم حین معامله سود ده (مارتینگل معکوس)

در این بخش ما وارد معامله ای می شویم و پس از ورود به معامله قیمت در جهت دلخواه ما حرکت میکند در اینجا ما دوباره وارد میشویم هم میتوانیم حجممان را بیشتر و کمتر کنیم و هم میتوانیم با حجم معامله اول وارد معامله شویم این هم یک روش است.

### اشکالات این روش :

- ریسک نسبت به ریوارد بیشتر میشود
- وقتی معاملات وارد سود میشود ریسک ما مدام زیاد میشود درست است که سود بیشتر میکنیم اما همانقدر هم فاصله قیمت با استاپ زیاد میشود و ریسک به ریوارد به هم میریزد.
- معادله معامله گری درستی ایجاد نمیشود.
- نقطه خروج با توجه به نوسانات با مشکل روبرو میشود.
- برای روند های پر قدرت این روش توصیه میشود چون تقریباً از روند مثبت مطمئن هستید.

## 6. انجام معامله با مقدار درصد ریسک ثابت به ازای هر معامله

یعنی اینکه اگر ما وارد معامله ای می شویم اصلاً برای ما فرقی نمیکند که حد سود و حد ضرر کجاس ما فقط به اندازه 1 الی 2 درصد از حسابمان را ریسک می کنیم ، برای بدست آوردن 2 الی 4 درصد یعنی 1 درصد ریسک کردیم 2 درصد احتمال سود داریم و 2 درصد ریسک میکنیم حداقل انتظار 4 درصد سود داریم و حد سودمان باید بر این اساس تنظیم شود. این روش باعث میشود که هیچوقت کال نشوید و همیشه سودهایتان بزرگتر از ضررهایتان باشد و تنها چیزی که باعث میشود شما سود آور بمانید این است که ریسک هایتان مدیریت شده باشد و به ازای ریسکی که میکنید دو برابر یا سه برابر سود کنید و بار روانیتان نیز بهتر میشود و یک جورایی به خودتان با این کار اعتماد به نفس میدهید.

### معایب این روش:

- برای از بین رفتن حساب بین 50 الی 100 معامله پشت سر هم باید ضرر کنید.
- نمودار سودآوری شما بسیار منطقی میشود با این روش.
- ریسک زیادی متحمل نمی شوید پس انتظار سودهای کلان در هر معامله را نداشته باشید.
- بهترین روش مدیریت سرمایه است

## Money management

## Risk management

۶- انجام معامله با مقدار ریسک درصد ثابت به ازای هر معامله



پس تا اینجا ما روش های زیر را برای مدیریت سرمایه داشتیم:

1. معامله با حجم معاملات ثابت
2. اضافه کردن به حجم حین ورود به محدوده ضرر با حجم معامله اولیه (کاهش و افزایش میانگین)
3. اضافه کردن به حجم حین ورود به محدوده ضرر با حجمی بیشتر از معامله اولیه (کاهش و افزایش میانگین)
4. افزایش حجم بعد از بسته شدن معامله ضرر ده (مارتینگل)
5. افزایش حجم بعد از معامله ضرر ده (مارتینگل معکوس)
6. انجام معامله با مقدار ثابت به ازای هر معامله

## PART 34

## Price Action

## ( Trading Range Part 1 )

در این ویدیو می خواهیم در رابطه با تریدینگ رنج ها صحبت کنیم که در ترید کردن ما با آن برخورد میکنیم و شاید یکی از سخت ترین مباحث ، مبحث تریدینگ رنج باشد چون که در این حالت مارکت جهت ندارد و این بی جهت بودن بازار برای کسانی که آماتور هستند ، چون اصول ترید در این نواحی را نمیدانند برایشان خیلی سخت است . همه اینها راهکار دارد و قصد داریم در این بخش به آن بپردازیم.

تریدینگ رنج های کوچک ، یک پولبک در تایم فریم بالاتر هستند.

15 min



1hours



وقتی قیمت در حال صعود است یک مکثی انجام میدهد طی مثلا 30 الی 40 کندل و بعد از آن یک لگ دیگر ایجاد میکند که این 30 الی 40 کندل یک محدوده تریدینگ رنج است.

در این نواحی اگر ما تایم فریم را بالاتر ببریم مشاهده میکنیم که آن ناحیه تریدینگ رنج ، یک پولبک در تایم بزرگتر است. پس همه تریدینگ رنج ها برابر هستند با پولبک و این تریدینگ رنج ها در هر تایم فریمی متفاوت است مثلا یک پولبک در تایم فریم چهار ساعته کوچک است اما وقتی به تایم پایین تر پنج دقیقه مراجعه میکنیم میبینیم که چقدر کندل و چقدر موقعیت معاملاتی در آن محدوده وجود داشت که می توانستیم وارد شویم.

**نکته:** تمام پولبک ها تریدینگ رنج در تایم پایین هستند و تمام تریدینگ رنج ها پولبک در تایم بالا هستند.

**نکته:** نمودارها در دل همدیگر یکدیگر را می سازند.



پس ما میتوانیم پولبک را برابر با تریدینگ رنج قرار بدهیم و قوانین معاملاتی مان هم در پولبک ها و هم در تریدینگ رنج ها تقریبا برابر باشند.

### به پولبک های بی پایان تریدینگ رنج میگوییم

در ویدیو های قبلی ، یک مفهوم درباره پولبک ها گفته شد اینکه مثلا وقتی که قیمت یک سقف پایین تر تشکیل میدهد و کندل بعدی یک سقف بالاتر می زند درواقع یک پولبک زده است نسبت به کندل قبلی. حالا low ها بالاتر هستند اگر کندل بعدی یک low پایین تر بزند نسبت به کندل قبلی یک پولبک زده است این به ما نشان میدهد که بازار دارد بی جهت حرکت میکند و داریم وارد تریدینگ رنج میشویم.



پس ما میتوانیم اینگونه تشخیص دهیم با شروع بازار الزاما، که در حال حاضر احتمال ۶۰ درصد ادامه کار هم پولبک خواهد بود پس ما با روش BLSH با این روش برخورد میکنیم.

**نکته:** این پولبک های متوالی برای ما نواحی استاتیکی را می سازند که با رسم آنها سقف و کف تریدینگ رنج برای ما مشخص میشود.

**نکته:** وقتی که شدوها به یک باره به سمتی زیاد میشوند نشان دهنده این است که تلاش های نافرجام برای بریک اوت را به ما نشان میدهند و وقتی مدام تلاش میکنند برای شکست و شکست انجام نمیشود پس در اینجا فروشندگان خسته میشوند و جهت مارکت بر میگردد.

**نکته:** میتوانید وقتی که تریدینگ رنج شکست وارد معامله شوید.

**نکته:** جایی که بازار ناواضح هست شما مجبور نیستید وارد معامله شوید صبر میکنید.

**نکته:** میتوانید در اوایل کار وقتی که تریدینگ رنج واضح و مشخص است وارد معامله شوید.

**نکته:** بازار همیشه بوده هست و خواهد بود و مهم این است که جای درست وارد و در جای درست خارج شوید.

### زمانی که پولبک ها خیلی رشد میکنند ، تاثیر و نفوذ روند قبلی که در آن بودیم از بین میرود.

در تصویر پایین ما در ابتدا یک روند اسپایک صعودی داریم اما در بعد یک تریدینگ رنج داریم که حدود ۱.۵ روز طول کشیده است و از نظر کندلی هم تعدادش از موج اسپایک بیشتر است پس روند قبلی دارد قدرتش را از دست میدهد در نتیجه بعد از آن تریدینگ رنج مشاهده میکنیم که سقف ها و کف های پایین تری شکل میگیرد و تشکیل کانال میدهد در ادامه ما میتوانیم با دیدن سیگنال بار و کی بار در جهت مارکت وارد پوزیشن بشویم چون عملا جهت مارکت تغییر کرده و دارد از یک بازار صعودی تبدیل میشود به یک بازار تریدینگ رنج و بعد به روند نزولی که این برای ما خیلی مهم است.



نکته: سه فاز را باید در نظر بگیریم اسپایک ، کانال ، تریدینگ رنج.

### در پولبک ایجاد شده ، بریک اوت میتواند از هر دو سمت اتفاق بیفتد و نهایتا پولبک ها به تریدینگ رنج تکامل پیدا کنند.

وقتی تریدینگ رنج رخ میدهد مارکت سعی میکند به هر دو سمت حمله کند و آن را از هر دو سمت بشکند اما با هر بار تلاش نافرجام میماند و نمیتواند آن قدرت قبلی اسپایکی که داشته را ادامه دهد.

در این نواحی ما هم شدو بالایی و هم شدو پایینی داریم در اینجا میفهمیم که قدرت دارد بین خریداران و فروشندگان تقسیم میشود و اینجاست که بازار را در سایکل تریدینگ رنج در نظر میگیریم و با ایدههایی که در بازار تریدینگ رنج داریم روی آن ترید میکنیم.

### مثلا در پولبک یک روند صعودی ، معامله گر ها انتظار دارند که بریک اوت صعودی رخ دهد و صعود قیمت از سر گرفته

شود.

یعنی اینکه وقتی بازاری یک اسپایک صعودی و یک پولبک میزند ، این پولبک نشان دهنده این است که قیمت دارد دو طرفه پولبک میزند و محدوده تریدینگ رنج خود را میسازد.

معامله گرانی که در روند اسپایک وارد شدند با هر کندلی که در تریدینگ رنج تشکیل میشود شک معامله گرها به تغییر این روند بیشتر میشود و کم سعی میکنند از بازار خارج شوند و همین مورد هم باعث میشود که بازار حالت تریدینگ رنج بگیرد.



**زمانیکه معامله گرها از جهت روند اطمینان ندارند ، از اصطلاح پولبک برای این اتفاق استفاده نمیکنند و آن را تریدینگ رنج می نامند.**

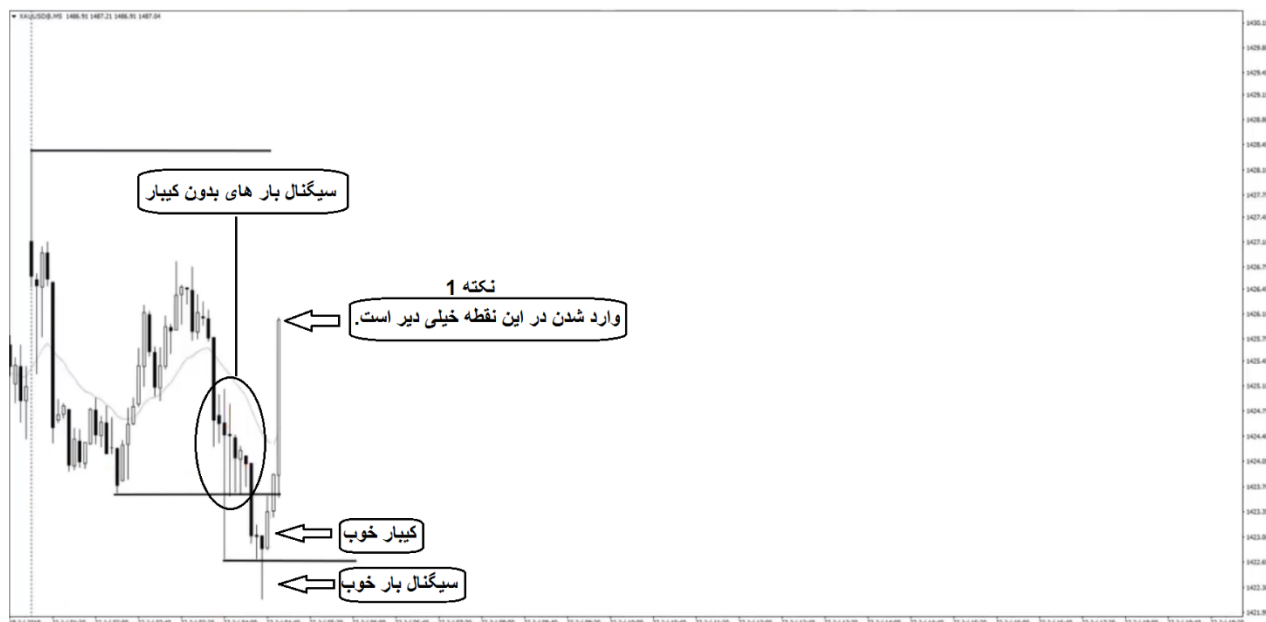
اگر پولبک زیاد شود به آن میگویند تریدینگ رنج ، این دو مانند هم هستند اما در لفظ عامه متفاوت است.  
اگر پولبک مانند تصویر پایین صورت بگیرد احتمال ادامه روند بیشتر است.



**نکته:** درست است که گفتیم پولبک همان تریدینگ رنج است اما یک اختلاف ریزی هم وجود دارد که این ها را از هم تفکیک میکند.

**نکته:** همیشه دیدگاه ما در جهت مارکت است ولی علمی که تا به الان و در آینده هم کسب میکنیم میتوانیم در بعضی موارد خلاف روند ترید کنیم.

**در تریدینگ رنج معامله گر ها به دنبال بریک اوت هستند اما بعد از شروع روند ، با رسیدن به سقف و کف تریدینگ رنج ، بریک اوت شکست میخورد.**



در تصویر بالا میبینیم که در سیگنال اول ما یک سیگنال خوب بدون کی بار داشتیم اما در کف بعدی یک سیگنال بار و کی بار خوب داریم که میتواند نقطه ورود خیلی خوبی باشد چون هم سیگنال بار و کی بار خوبی داریم و هم روی سطح حمایتی است و هم ، کلی شدو داریم.

**نکته 1:** معامله گر های مبتدی با دیدن فشار خرید و فروش، وارد پوزیشن در جهت فشار میشوند (در تصویر نشان داده شده)

**نکته:** شما باید در جایی وارد شوید که ریسکتان کوچک و ریواردتان بزرگ باشد.

**نکته:** اگر در سیگنال اول و دوم وارد معامله نشدید ، دیگر وارد نشوید و صبر کنید تا در موقعیت دیگری وارد معامله شوید.

**معامله گر های حرفه ای با رسیدن به کف و سقف تریدینگ رنج ، در جهت مخالف آن وارد پوزیشن میشوند.**

**نکته:** معامله گران حرفه ای میدانند که در تریدینگ رنج ، 60 درصد مواقع قیمت با برخورد به سقف و کف بر میگردد.

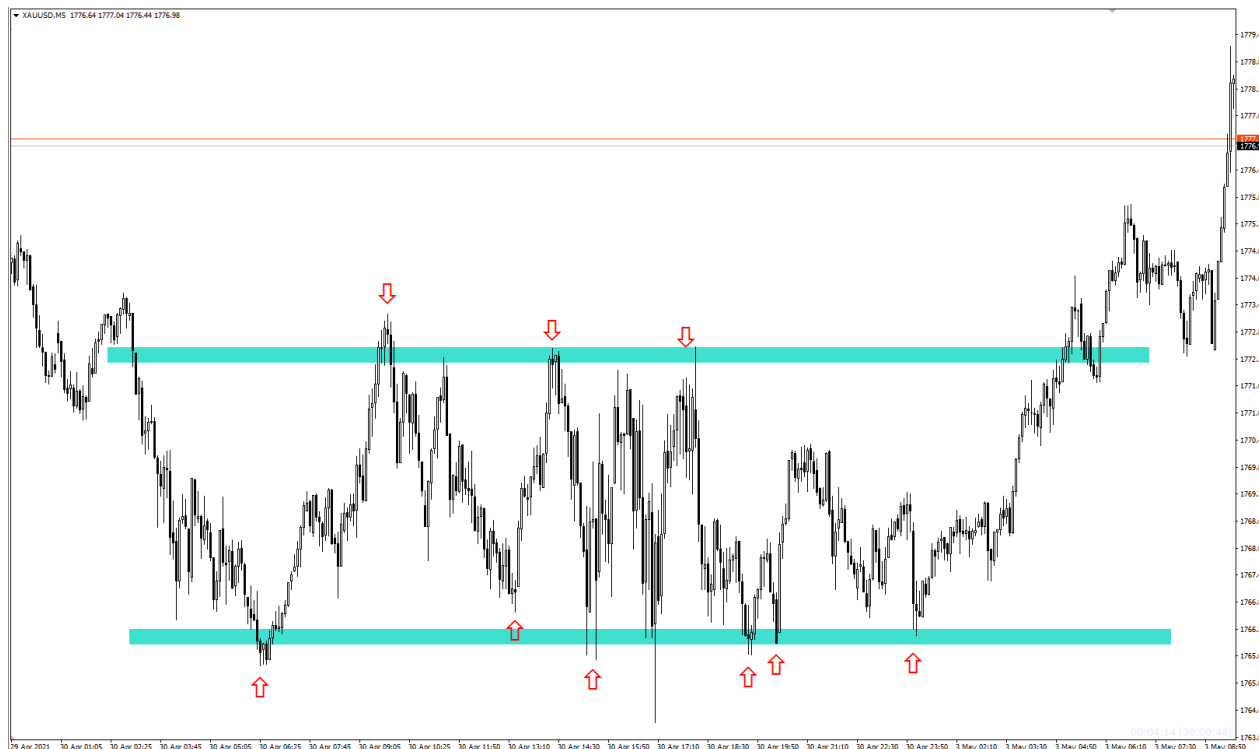
**در تریدینگ رنج معامله گر ها به دنبال بریک اوت هستند اما بعد از شروع روند ، با رسیدن به سقف و کف تریدینگ رنج ، بریک اوت شکست میخورد.**

**نکته:** در تریدینگ رنج معمولا نصف عرض تریدینگ رنج را، میتوانید استاپ بزارید (برای اینکه استاپ کمتری در تریدینگ رنج بخورید میتوانید از این روش استفاده کنید)

**نکته:** به هیچ عنوان اجازه ندارید اوایل کارتان چندین معامله همزمان انجام دهید چون مدیریت آنها برای شما سخت است. (در اوایل کار نهایتا 2 معامله باز داشته باشید)

**اغلب تریدینگ رنج ها هر دو روند صعودی و نزولی را در خود دارند و به این دلیل معامله یک طرفه شکست میخورد.**

**نکته:** وقتی که وارد تریدینگ رنج میشویم معامله یک طرفه فقط در جهت مارکت جواب نمیدهد و باید دو طرفه معامله کنیم و این معامله دو طرفه برای ما ایجاد موقعیت میکند تا بتوانیم با آن سود بیشتری کسب کنیم.  
نحوه کار هم اینگونه است که سقف و کف را مشخص میکنیم و در این نواحی معامله میکنیم.



## PART 35

### Price Action

#### ( Trading Range Part 2)

**نکته:** در دل تریدینگ رنج ها شما باید به دنبال نشانه هایی بگردید که بتواند شمارا مجاب کند برای برگشت قیمت چون میدانید که محدوده سقف و کف محدوده برگشت است پس وقتی که قیمت نزدیک به این محدوده ها میشود شما باید به دنبال الگوها بگردید.

**روند های پر قدرت میتوانند ناگهان برآند که این یک پدیده تکنیکالی است و که در آن قیمت به سطوح حمایت و مقاومت بر میگردد.**

یک خاصیتی در بازار وجود دارد که به آن میگویند خاصیت مگنت یا آهن ربا این خاصیت باعث میشود که قیمت سریعاً به سطوح مهم خودش برگردد.

**هر قدر بازار به سطوح مورد نظر نزدیک تر می شود حرکت آن نیز تندتر می شود.**

در تصویر زیر دقت کنید قیمت از سطح حمایتی شروع به برگشت میکند ، در این برگشت ابتدا بدنه کندل ها ضعیف و کوچک است اما میبینیم که کم کم هر چه به سطح مقاومتی نزدیک میشود بدنه کندل ها نیز بزرگتر میشود و شتاب بیشتری میگیرد و در نهایت قیمت با رسیدن به سطح مقابل ، دوباره حرکت خود را تا سطح قبلی ادامه میدهد که به این ویژگی خاصیت آهن ربا یا مگنت میگوییم.

**نکته:** خاصیت مگنت فقط در تریدینگ رنج ها وجود دارد.

**نکته:** تریدینگ رنج هر چه جلوتر میرود و فرسوده تر میشود حواستان باشد که سرعش هم بیشتر میشود مثال تصویر زیر:

اهداف قیمتی شامل خطوط روند، سقف و کف کندل قبلی، عرض تریدینگ رنج، عرض اسپایک ها و عرض گپ هاست



هر چه قدر بازار به سطوح مورد نظر نزدیک تر میشود حرکت آن نیز تند تر میشود.

**قبل از اینکه حرکت قدرتمند شود معامله گر ها برای پولبک صبر میکنند چون میخواهند دومین لگ را بدست آورند و سریع تر وارد بریک اوت شوند.**

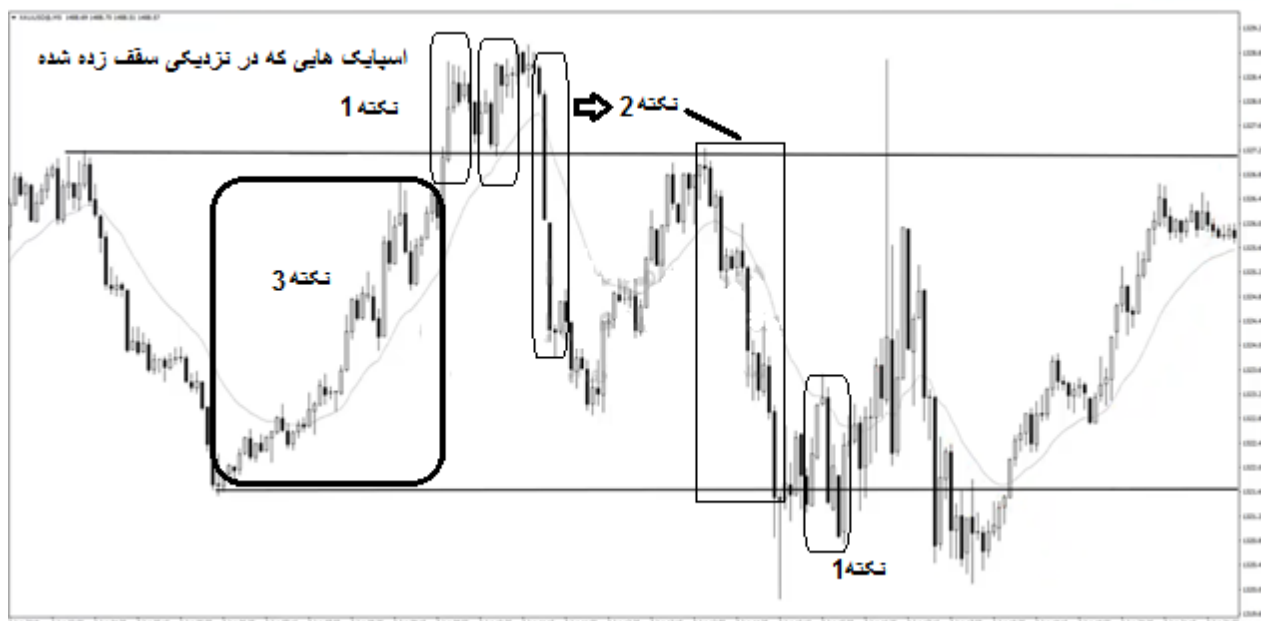
اهداف قیمتی شامل خطوط روند، سقف و کف کندل قبلی، عرض تریدینگ رنج، عرض اسپایک و عرض گپ ها میشود. برای تارگت گذاری اعداد رند میتوانند خوب باشند یا عرض های اسپایک ها که منظور همان  $AB = CD$  است که لگ اول برابر است با لگ دوم.

**نکته:** در نزدیکی سقف های تریدینگ رنج اسپایک رخ میدهد فروشندگان منتظر میمانند تا قیمت یک مقدار رشد کند.

**نکته:** وقتی به سطح مقاومتی برسید، فروشنده ها با حجم سنگین و بی امان شروع به فروش میکنند.

**نکته:** خریدارانی که هم در قیمت پایین خریده بودند، با رسیدن به آن سطح شروع به خارج شدن از معامله خرید میکنند و این موضوع باعث کاهش فشار خرید میشود.

**نکته:** خریدارانی که در کف وارد شدند چون میدانند که به تارگتشان در سقف رسیدند از معامله خارج میشوند همین خارج شدن از معامله این قسمت شکل زیر را ایجاد میکند



در نهایت قیمت با یک بریک اوت از تریدینگ رنج خارج میشود که میبایست با کندل رونددار قدرتمند و بدون سایه باشد.

**نکته:** عرض تریدینگ رنج میتواند به عنوان گام اندازه گیری استفاده شود.

**نکته:** تمام تریدینگ رنج ها میبایست به روند تبدیل شوند و شما میتوانید سر نخ های فشار خرید و فروش را قبل از این اتفاق در چارت ببابید و زودتر از بریک اوت برای سوپینگ گیری وارد معامله شوید البته بخاطر داشته باشید که در تریدینگ رنج تنها BLSH میکنیم اما اگر فشار خرید و فروش درستی در چارت پیدا کنیم میتوانیم در جهت آن روند وارد شویم. بریک اوت از تریدینگ رنج میتواند تبدیل به کانال شود.

**نکته:** بریک اوت از تریدینگ رنج میتواند تبدیل به اسپایک شود.





بریک اوت از تریدینگ رنج می تواند تبدیل به کانال شود



## PART 36

### Price Action

### Micro Channels

در این ویدیو میخوایم با مفهوم میکرو کانال ها آشنا شویم.

میکروکانال ، روندی است که در تمام تایم ها قابل مشاهده است

و معمولا شامل 2 الی 10 کندل است

در این حالت بیشتر کندل ها با خط روند را تاج میکنند یا به آن نزدیک هستند و کندل ها معمولا نسبتا کوچک هستند.



**نکته:** خط روند کانال را میتوان در امتداد مخالف انتهای کندل ها ترسیم کرد که نتیجه یک کانال باریک میشود که به آن میکرو کانال میگوییم.

### میکرو کانال ها چه فرقی با کانال ها دارد؟

در این حالت بیشتر کندل ها یا خط روند را تاج میکنند یا به آن نزدیک هستند و کندل ها معمولاً نسبتاً کوچک هستند. میکرو کانال ها بزرگترین تفاوتش با کانال ها این است که هیچ پولبکی ندارد.

**میکرو کانال صعودی نشانه ای از فشار خرید است.**

**پولبک ندارد به این معنی که خریداران بالای کمترین قیمت کندلی قبلی میخرند.**

یعنی اینکه خریداران اجازه نمیدهند که قیمت یک LOW پایین تر کندل قبلی بزند.

**میکرو کانال نزولی نشانه ای از فشار فروش است**

**پولبک ندارد به این معنی که فروشندگان پایین بیشترین قیمت کندل قبلی میفروشند.**

یعنی اینکه فروشندگان اجازه نمیدهند که یک HIGH بالاتر نسبت به کندل قبلی زده شود.

**برعکس کانال های مرسوم که پولبک در آنها مشترک است ، میکرو کانال ها پولبک ندارند**

و یا به ندرت پولبک کوچکی دارند.

**زمانیکه که این اتفاق بیوفتد شما میتوانید آن را میکرو کانال های پشت سر هم نام ببرید.**



**نکته:** زمانی که میکرو کانال ها پشت سر هم در یک جهت تشکیل میشوند میتوانیم آن ها را به هم وصل کنیم و یک کانال بسازیم.

**محیطی که در آن میکرو کانال اتفاق می افتد ، نحوه معامله کردن بر روی آن را تعیین میکند**

**هر دو میکرو کانال صعودی و نزولی میتوانند به سمت بالا یا پایین بریک اوت داشته باشند.**

جمله اول یعنی اینکه همیشه به کانتکت دقت داشته باشید و کله مجموعه را در نظر بگیرید و ببینید که میکرو کانال کجا تشکیل میشود که با آن خرید یا فروش کنیم (محدوده کلی را در نظر میگیریم و توجه میکنیم که میکرو کانال در کجا دارد تشکیل میشود).

**نکته:** میکرو کانال صعودی یا نزولی هر دو میتوانند هم از بالا و هم از پایین شکسته شوند و این کانتکت هست که مشخص میکند که از بالا میشکند یا از پایین.

**میکرو کانال صعودی در روند نزولی تلاشی است برای برگرداندن روند ، بنابراین میبایست شکست بخورد.**

چرا شکست میخورد؟ چون میدانیم که 80 درصد تلاش ها برای برگشت روند شکست میخورند.  
پس اگر میکرو کانال صعودی در روند نزولی تلاشی باشید برای برگرداندن روند محکوم به شکست خوردن است.

**در یک روند نزولی قوی با اولین بریک اوت نزولی وارد پوزیشن فروش شوید**

**در یک روند نزولی ضعیف برای دومین سیگنال فروش صبر کنید و یا صبر کنید تا بریک اوت نزولی که اتفاق افتاده است یک پولبک انجام دهد.**

**نکته:** در حالت فلگ نزولی (میکرو کانال صعودی) ساخته میشود، که میبایست در هر کف قیمت درخواست فروش قرار داده شود.

**میکرو کانال نزولی در روند نزولی که بریک اوت های صعودی ، تلاش برای برگشت قیمت هستند و تلاش برای برگشت در روند قدرتمند شکست میخورد.**

در این حالت در سقف کندل قبلی می فروشیم همچنین در پایین کف کندل پولبک می فروشیم.

در این حالت فلگ نزولی (میکرو کانال صعودی) ساخته می شود، که می بایست در هر کف قیمت درخواست فروش قرار داد



**نکته:** میکرو کانال به ظاهر کوچک است اما سود های بزرگی ایجاد میکند.



**میکرو کانال صعودی در روند صعودی را با بریک اوت های نزولی که تلاش برای برگشت قیمت هستند معامله میکنیم.**

**نکته:** در این حالت در کف کندل قبلی میخریم، همچنین در بالای سقف کندل پولبک میخریم.

**نکته:** بعد از چندین اسپایک مشاهده میکنید که قیمت با موبینگ 20 فاصله زیادی دارد و در سقف تشکیل یک پین بار داده است بدانید که این بی دلیل نیست و احتمال 60 درصد امکان دارد که قیمت یک اصلاح داشته باشد این اسپایک های زیاد باعث میشود که قیمت فرسوده شود و این باعث یک اصلاح میشود.

در این حالت در کف کندل قبلی میخریم، همچنین در بالای سقف کندل پولبک میخریم



### میکرو کانال نزولی در روند صعودی تلاشی برای برگرداندن روند است بنابراین میبایست شکست بخورد.

**نکته:** وقتی روند صعودی است و میکرو کانال نزولی ساخته میشود و بخاطر اینکه 80 درصد تلاش ها برای تغییر روند شکست میخورند پس ما این را به مثابه ادامه روند میگیریم تا برگشت روند و با این میکرو کانال ها به این سبک معامله میکنیم.

وقتی که بازار مانند تصویر پایین شروع میکند کندل هایی شبیه کندل های اسپایک و بریک اوت ایجاد میکند بازار شروع میکند یک میکرو کانال نزولی تشکیل دهد.



**نکته:** در یک روند صعودی قوی با اولین بریک اوت صعودی وارد پوزیشن خرید شوید در یک روند صعودی ضعیف برای دومین سیگنال خرید صبر کنید و یا صبر کنید تا بریک اوت صعودی که اتفاق افتاده است یک پولبک انجام دهد.

### بحث میکرو کانال ها اینجا به پایان میرسد پس تا به اینجا ما 4 تا میکرو کانال داشتیم:

1. میکرو کانال نزولی در روند صعودی

2. میکرو کانال صعودی در روند نزولی

3. میکرو کانال صعودی در روند صعودی

4. میکرو کانال نزولی در روند نزولی

میکرو کانال ها برای تریگر گرفتن و ورود به معامله خیلی عالی است.

## PART 37

### Price Action

#### (Breakout -part1)

در این قسمت میخواهیم درباره ی شکست ها یا بریک اوت صحبت کنیم:

روند قوی = بریک اوت = اسپایک

خب! ما تا الان یاد گرفتیم که سایکل بازار اسپایک ، کانال و تریدینگ رنج است.

ولی همان اسپایک خودش برابر است با یک روند قوی که ما به همه ی روندهای قوی میگوییم بریک اوت پس از این به بعد در ذهن ما مفاهیم بریک اوت برابر است با اسپایک و قوانین معامله کردن بریک اوت ها با اسپایک ها برابر میشوند اگر اسپایک داخل تریدینگ رنج نباشد.

**ما به چی چیزهایی بریک اوت میگوییم؟**

1. هر نمودار شامل سه قسمت بریک اوت ، کانال و تریدینگ رنج است که بریک اوت بخشی مهمی از این چرخه است که با کانال ادامه پیدا میکند.

2. کندل روند دار بزرگ باشد.

3. یک سری از کندل های روندی کوچک و بزرگ پشت سر هم باشد.

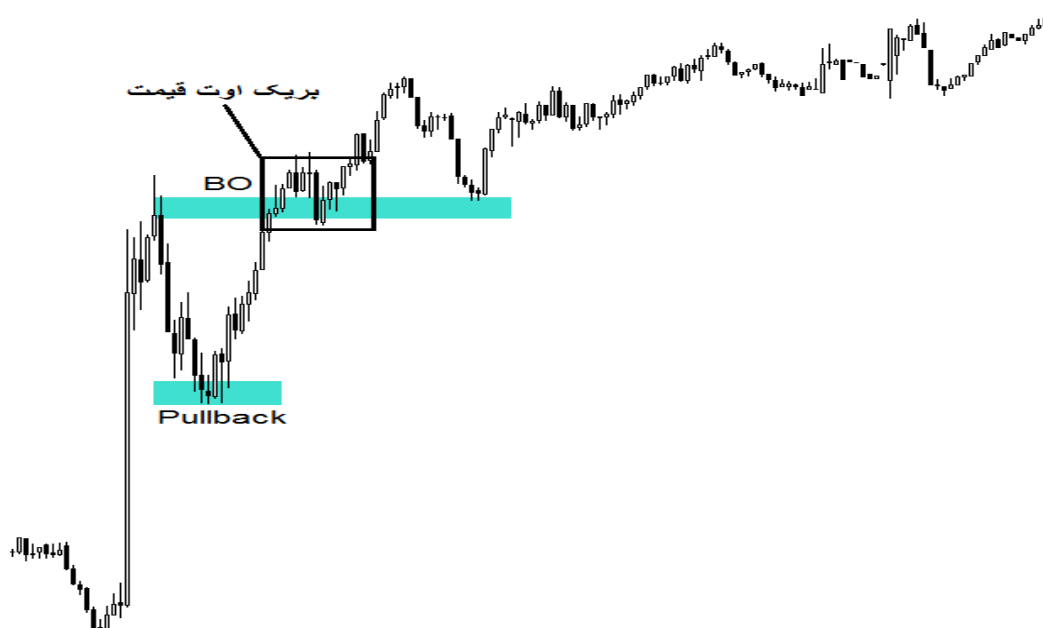
**چه چیزی شکسته (بریک) میشود؟**

### تریدینگ رنج

شکسته شدن تریدینگ رنج ها برای ما خیلی مهم است پس برای آن اهمیت قائل میشویم و با آن ترید میکنیم. خب! در بخش تریدینگ رنج ها گفتیم که 80 درصد تلاش ها برای بریک اوت تریدینگ رنج شکست میخورند حالا اگر تریدینگ رنج بخواهد شکسته شود ما باید در نواحی سقف و کف یک کندل قوی پر قدرت مشاهده کنیم و پس از آن نیز یک کندل صبر میکنیم اگر کندل بعدی در جهت کندل قبلی بود یا بسیار هیجانی بود وارد معامله میشویم.

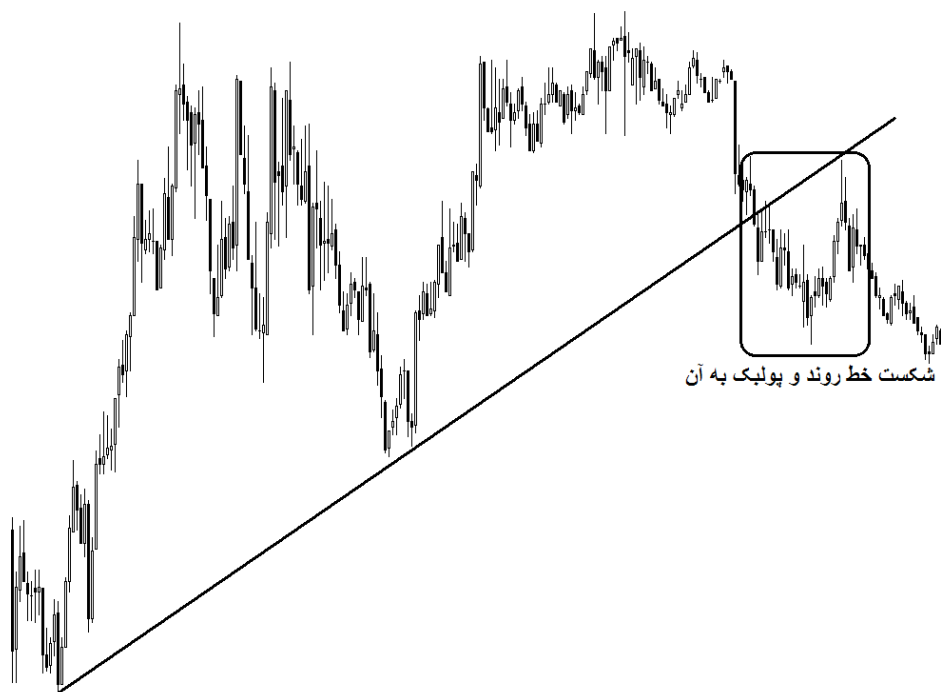
### پولبک

ما میدانیم که تریدینگ رنج برابر است با پولبک ها. پولبکی که به یک سطح زده میشود اگر سقف قبلی خود را بشکند جزو بریک اوت ها میگیریم.



## خط روند

یکی از مهم ترین شکست ها شکست خط روند است. بریک اوتی که از سطح داینامیکی اتفاق می افتد خیلی مهم است و ما هم جزو چیزهایی که برای ما در بریک اوت مهم است قرارش می دهیم.

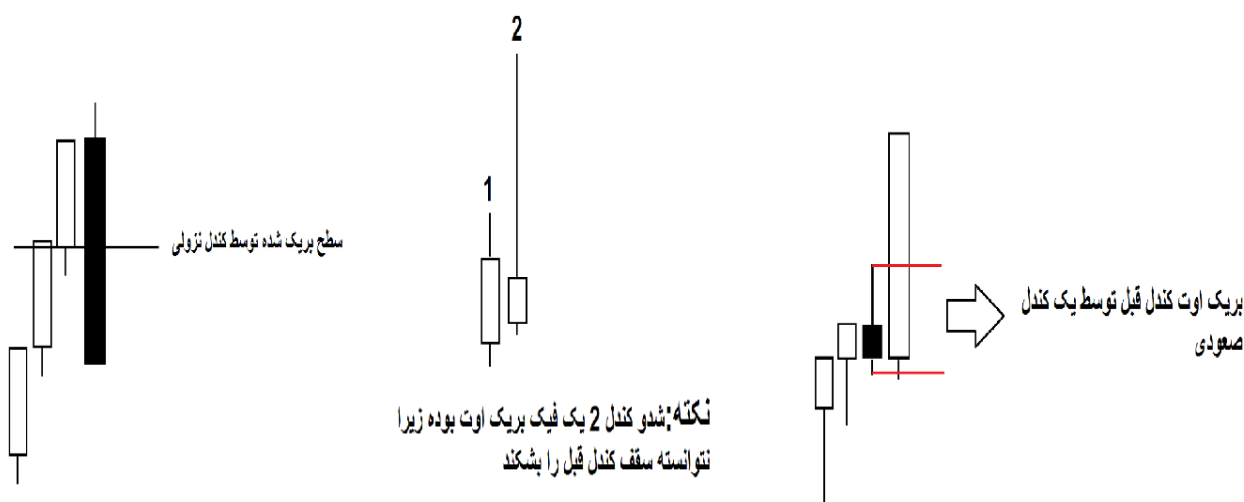


## میانگین متحرک

بریک کندل ها از مووینگ EMA20 برای ما خیلی مهم است اما صرفا به این روش ترید نمیکنیم ، این یک استراتژی است اما ما به این سادگی و مسخره گی به چارت نگاه نمیکنیم چون بازار اصلا برایش مهم نیست که این مووینگ برایش چه اتفاقی می افتد، زمانی ما بر این اساس ترید می کنیم وقتی که کندل ، مووینگ 20 را بریک کند و ستاپ معاملاتیمان هم آن را تایید کند.

## سقف یا کف کندل های قبلی

گذشتن قیمت از سقف و کف کندل قبلی بریک اوت است و اگر قیمت حتی تلاش کرد سطح کندل قبلی را بشکند اما موفق به شکست نشد آن یک فیک بریک اوت است.





اگر نمیبینید که چه چیز بریک شده است اهمیت ندارد اگر در آن محدوده یک کندل روند دار وجود داشته باشد پس بریک اوت اتفاق افتاده است با این نتیجه گیری ، میتوانید بریک اوت ها را تشخیص دهید.

### نشانه های بریک اوت قوی:

- کندل های روند دار بزرگ
- چندین کندل پشت سرهم
- کلوز ها نزدیک به سقف (سایه های کوچک) (در کندل نزولی کلوز ها نزدیک به کف)
- کلوز ها بالای سقف کندل قبلی
- کلوز اطراف و بالای مقاومت (خط روند، سقف قبلی، میانگین متحرک، اعداد رند و...)
- اورلپ کوچک
- شتاپ معاملاتی در حالت خوبی باشد
- شکاف ها
- اندازه گیری حرکت

نکته: بزرگترین نقطه قوت بریک اوت احتمال بالا و ریوارد خوب است.

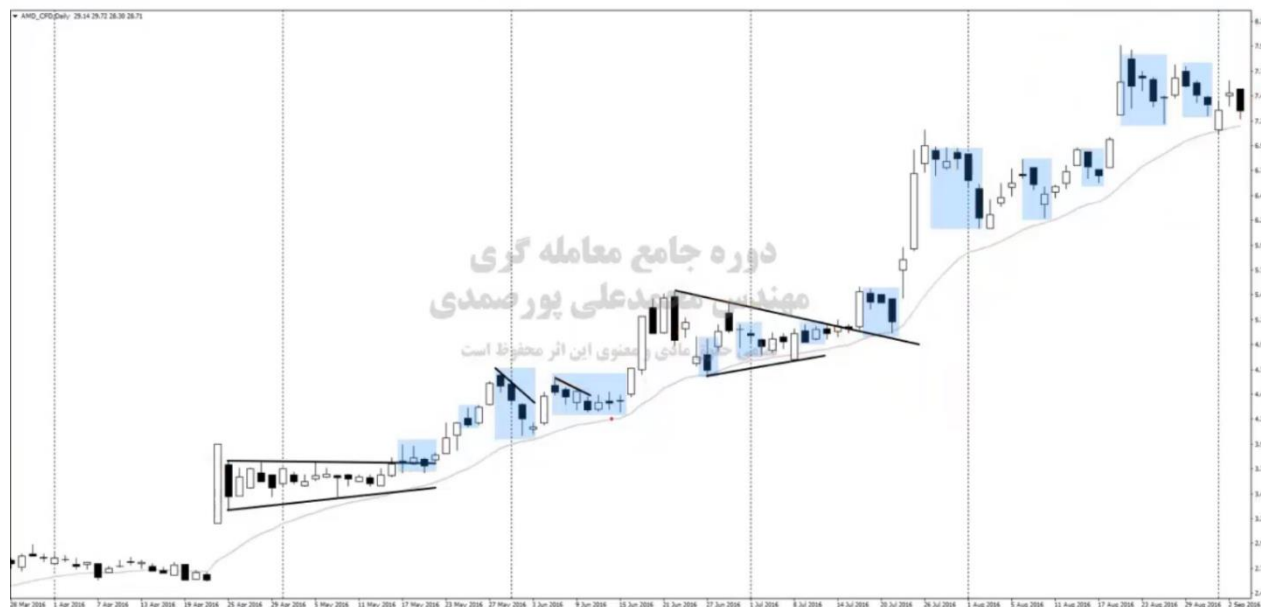
### نقاط اشتراک بریک اوت ها

در روند ها تلاش ها برای برگرداندن قیمت بریک اوت محسوب میشوند

80 درصد از تلاش های برای برگشت قیمت شکست میخورند

برگشت ها تبدیل به پولبک یا مکث در روند می شوند

و در نهایت روند ادامه پیدا میکنند



**نکته:** رفتار هر شاخص متفاوت است فرض کنید داونونز یا EURUSD یک ادم است همانطور که رفتار اشخاص بایکدیگر متفاوت است رفتار هر یک از شاخص ها و ارزها با یکدیگر هم متفاوت است .

**سوال:** اگر همه شاخص ها و ارزها با یکدیگر فرق دارند پس این آموزش ها برای چه هست؟ ببینید ماهمه انسان هستیم و یکسری خصوصیات کلی داریم مثل اینکه غذا میخوریم ، نیاز اولیه زندگیمان را باید برطرف کنیم اما نکته اینجاست رفتار هرکس در برطرف کردن نیازها به مقدار متفاوت است حالا در شاخص ها هم اینگونه است ممکن است نوع شکست ها نوع پولبک ، سیکل و... متفاوت باشد.

## PART 38

### Price Action

#### (Breakout -part 2)

در این قسمت میخواهیم بریک اوت ها را در تریدینگ رنج بررسی کنیم و ببینیم که در تریدینگ رنج ها بریک اوت ها چگونه هستند؟

در تریدینگ رنج ها ، به دلیل خاصیت آهن ربا اسپایک به سقف زده میشود اما لگ دومی وجود نخواهد داشت.

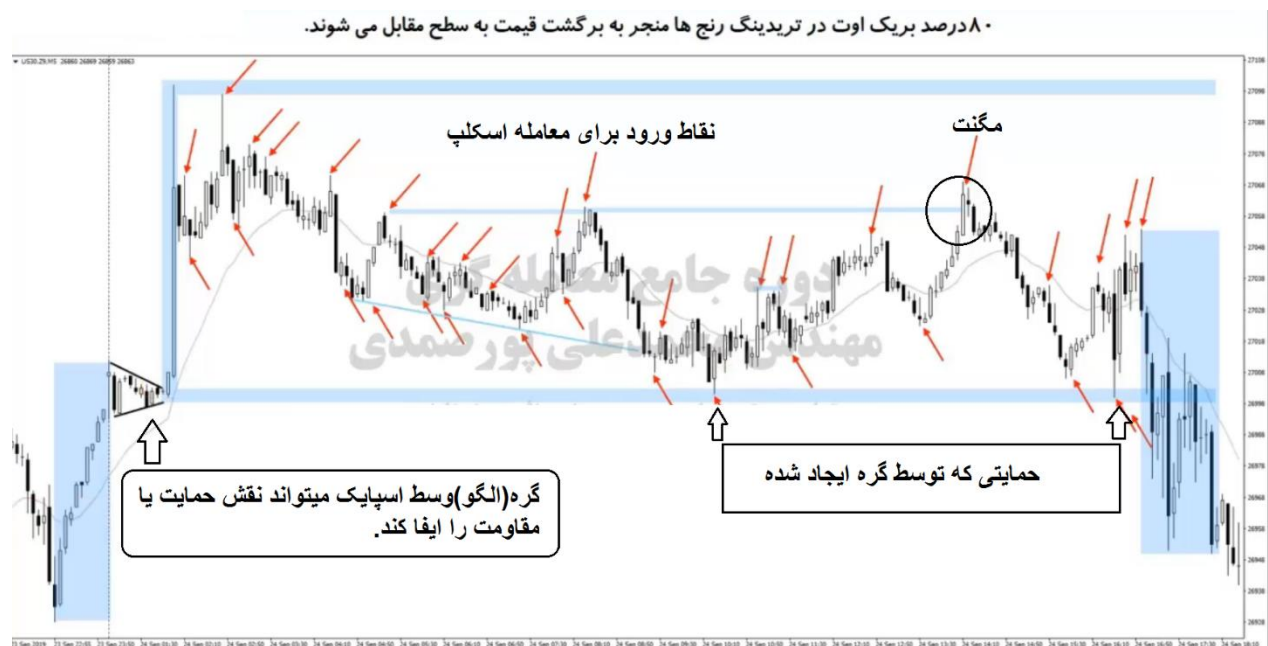
و برعکس تنها در 20 درصد مواقع بریک اوت موفق خواهد داشت.

**نکته:** 80 درصد بریک اوت ها در تریدینگ رنج ها منجر به برگشت قیمت به سطح مقابل میشوند.

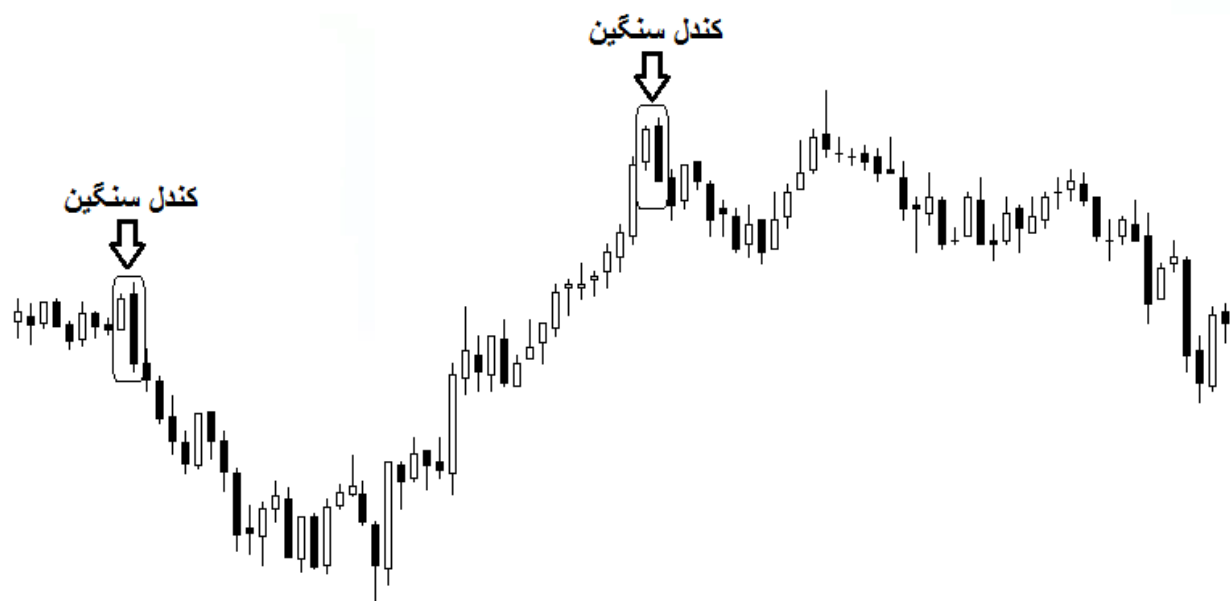
**نکته:** اگر کندلی از high, low کندل قبلی بالاتر رود بریک اوت شده است اما اگر کندل برود و برگردد فیک بریک اوت تشکیل شده است و در فیک بریک اوت ها شما میتوانید وارد معامله معکوس بشوید.

**نکته 1:** زمانی که اسپایک تشکیل میشود در وسط آن یک گره ، الگو تشکیل میشود اگر محدوده این الگو را به صورت استاتیکی ادامه دهیم محدوده های خیلی خوب برگشتی را برای ما میسازند و به سادگی قیمت نمیتواند این سطح را بشکند.

۸۰ درصد بریک اوت در تریدینگ رنج ها منجر به برگشت قیمت به سطح مقابل می شوند.



**کندل سنگین برگشتی:** به کندلی نزولی که **open** آن بالای **close** کندل صعودی باز شود کندل سنگین میتواند سیگنال برگشتی باشد.



### PART 39 Price Action (Breakout -part 3)

**نکته:** اگر معامله گر ها اعتقاد دارند که خریداران در بالا یا پایین یک کندل منتظر هستند ، میبایست بخرند و همینطور بالعکس اگر مطمئن نیستند میبایست صبر کنند.

در پیشکست بریک اوت ها معامله گران میبایست به دنبال سطحی باشند که مرز فشار خرید و فروش است.

**نکته:** آخرین قیمتی که دیروز دیده شده است به شدت مهم است و میتواند نقش حمایتی و مقاومتی را ایفا کند.

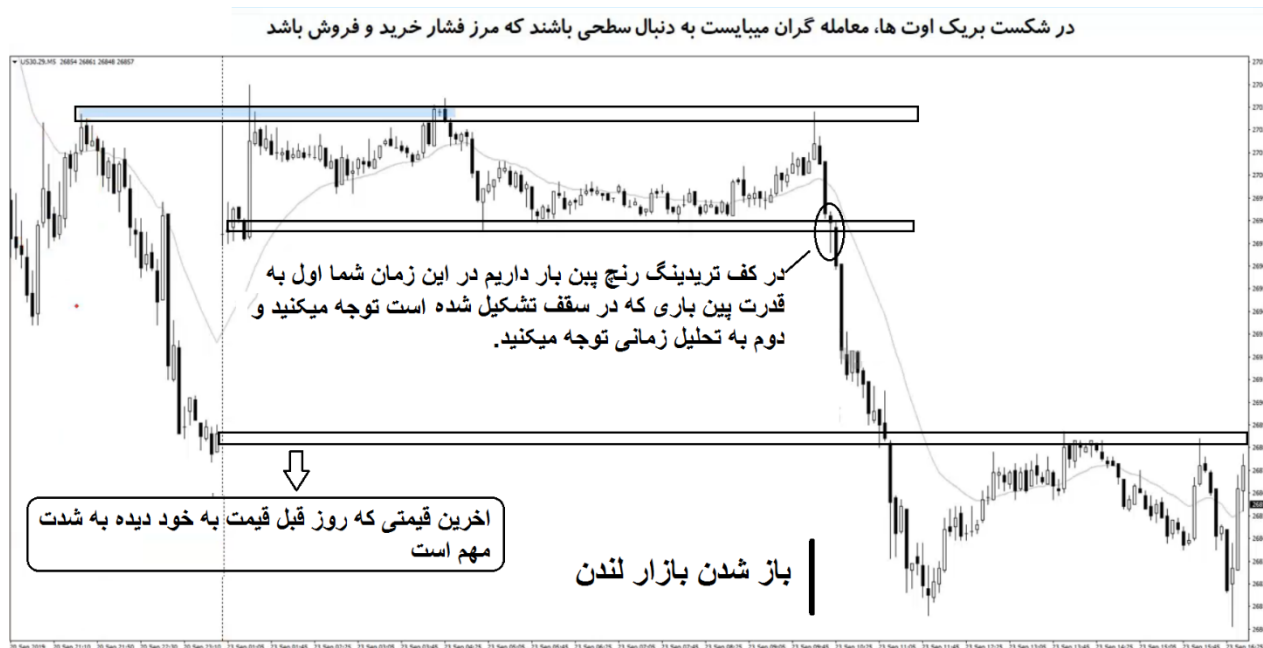
#### یک بریک اوت شکست میخورد یا برمیگردد؟

این مهم ترین موضوع در معامله گری است چرا که موارد زیر را مشخص میکند:

- نقطه ورود
- حد محافظ
- حد سود
- و هرکاری که ما به عنوان معامله گر انجام میدهیم.

**نکته:** به خاطر داشته باشید که هر کندل روند دار یک چیزی را بریک می‌کند و همچنین هر بریک ، بزودی یا بعدا شکست می‌خورد و هر سایه یک بریک اوت شکست خورده است.

**در شکست بریک اوت ها ، معامله گرا میبایست به دنبال سطحی باشند که مرز خرید و فروش باشد.**



**نکته:** هر بریک اوت شکست خورده می‌تواند تبدیل به برگشت قیمت شود و یا پولیک زده و ادامه روند را بسازد.



**نکته:** تصمیم گیری برای اینکه قیمت برگشت خواهد خورد و یا ادامه خواهد داشت به این صورت است که اگر احتمال بهتری برای هر یک وجود دارد شما در یک مرز قیمتی قرار دارید که برای شما معادله معامله گر مثبت خوبی ایجاد میکند.

**نکته:** اگر احتمال برد معامله 60 درصد بود میتوانید ریوارد ۱:۲ یا ۱:۱ بگیرید. اما اگر احتمال برد 40 درصد بود حق ندارید ریوارد ۱:۱ بگیرید.

بریک اوت ها میتوانند برای چندین کندل ادامه پیدا کنند و نیازی به اسکالپ نیست و اینگونه معمولاً معامله گری بسیار خوبی ایجاد میکنند.



#### • بریک

یا توسط کندل روند دار، یا مجموعه ای از کندل های روندی اتفاق می افتد.

#### • شکست خوردن

در نهایت، یک تلاش برای شکست خوردن بریک اوت و برگشت قیمت می افتد.

#### • برگشت یا ادامه روند؟

هر شکست خوردن بریک اوت یا تبدیل به برگشت میشود و یا تبدیل به پولبک که بعد از پولبک بریک اوت ادامه پیدا میکند و تبدیل به روند میشود.

**نکته:** برای اینکه متوجه شوید که بریک اوت شکست خواهد خورد و یا ادامه خواهد داد باید به فشار خریداران و فروشندگان دقت کنید اگر به طور واضح یک سمت از خریداران یا فروشندگان قوی تر بودند، نشان دهنده ادامه روند توسط آنهاست اگر قدرت برابر بود نیاز دارید برای کندل های بعد صبر کنید اگر هنوز واضح نیست، صبر کنید.

#### نقطه ضعف بریک اوت ها

#### • ریسک بالایی دارد.

چون احتمال شکست در تریدینگ رنج ها هست اگر در تریدینگ رنج ها خیلی بخواهید با بریک اوت ها وارد شوید 80 درصد بریک اوت ها شکست میخورد پس باید حواستان باشد با کانتکست درست وارد معامله شوید.

#### • میبایست تغییر حجم معاملاتی داشته باشید.

#### • حالت احساسی دشواری دارد.

### دلایلی که بریک اوت حالت روانی دشواری دارد

- ریسک زیاد شده و به حالت اسپایک درآمده است.
- نیاز به تغییر سباز در حالت روانی شما خلل ایجاد میکند.
- ترسناک و پر استرس است.
- تصمیمات با تغییر در هر واحد قیمت قابل تغییر است.
- زمان کافی برای مدیریت این حالات وجود ندارد.

### مدیریت تصمیمات

- آیا وارد معامله شوم یا خیر؟
- حد ضرر را کجا قرار دهم؟
- حجم معاملاتی چه مقدار باشد؟
- حد سود در کدام نقطه قرار گیرد؟

## PART 40

### Price Action

#### (Gaps)

در این ویدیو قرار است در رابطه با گپ ها صحبت کنیم که یک مبحث خیلی مهم در ادامه بریک اوت ها است. در حالت اصلی پرایس اکشن بریک اوت و گپ در یک گروه می‌گنجد. قبل از اینکه برویم با انواع گپ آشنا شویم نیاز است که با یک نوع گپ همین اول آشنا شویم.

**نکته:** گپی که اول روز اتفاق می‌فتد که به آن گپ هفتگی یا روزانه گفته می‌شود.

### تعریف این نوع گپ:

شکاف های بزرگی که با شروع روز یا هفته ایجاد می شوند.

**نکته:** این نوع گپ بیشتر در بازار سهام دیده می‌شود ، در فارکس هم بیشتر اوایل هفته دیده می‌شود اینها گپ هایی هستند که باید به آن ها دقت داشته باشیم و در این قسمت کلی صحبت درباره شان داریم.

**نکته:** اصلا اهمیت ندارد که جهت باز شدن گپ های هفتگی و روزانه به سمت بالا باشد یا پایین باشد.

اولین قانونی که باید برای خودتان بچینید این است که این گپ ها به هر سمت رفت برای ما مهم نیست و هنوز باید دیدگاه کانتکست محور خودتان را ادامه بدید.

**نکته:** چون که قیمت در جایی که گپ تشکیل شده را ندیده دوست دارد این گپ هارا پر کند و آن قیمت ها را تجربه کند به همین خاطر گذاشتن حد ضرر در نواحی گپ اشتباه است (کانتکست شما مهم است)

**نکته:** بعد از ایجاد گپ دیدگاه ما 50 50 است.

**نکته:** شما باید دیدگاهتان را لحظه ای که شکاف انجام میشود را به آن سبک انجام دهید.

### شکاف های بزرگ در شروع بازار

**نکته:** وقتی که گپ تشکیل میشود چیزی درباره ی آینده بازار به شما نخواهد گفت شما باید در آن تایم فقط حواستان به این موضوع باشد که کانتکست چه شکلی است و چه رفتاری دارد از خودش نشان میدهد.

**نکته:** در بازارهایی که مثل تصویر زیر گپ ایجاد میشود شما باید در همان لحظه حواستان به همه چیز باشد.



**نکته:** گپ از نظر رفتار حرکتی با معادل اسپایک است.

**نکته:** فرق بزرگ گپ با اسپایک این است اسپایک همه قیمت هارا با عرضه و تقاضا لمس میکند و به سمت بالا میرود اما در گپ هیچ عرضه و تقاضایی در سطح گپ انجام نشده برای همین است که خیلی از کارگزاری ها تضمینی ندارند که اگر حد ضررتان در سطح گپ بود بتواند استاپتان فعال شود چون که عرضه و تقاضایی در آن ناحیه وجود ندارد.

**نکته:** به هیچ عنوان معامله تان را تا روز بعد یا آخر هفته باز نگذارید چون امکان دارد اول هفته قیمت با گپ باز شود و خلاف معامله شما باشد و باعث متضرر شدن سنگین شما شود.

اگر بعد از ایجاد شکاف در حالتی قرار داشتید که 60 درصد احتمال پیشبینی درست میدادید

اجازه اسکلپ با ریوارد ۱:۱ را دارید

اگر بعد از بریک اوت در حالتی قرار داشتید

که هنوز نمی دانستید قیمت به چه سمتی خواهد رفت ، میبایست از ریوارد ۱:۲ استفاده نمایید.



**نکته:** سعی کنید همیشه ریواردتان را ۲:۱ بگیرید حتی اگر احتمالش 60 درصد بود.

**نکته:** در تریدینگ رنج ها جاهایی که برخورد بسیار زیادی دارد را به عنوان محدوده در نظر بگیرید.

**نکته:** اگر میخواهید بدانید که سیستم و استراتژی که دارید درست کار میکند باید ببینید که آیا قیمت روی **TP2** های شما چه واکنشی نشان میدهد اگر واکنش نشان داد میتوان گفت که سیستم شما درست است و بانک ها هم از همین سیستم استفاده میکنند.

**نکته:** در بکتست گرفتن باید به دیدگاه بانک ها دقت کنید چون بانک ها هستند که بازار را میچرخانند نه منو شما.

به فاصله بین سقف 2 کندل قبل و کف کندل حاضر دقت کنید که اگر فاصله داشت گپ ایجاد شده است



**نکته:** بریک اوت (اسپایک) ها و گپ ها را میتوان به عنوان کندل روند دار در نظر گرفت.

**به طور کلی ما چهارنوع گپ در بازار داریم:**

1. بریک اوت

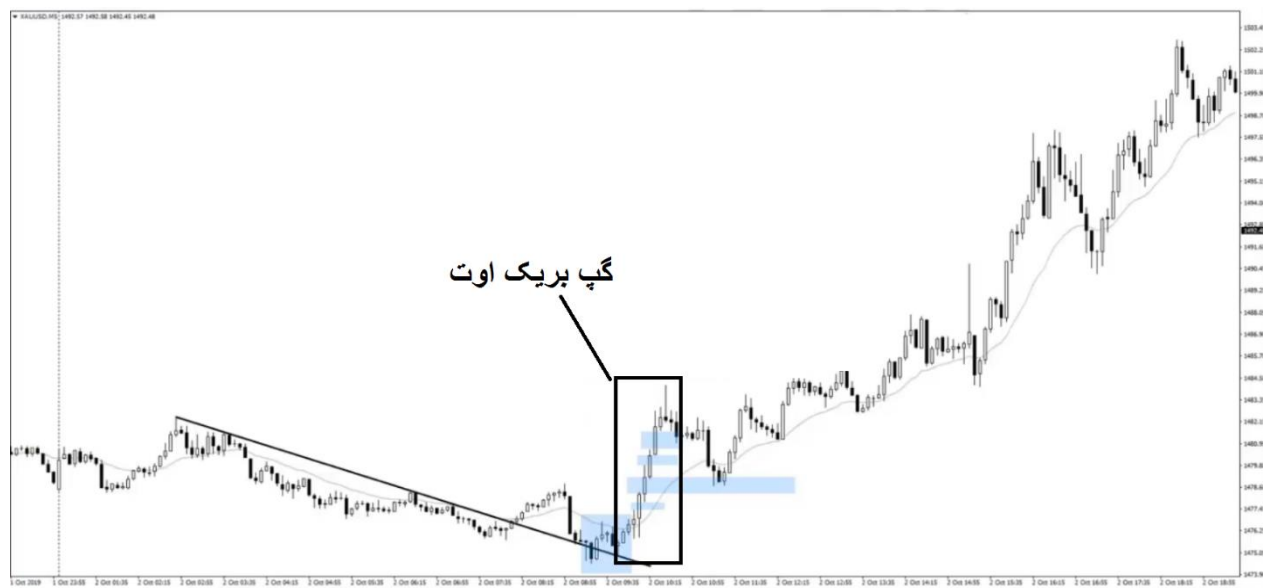
2. فشار

3. خستگی

4. معمولی

## بریک اوت

زمانی که گپ در ابتدای یک حرکت ایجاد میشود آن یک بریک اوت گپ است ، بریک اوت گپ صعودی در این حالت قیمت بسته شدن این کندل در سقف قبلی است



## گپ فشار

وقتی بعد از 10 الی 30 کندل در روند برای مدتی فشار خرید متوقف میشود و پس از آن ترند بار صعودی پیدا میشود و احتمال شروع روند (ادامه روند) را زیاد می کند.



## گپ خستگی

فشار خرید در 10 یا بیشتر از 10 کندل ادامه خواهد داشت در نواحی نزدیک به مقاومت یا حمایت یک کانتکست خوب برای یک پولبک بزرگ تشکیل میشود قیمت بعد از این گپ برگشت خواهد خورد.  
**نکته:** این گپ معمولاً آخر روند ایجاد میشود.



## گپ معمولی

هر ترند بار یک گپ محسوب میشود اکثر آنها ارزش بیش بینی و دنبال کردن را ندارند معمولاً در تریدینگ رنج ها میدهد.  
**نکته:** این گپ در تریدینگ رنج ها به وفور دیده میشود.



## PART 42

### Money managment

#### Protective Stop

#### Actual Risk

#### Trailing Stop

در این قسمت می‌خواهیم درباره‌ی مدیریت سرمایه صحبت کنیم این مطالب بسیار بسیار مهم است و سعی کنید به خوبی آن را یاد بگیرید.

### Portective Stop

**نکته:** چرا می‌گوییم (Portective Stop) ؟ در بازارهای مالی از نظر روانشناسی درست نیست که بگوییم LOSS چون از نظر سایکولوژی این کلمه بار منفی دارد و درست است که بگویید Portective stop این stop به شما ضرر نمیزند و از شما در برابر خودتان محافظت میکند که کل پولتان را از دست ندهید اگر با این نگاه به این قضیه نگاه کنید خیلی برایتان آسان تر میشود که این Stop را جای درست قرار دهیم.

خیلی از وقت‌ها آدم‌ها براساس احساسات ، یکسری تصمیماتی می‌گیریم که اصلا عقلانی نیست و باهیچ قوانین فنی، فاندمنتالی، تکنیکی ، زمانی و... هیچی تطابق ندارد و فقط بر اساس احساسات است چون در آن زمان فکر میکنیم که اگر معامله کنیم سود خوبی میکنیم و سریع می‌خواهیم وارد معامله شویم و وقتی که وارد معامله میشویم میبینیم که هیچ چیز را رعایت نکردیم مثل رعایت نکردن مدیریت سرمایه ، تحلیل اشتباه و ... همه اینها گفته شد که بفهمید بدون حد ضرر فقط ضررتان رشد میکند.

شما از ضرر هایتان درس می‌گیرید نه از سود هایتان به همین دلیل ضرر هایتان را میتوان به گونه هزینه آموزش در نظر گرفت به همین دلیل بهتر است شما برای این ضررها یک حدی قائل باشید که از سرمایه شما محافظت شود.

**نکته مهم:** روزی که شما بدون حد ضرر معامله کردید بدانید که روزهای آخر معامله کردنتان است و دارید به این روزها نزدیک میشوید چون قطعاً با تکرار این کار کال مارجین میشوید.

**نکته:** تعیین کردن استاپ به شما این قابلیت را میدهد که حد سود خود را مشخص کنید به عبارتی کمک میکند R:R شما مشخص شود پس نباید روی این مورد کم دقتی کرد و به طوکی کار مدیریت سرمایه مارا Portective Stop انجام میدهد.

**نکته:** هر معامله گری یک منطقه راحتی دارد به اسم comport zone همیشه حواستان باشد که مجموع دلار هایی که در ریسک می‌گذارید این مقدار به ازای یک معامله از comport zone شما خارج نشود.

**نکته:** در ویدیو قبلی گفته شد که اگر شما 1000 دلار دارید باید 2% سرمایه‌تان را ریسک کنید که میشود 20 دلار در اینجا ما داریم وارد محدوده های دلاری میشویم حالا اگر این 20 دلار از محدوده comport zone ما خارج باشد چه اتفاقی برای ما می افتد؟

اتفاقی که می افتد این است که اگر شما 20 دلار ضرر کنید اسما قانون مدیریت سرمایه را رعایت کردید اما هنوز حالت های روانی شما آماده این 20 دلار ضرر نشده است و اگر شما این 20 دلار ضرر را بدهید از منطقه راحتی حد ضرر خودتان خارج شده اید و این باعث میشود که شما بروید و کار اشتباهی انجام دهید برای همین شما قبل از اینکه بیایید 1000 دلار شارژ

کنید که بخواهید به ازای هر معامله 20 دلار ریسک کنید بیایید ببینید که آیا توانایی ریسک 20 دلاری به ازای هر معامله را دارید؟

این خیلی مهم است که شما توانایی سنجی کنید برای خودتان که ببینید توانایی انجام این ریسک را دارید یا ندارید بعد بیایید بر اساس این تواناییتان بالانستان را شارژ کنید.

**نکته مهم:** اگر میخواهید 1000 دلار شارژ کنید سعی کنید 1200 دلار شارژ کنید اگر میخواهید 500 دلار شارژ کنید 600 دلار شارژ کنید یا اگر میخواهید 1000 دلار شارژ کنید 150 دلار شارژ کنید.

دلیلش این است که اگر در چند معامله اولتان پی یا پی ضرر دادید از به محدوده 4 رقمی اعداد وارد محدوده 3 رقمی نشوید این که یک بالانس از محدوده 4 رقمی وارد 3 رقمی میشود باعث میشود که آن فرد حالت های روانی اش عوض شود و این نکته خیلی خیلی مهمی است.

### معادله معامله گر

احتمال موفقیت \* ریوارد < (احتمال عدم موفقیت \* ریسک) + اسپرد و کمسیون

همیشه حواستان باشد که معادله معامله گر فراموشتان نشود.

ما گفتیم که اگر احتمال موفقیتتان 40 درصد باشد و احتمال عدم موفقیتتان 60 درصد باشد ریوارد ما باید حتما یک جوری شود که سمت راست معادله از سمت چپ معادله بزرگتر شود پس ریوارد شما باید 2 یا 1.5 باشد.

**نکته:** این معادله اگر مثبت باشد شما هیچوقت در بلند مدت تو ضرر نمیروید و قطعا در درازمدت باعث میشود که شما سود بیشتری ببرید اما برای قرار دادن حد محافظ شما نیاز دارید که بدانید در کدام چرخه هستید؛ چرخه اسپایک، کانال یا در تردینگ رنج هستید؟

این خیلی مهم است، شما باید بدانید که کجایید تا بفهمید به کجا میخواهید بروید اینکار برای این است که چون نحوه استاپ گذاشتن در هر چرخه متفاوت است.

**اگر وضعیت معامله تغییر کرد، منتظر نشوید تا قیمت به حد محافظ برسد و معامله را دستی ببندید.**

این جمله به ما میگوید که وقتی که حس میکنید وارد یک معامله اشتباه شده اید و معامله دارد به نقطه ورود شما بر میگردد در اینجا اگر دیدید که کانتکتست دارد تغییر میکند میتوانید معامله تان را ببندید اما خیلی مرز باریکی است بین اینکه شما درست از این معامله خارج شوید یا اینکه بترسید و خارج شوید برای همین روزهای اول معامله گریتان نیازی نیست اینکار را کنید و اگر کانتکتست تغییر کرد بگذارید استاپتان خورده شود.

**نکته:** قبل از اینکه بخواهیم وارد معامله شویم باید ریسک معامله محاسبه شده باشد.

**نکته:** نگاهتان به معاملات باید سلسه مراتبی از معاملات باشد نه یکی یا دوتا معامله چون هم بحث سایکولوژی و هم بحث مدیریت سرمایه است ببینید شما میگویید که قرار است مثلا از 50 تا معامله 60 درصدش را شما سود و 40 درصدش را ضرر کنید در اینجا معلوم نیست که شما همان 40 درصد را اول ضرر کنید بعد از این 40 درصد شما ناامید میشوید و حرف هایی مانند (من خنکم، استراتژیم بدر نمیخوره، همه چی غلطه و...) همه اینها وارد ذهنتان میشود خب معلوم نیست که کدام معامله قرار است شروع سود اوری شما باشد برای همین ممکن است در 20 تا معامله 8 تا اول را ضرر کنید اما 14 تا بعدی را سود کنید.

• **حد ضرر نباید خیلی نزدیک باشد.**

برای مثال شاخصی مثل داو جونز امریکا فرار است مقدار نوسان روزانه این شاخص 500 واحد است به همین دلیل استاپ گذاشتن نزدیک باعث میشود با یک حرکت کوچک استاپ شما زده شود و بعد در جهت تحلیلی شما قیمت حرکت کند.

• **حد محافظ نباید خیلی دور باشد.**

**نکته:** اصلاً توصیه نمیشود که حد محافظ خیلی نزدیک و یا خیلی دور باشد.

**نکته:** وقتی دارید روی یک شاخصی ترید میکنید اول از همه باید روی آن شاخص مسلط باشید مثلاً وقتی روی داو جونز دارید معامله میکنید یا روی طلا معامله میکنید باید رفتار هر کدام را بدانید شما باید روی هر چیزی که میخواهید ترید کنید تحقیق کنید.

• **مولتی تایم فریم حد محافظ نگذارید.**

این یعنی اینکه اگر در تایم فریم ۵ دقیقه ای دارید معامله میکنید و هر کندل در ۵ دقیقه تشکیل میشود ۳ کندل برای مثال ۳۰ پیپ میشود شما نقطه ورودتان را در این تایم پیدا میکنید اما برای استاپ گذاشتن به تایم نیم ساعته مراجعه میکنید در تایم نیم ساعته ۲ کندل برابر با ۱۰۰ پیپ میشود اینکار باعث میشود همه معادله و معامله شما به هم بخورد.

**نکته:** به همین دلیل سعی کنید حد محافظ را در همان تایم فریم بگذارید.

برای پیدا کردن حد سود اگر رفتید تایم بالاتر مشکلی ندارد و منطقی و حساب شده اینکار میتوانید انجام دهید اما برای استاپتان این اتفاق نباید بیفتد.

### روش های حد محافظ

1. **حد محافظ بر اساس پرایس اکشن**

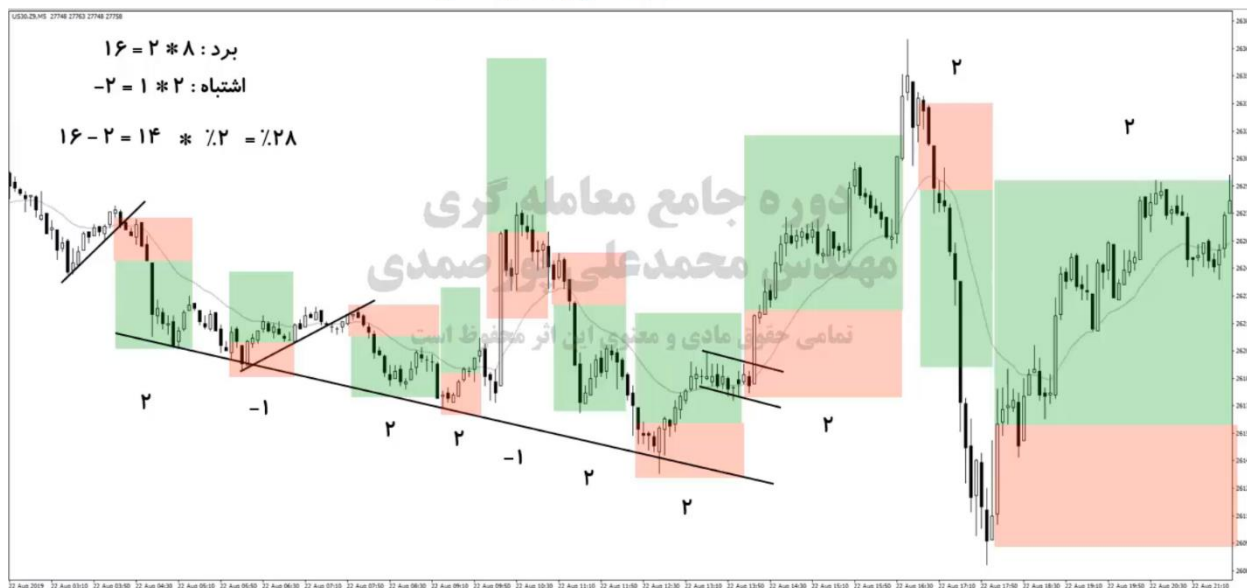
2. **حد محافظ بر اساس مقدار پولی**

3. **حد محافظ بر اساس فاصله از نقطه ورود**

در ادامه هر سه این حد محافظ ها توضیح داده میشود:

## حد محافظ بر اساس پرایس اکشن

### ۱- حد محافظ بر اساس پرایس اکشن



ما بر اساس این روش کار میکنیم چون دقتش زیاد است و آن حدی که ما نیاز داریم را دارد یعنی نه خیلی زیاد و نه خیلی دور است.

نکته مهم بعدی این است که ما میتوانیم با این روش سریع به پیدا کردن نقطه مناسب پی ببریم یعنی سرعت عملمان را بالا ببریم و مزایای بعدی اش این است که کاملاً مدیریت شده کار کنیم.

در این روش اگر درست با روش پرایس اکشن وارد معامله شویم راس حد سودتان (TP) قیمت بر میگردد چرا؟ چون پرایس اکشن قدرت بازار است.

#### • حد محافظ پشت سیگنال بار قرار می گیرد

یعنی اینکه ما یاد گرفتیم که دوتا کندل داریم برای ورودمان به معامله که یکسری شکل های خاصی داشتند و در نقاط کانتکسی خوبی تشکیل میشدند و نه همه جا (کانتکست در اینجا برای ما خیلی خیلی مهم بود)

#### • اگر سیگنال بار بزرگ بود بسیاری از معامله گران ها این حد را در نصف کندل قرار میدهند یا از حد ضرر پولی استفاده می کنند..

دلیل اینکه وقتی که سیگنال بار بزرگ بود از این روش استفاده میکنیم این است که اگر ما در ۱ بار قرار دهیم استاپ ما خیلی بزرگ میشود و از طرفی ریوارد ما هم غیر منطقی میشود.

**نکته:** وقتی که خیلی سیگنال بار عریض بود ما حد محافظ را نصف کندل و با توجه به کانتکست قبلی میگذاریم این به این دلیل است که اگر کندلی ایجاد شد که سیگنال بار را به حدی اصلاح کرده که از نصف آن هم گذشت احتمال ۶۰ درصد وجود دارد که این اصلاح به کف کندل هم برسد پس ما نمیخواهیم روی چیزی که احتمال آن بالا است ریسک بکنیم بنابراین حد محافظمان را با احتساب اسپرد در وسط کندل قرار میدهیم.

**نکته:** در بکتست گرفتن خیلی نامرد باشید و به سیستم رحم نکنید یادتان نرود شما باید هر روز بکتست بگیرید.

**نکته مهم:** اگر میخواهید بفهمید که سیستمان درست کار میکند ببینید که آیا قیمت به ریوارد ۲ شما واکنش میدهد یا نه.



## PART 43

### Money managment

#### Protective Stop

#### Actual Risk

#### Trailing Stop

#### (PART 2)

#### حد محافظ بر اساس مقدار پولی

این سطح در اطراف سیگنال بار قرار دارد.  
سعی کنید یک میانگین ذهنی از کندل های روند دار روی چارت پیدا کنید و از آن استفاده کنید.  
یا حدود 10الی 20 درصد از تغییرات روزانه را انتخاب کنید.  
این روش به ما میگوید که از ترند بار های قبلی یک میانگین حرکتی بگیریم و از آن در حد محافظ و حد سود استفاده کنیم.  
**نکته:** این روش زیاد مورد استفاده ما قرار نمیگیرد زیرا روش حد محافظ بر اساس پرایس اکشن انقدر خوب است که ما نیازی به این روش پیدا نمیکنیم.

#### حد محافظ بر اساس فاصله از نقطه ورود

- فاصله هایی که از حد سود مشاهده میکنید
  - شکاف هایی که در چارت مشاهده میکنید
  - براساس طول سیگنال بار تصمیم گیری کنید
- (توضیح در ویدیو)

#### Actual Risk

**نکته:** خیلی دقت کنید این مورد خیلی مهم است.  
در اینجا میخواهیم ریسک واقعی را بسنجیم.  
ما گفتیم وقتی که ستاپ خوب است ۶۰ درصد احتمال موفقیت داریم اگر ناواضح است ۵۰ درصد احتمال موفقیت داریم و یا اگر ستاپ ضعیف است احتمال موفقیت صفر نمیشود؟ در اینجا ما ۴۰ درصد احتمال موفقیت داریم چرا؟ چون احتمال اینکه از بیخ اشتباه تحلیل کرده باشیم وجود دارد که این ۴۰ درصد را پوشش میدهد.

#### ریسک اولیه پشت سیگنال بار

#### ریسک واقعی ، تعداد واحد قیمتی است که بعد از ورود به معامله خلاف جهت شما حرکت کند

- توضیح در ویدیو مربوطه
- زمانی که بعد از ورود به معامله قیمت خلاف جهت معامله ما حرکت میکند و سپس بعد از یک اصلاح در جهت معامله ما حرکت میکند و یک سقف جدید میزند در اینجا ما باید حد محافظ خود را به کف اصلاحی که زده شد انتقال دهیم.  
حالا چرا اینکار را میکنیم؟ چون اگر قیمت بخواد برگردد این کف را بشکند احتمال ۶۰ درصد تا کف بعدی هم پیش میرود پس بدهکار به بازار نیستیم که بخواهیم به مقدار بیشتر به آن ضرر دهیم و در همان کف دوم محدودش میکنیم.

### وقتی شک داشتید در ریسک واقعی معامله خارج شوید

یعنی وقتی که ورود به معامله کردید و بعد قیمت تا محدوده حدضرر شما آمد و بعد رفت در سود در اینجا مشکوک میشویم که آیا تحلیل درست است یا نه؟؟  
در اینجا میتوانید حد محافظ را به بالاتر انتقال دهیم.

### با اینکار هم معادله معامله گری مثبت باقی می ماند هم کمترین زیوارد ممکن را به دست می آورید

- توضیح در ویدیو مربوطه

### در تریدینگ رنج ها از ریسک واقعی استفاده کنید

**نکته:** در تریدینگ رنج ها ما برای استاپ گذاشتن باید به اندازه نصف تریدینگ رنج استاپ بگذاریم.

**نکته:** در تریدینگ رنج ها ما از جابه جایی استاپ بیشتر استاپ میکنیم.

### وقتی حد سود ریسک واقعی کوچک شد، به حد سود دست نزنید و از سطح مهم استفاده کنید

اگر اکشوال ریسک کردید و دیدید که حد سودتان خیلی کوچک شده اشکالی ندارد و دست به حد سود خود نزنید.  
**نکته:** اکشوال باعث میشود که نه تنها ریسکمان کوچک تر شود بلکه باعث میشود حدسودمان نیز بهینه تر شود البته در مواقعی که درست در حال تشخیص روند بازار هستیم.

**نکته:** اکشوال ریسک بیشتر بیشتر در بازارهای بدون روند یا ضعیف استفاده میشود.

### Trailing Stop

این روش یعنی اینکه قیمت هرچه رشد کرد ما هم بیایم استاپمان را مدام نسبت به حرکت قیمت حرکت دهیم.

**نکته:** استاپ را وقتی که حرکت میدهیم باید پشت سیگنال بار و کی بار بگذاریم.

**نکته:** تریلینگ استاپ برای همه پیشنهاد نمیشود اول کار چون همه آماده این نیستند که اجازه بدهند که سودهایشان بزرگ شود زیرا وقتی که سودشان بزرگ میشود ترس هایشان نیز مدام بزرگ میشود و این بزرگ شدن ترس شاید کار دستشان بدهد به همین دلیل تریلینگ استاپ زیاد پیشنهاد نمیشود و بهتر است از روش free risk استفاده کنید.  
این روش نیاز به تمرین زیاد دارد و زمان میبرد که یاد بگیرید.

### بعد از ورود به معامله به سود به چند روش میتوان معامله را مدیریت نمود

- حد محافظ را به نقطه ورود بیاوریم

این روش یکی از بهترین ها است برای اول کار مبتدی ها اصلا دست به حدضرر نزنند دلیلش هم این است که با اینکار در ابتدا باعث میشود عادت کنند که مدام استاپ را دست کاری کنند.

- باهر سقف یا هر کف آن را بالاتر یا پایین تر ببریم

در اینجا از سیگنال بار و کیبار استفاده میکنیم.

• آن را به سطوح مهمی که مشاهده میکنیم منتقل کنیم.

• از حد پولی استفاده کنیم یعنی مثلا به اندازه 10 دلار یا 10 واحد بالا یا پایین تر بیاوریم

اگر مثلا شما در معامله میخواستید 70 دلار سود کنید و پس از ورود به معامله 70 دلار وارد سود شدید میتوانید استاپ را روی 70 دلار بگذارید و معامله را کاملا نبندید .

### ۳- حد محافظ بر اساس فاصله از نقطه ورود



## PART 44

### Time Analysis

#### (Technical)

در این ویدیو میخواهیم درباره یک موضوع خیلی خیلی مهم صحبت کنیم که باعث میشود پایه های تحلیلی ما را قوی کند آشنا میشویم به اسم تحلیل زمانی

#### (Tols base)

وقتی که بر اساس ابزار ها میخواهیم تحلیل و ترید بکنیم دوره داریم:

#### 1.fibonacci

#### 2.ichimoku

**نکته:** هرچه به سمت ابزارها و اندیکاتورها میرویم از واقعیت ماجرا دور میشویم و مهم ترین قسمت در بازار های مالی این است که از واقعیات دور نشویم وقتی که دور شویم تصمیماتمان بر اساس احساس، ترس، طمع خواهد بود و نخواهیم فهمید که چه کاری خواهیم کرد و هرچه بیاوریم ریل تر کار بکنیم قطعا حرفه ای تر کار میکنیم.

**نکته:** در بازار قدرت در سادگی است.

#### 1.fibonacci

استفاده از دره و قله  
و تغییر جهت در ترازها  
تقاطع  
و...

## 2.ichimoku

اعدادی که در ایچیموکو مهم است  
5.9.13.17.26.35.43.52.63.72.80.90.108

## PART 45

### Time Analysis

#### (Real Analysis)

در ویدیو قبلی یاد گرفتیم که با تحلیل زمانی ایچیموکو و تحلیل زمانی فیوناچی کار بکنیم و یک دید اولیه از تحلیل زمان گرفتیم.

اما در این ویدیو می‌خواهیم با واقعیات تحلیل زمانی یعنی آن چیزی که خیلی واضح است و خیلی مشخص است و نیازی نیست ما خیلی قضیه را پیچیده کنیم، روش های قبلی جواب میدهند و روش های قدرت مندی هستند ولی یک مشکل اساسی دارند که غیر واقع بینانه هستند.

**نکته:** باید یاد بگیرید با چیزی که غیر واقع بینانه است کار نکنید.

#### اما تحلیل زمانی واقع بینانه چیست؟

این تحلیل زمانی که درباره اش صحبت میکنیم به ۲ قسمت تقسیم میشود:

1. تحلیل زمانی بر اساس فاندمنتال

2. تحلیل زمانی بر اساس سشن های بازار

### Real Analysis

وقتی که درباره ی ریل بازار صحبت میکنیم یعنی اینکه درباره ی دو قسمت فاندمنتال و سشن حرف میزنیم.

### Fundamental

بازار هر روز با اخبار تکان میخورد یعنی عملاً چیزی که بازار را حرکت میدهد اخبار است پس خیلی واقع بینانه و ساده است که ما راس اخبارها منتظر اتفاقاتی خاصی روی چارت باشیم یعنی نیازی نیست که ما خیلی کارهای عجیب کنیم.

**نکته:** اگر میخواهید موفق و حرفه ای شوید روی یک ارز کار کنید و کامل آن را بشناسید و با حرکاتش آشنا شوید و بعد از آن وارد ارز بعدی شوید.

## Sessions

وقتی که ما در بازاری مثل بازار جهانی داریم کار میکنیم نمیتوانیم یک طرفه مثله بازار ایران به بازار نگاه کنیم ما در این بازار:

توکیو را داریم به نمایندگی بازار آسیا

لندن را داریم به نمایندگی تمام بازارهای اروپا و در آخر نیویورک را داریم.

**نکته:** کار ما در ساعت 10 عصر بروکر که بازار لندن باز میشود است.

**نکته:** معمولا تاثیرات سشن ها نیم ساعت زودتر نمایان میشود.

## Fundamental or sessions

**نکته:** شما باید از ترکیب فاندامنتال و سشن استفاده کنید.

**نکته:** اگر اخباری نزدیک به یک باز سشن بود میتوان معامله کرد.

## PART 46

### Trading Psychology

#### (Anxiety)

در این ویدیو میخواهیم به صورت خیلی تخصصی درباره اضطراب حرف بزنیم اضطراب یکی از بزرگترین دشمن های معامله گری است این اضطراب باعث میشود که مثلا وقتی معامله گری وارد معامل شد پاهایش را پشت سرهم تکان بدهد وقتی که این مورد را متوجه شدید بدانید که اضطراب دارید و باید کنترلش کنید.

**نکته:** بزرگترین چیزی که اضطراب را برای ما به وجود میآورد ترس است که درباره اش صحبت میکنیم. در این قسمت میخواهیم یک تکنیکی را یاد بدهیم که با توجه به آن میتوانید کنترل خود را روی اضطرابتان بیشتر کنید و اگر آن را هر روز تمرین کنید این اضطراب داشتن هر روز کاهش پیدا میکند.

### اضطراب تمام قسمت های ذهن را پر کرده و به هیچ فکری اجازه ورود نمی دهد

یعنی معامله گری که شروع کرد به معامله کردن اضطراب گرفت تمام افکار درستش در مغز پس زده میشود چون کل مغز را اضطراب فرا گرفته است.

وقتی که اضطراب کل وجود آدم را فرا بگیرد نه میشود فکر درست کرد نه میتوان فهمید که کدام پوزیشن درست و کدام غلط است و این باعث میشود که شاید نتوانید خود کنترلی درست داشته باشید و کسی که نتواند خودش را کنترل کند قطعا نمیتواند سودده باشد، خود کنترلی بزرگترین چیزی هست که یک معامله گر باید رعایت کند و اگر آن را رعایت نکند شاید با مشکلات خیلی بزرگی مواجه شود که قطعا این اتفاق میفتد برای همین باید خیلی حواستان باشد.

### اضطراب درد زیادی دارد اما به تحلیل و پرسش و بازجویی جواب نمیدهد

وقتی که انسان اضطراب دارد به هیچ سوال منطقی که ذهنش از آن میپرسد جواب نمیدهد یعنی اینکه فردی که شروع میکند به گرفتن اضطراب مدام، میخواهد از خود پرسش های منطقی کند جواب نمیدهد مدام میخواهد تحلیل درست کند ذهنش جواب

نمیدهد ، مدام میخواهد خودش را یک جورایی بازجویی کند جواب نمیدهد چون ذهن این مثل یک ظرفی میماند که پر شده است و شما نمیتوانید در این ظرف چیزی را بریزید.  
برای همین حتما باید حواسمان باشد که کجاها اضطراب میگیرید.

#### • هم میترسیم هم نمیتوانیم به جز ترس به چیزی فکر کنیم

جدا از معامله گری در هر چیزی اگر اضطراب داشته باشیم میترسیم این ترس باعث میشود که اصلا نتوانیم به هیچ چیز دیگر فکر کنیم چون که این ترس تمام وجود ما را فرا گرفته است.

#### • افکار تو سری خورده ، بی قرار و تکراری و درمانده میشوند

مثلا در یک معامله وارد محدوده ضرر شده اید در اینجا شما وارد محدوده ی اضطراب میشوید این اضطراب کم کم جایش را میدهد به ترس و ترس وقتی وارد ذهن شود ذهن قفل میشود حالا چرا این اتفاق می افتد؟ چون آن مواردی که در ویدیو های روانشناسی و مدیریت سرمایه گفته شده را رعایت نکرده اید چون آن هارا رعایت میکردید وقتی که پوزیشنتان میرفت در ضرر نه ترس برتان میداشت و نه اضطراب چون همه چی منطقی چیده شده است و چیزی که منطقی پشتش است اضطراب درونش جایی ندارد.

#### • مدام به احتمال ضرر و احتمال از دست دادن سود و ... معطوف می شود

حد ضرر شما اصلا نخورده است اما وارد فاز این میشوید که میگویید (اره دارم کال میشم ، الان پولم از بین میره و...) چون:

اضطراب بر فعالیت های مغز حاکم می شود و هر فعالیت ذهنی دیگر را حذف می کند ، تنها وحشت در ذهن باقی می ماند و با قلدری تمام فعالیت های ذهن را از کار می اندازد.

### اضطراب اغلب راه رد گم کردن برای یک موضوع دیگر است

شما مشکلاتان یک چیز دیگر است مثلا در یک معامله ضرر ده مشکل اصلی شما این است که مدیریت سرمایه را رعایت نکرده اید بعد معامله تان وارد ضرر شده است.

این ضرر مشکل اصلی شما نیست مشکل شما عدم رعایت از مدیریت سرمایه است که باعث شده شما اضطراب بگیرید.

این اضطراب میتواند ناشی از چند چیز باشد مثلا کمبود سرمایه، یا مشکلی خارج از معامله گری یا با کسی دعویاتان شده است و این استرس و اضطراب داشتن از اینجااست.

• ما از چیزی ورای موضوع فعلی نگرانیم ، یکی از جنبه های عجیب ذهن این است شاید تصمیم بگیریم که مضطرب باشیم بجای اینکه با مسایل دردناک روبرو بشویم ، دلواپسی ممکن است از خود آگاهی آسان تر باشد.

نکته: ذهن به جای اینکه بیايد خودآگاه باشد دلواپسی را انتخاب میکند زیرا دلواپسی راحت تر است.

**شاید نگرانی از معامله ضرر ده پوششی باشد بلند برای یک فکر بزرگ تر**

**مثل اینکه آیا من لایق سود هستم؟**

**مثل اینکه آیا من لایق زندگی بهتر هستم؟**

**آیا توانایی انجام معامله را دارم؟**

**نکته:** در این مرحله وقتی وارد معامله ضرر ده میشویم اضطراب مارا فرا میگیرد این اضطراب از معامله ضرر ده نیست بلکه از جای دیگری است چون که هنوز علمش را کامل فرا نگرفته اید به توانایی هایتان ایمان ندارید این اضطراب شمارا فرا میگیرد و چون هنوز تمرین ممارست نکرده اید و نمی دانید آیا لایقش هستید یا نیستید؛ فردی که تمرین می کند میداند باتوجه به بکتست لایق سود است

**ممکنه وحشت را قبول کنیم تا اینکه بخواهیم با خدا گاهی روبرو بشویم**

**بهتر است به فکر ریشه مشکلات باشیم بدون این که ذهن را از حواص پرت کن را پر کنیم**

**عاقلانه از خودمون یک سوال ساده اما روشنگر بپرسیم**

**اگر ذهن ما اکنون درگیر این اضطراب خاص نبود چه موضوع دیگری وجود داشت که لازم بود به آن**

**فکر کنیم؟**

**نکته:** سوال آخر بسیار مهم است در هنگام معامله از خود بپرسید

**نکته مهم:** این سوال درک درستی را از وضعیت موجود برای شما رقم می زند اگر اضطراب نداشتم می فهمیدم چه معامله اشتباهی را وارد شدم یا چقدر از این که این کار را انجام داده ام از خودم عصبانی هستم ممکن بود به عمق اشتباهم پی ببرم و این همان کاری است که باید انجام دهیم و فکر کردن به تمام آنچه که به بهانه اضطراب تلاش می کنیم سانسور کنیم.

**نکته:** آنها اضطراب های اصلی و خاصی هستند که می بایست به آنها بها داد چون به مسائل نگران کننده زندگی (به طور خاص معامله گری برمی گردد) اما دسته دیگری از اضطراب وجود دارد که فلسفه وجودی آن چیزی نیست .

**منحرف کردن ذهن از بخش های وجودیه خود**

این اضطراب ها می خواهند که وارد سیستم شوند که کلا بیابند بخش های وجودی و بخش های ذهنیتان را از مسیر اصلی منحرف کنند و این ناخودآگاه از بخش ضمیر ناخودآگاهمان این اتفاق می افتد و این اضطراب هارا باید شناسایی کنیم و اضطراب خوب را از اضطراب بد تفکیک کنیم و اینگونه باعث میشود تا فرق اضطراب خوب و بد را بفهمیم و بفهمیم که این اضطراب ها کجا باید وجود داشته باشد و کجا نباید وجود داشته باشد .

• اگر قرار است رنج بکشیم که اغلب هم باید رنج بکشیم

معادل این جمله می شود که اگر بخواهیم ضرر بکنیم باید هم ضرر کنیم.

• حداقل می توانیم مطمئن باشیم که این رنج دلیل ارزشمند دارد

یا بازار به شما درس میدهد یا به شما سود می دهد بازار به طور کلی به شما ضرر نمی دهد این قضیه خیلی مهم است



- گاهی باید در معامله پایاپای اضطراب را با چیزی بزرگتر عوض کنیم ، روبرو شدن با احساسات دوگانه و پیچیدگی زندگی های خود
- باید این کار را به کمک یک سوال ساده انجام بدهی .

اگر اکنون ذهن من درگیر این اضطراب خاص نبود چه مسئله مهمی وجود داشت که شاید لازم بود به آن فکر کنم؟  
برای اینکار آدم باید ذهنش را آماده کند حالت روانی اش را تفکیک کند و اضطراب بد را از اضطراب خوب تشخیص دهد و ریشه یابی کند که مسیر ریشه یابی هم به شما گفته شد.

### آگاهی بر ذهن و کنترل بر آن و انجام تمرین های خودکنترلی مهمترین کار برای قسمت اضطراب است

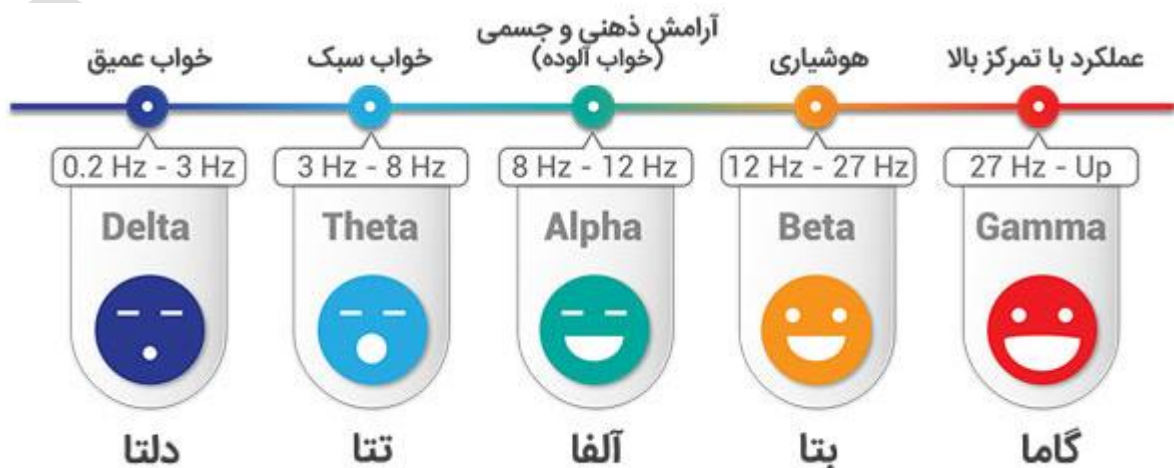
این تمرین ها می تواند با روش های مختلف صورت بگیرد مثلاً با دین افرادی هستند که با خواندن آیت الکرسی آرام می شود یا مثلاً افرادی هستند که با تمرین یوگا به خود کنترلی می رسند و آرام می شوند و این باعث می شود آرامش داشته باشید و هر چه بیشتر تمرین خودکنترلی و آرامش انجام بدهید باعث می شود اضطراب تان کمتر شود سعی کنید زیاد روی اضطراب تمرکز نکنید و بیشتر تمرین خودآگاهی انجام دهید.

**توصیه:** توصیه می شود کتاب ذهن زیبا در بورس به ترجمه احسان سپهریان بخوانید.

در این کتاب از یک متد به اسم تمرین آلفا استفاده شده است ؛ این یک روش خیلی کاربردی است اگر بخواهیم ذهن را به پنج قسمت تقسیم کنیم ذهن ما دارای پنج فرکانس مختلف است در زمان های مختلف وقتی ذهن عملکرد و تمرکز بالا انجام می دهد مثلاً یک راننده فرمول یک وقتی که دارد رانندگی می کند در سطح گاما است زیرا به تمرکز بالایی نیاز دارد.  
یا مثلاً کسی که بیلبارد بازی می کند به سطح گاما نیاز دارد.

سطح بعدی فاز هوشیاری است یا بتا که ما اکثراً در این سطح  
سطح بعدی سطح آلفا آرامش ذهنی و جسمی است این سطح همان سطحی است که ما به آن نیاز داریم در آرامش ذهنی به سر ببریم.

سطح بعدی دلتا است یا خواب سبک  
قسمت آخر سطح دلتا یا خواب عمیق



**نکته:** در کتاب معرفی شده یک تمرین وجود دارد به اسم آلفا دو این تمرین را یک فایل صوتی درست کردیم سعی کنید تمرین را اواخر شب که میخواهید بخوابید با هندسفری گوش دهید.

این تمرین شمارا با یکسری تمرین های ذهنی شمارا از سطح گاما و سطح بتا به سطح الفا میاورد و باعث میشود که ذهن شما آرام بگیرد.

**نکته:** یک فست اسکالپر باید در سطح گاما باشد یعنی نیاز به عملکرد و تمرکز بالا دارد و یک مبتدی نمیتواند اینکار را انجام دهد.

**نکته:** یک معامله گر اگر بخواهد در سطح گاما باشد اضطراب برش میدارد چون که نمیتواند از سطح آلفا شیفت کند به سطح گاما این از نظر ذهنی است و یک فرد مبتدی نمیتواند اینکار را انجام دهد.

**نکته:** یک فرد تازه کار باید در سطح هوشیاری سوپینگ گیری کند.

**نکته:** این تمرین را باید هرروز تمرین کنید.

**نکته:** بهتر است تمرین را با صدای خودتان ضبط کنید و گوش کنید چون ضمیر ناخودآگاه انسان صدای خودش را بهتر میشناسد و در دراز مدت تاثیر زیادی دارد.

## PART 47

### Trading Psychology

#### (Fear)

در این قسمت میخواهیم درباره روانشناسی معاملگری که مربوط به موضوع ترس است میخواهیم صحبت کنیم و یکی از مهمترین قسمت های روانشناسی است.

شاید بزرگترین ضربه هارا از این ترس بخورید حتی طمع، خشم، غرور و همه اینها بر میگردد به ترس وقتی شما بتوانید ترس را کنترل کنید موارد بعدی هم اتوماتیک وار کنترل میشود.

**نکته:** همه اشتباهات در معامله گری از روی ترس به وجود میاید .

اولین اشتباهی که خیلی در معامله گری رایج است:

#### قرار ندادن حد محافظ برای معاملات

اگر حد محافظ نگذارید اگر امروز کال نشوید مطمئن باشید فردا کال مارجین میشود. وقتی حد محافظ قرار ندهید وارد یک لویی میشوید لویی پر از اشتباهات.

**نکته:** کسی که حد محافظ نمیگذارد ترسیده است چون اگر کسی ایمان داشته باشد که حد محافظ از آن و سرمایه اش محافظت میکند نیازی که خودش را به خطر بیاندازد اگر کسی استاپ نمیگذارد نشان دهنده این است که از ازدست دادن پول میترسد و این است که افراد را در دراز مدت دچار مشکل میکند.

**نکته:** افراد حرفه ای حد محافظ تعیین میکنند.

### جایجا کردن حد محافظ

دومین مشکلی که از روی ترس میاید جابه جا کردن حد محافظ است.

این مشکل از مشکل قبلی بدتر است.

جابه جا کردن حد محافظ باعث کال مارجین حساب شما میشود و هیچوقت حد ضرر را خلاف پوزیشن حرکت ندهید .

قبل از معامله صبر حوصله کنید حد ضرر را درست تعیین کنید تا بعد از ورود به معامله حدضرر را دستکاری نکنید.

**نکته:** هنگام معامله شاید فکر کنید که اگر یکبار حدضررتان را جابه جا کنید اتفاقی نمیفتد ولی بدانید همان یکبار باعث کال مارجین شدن شما میشود بخاطر همین اصلا روی این قضیه شوخی نکنید.

### عدم رعایت قوانین مدیریت سرمایه

کسی که میترسد یک معامله را با ضرر میندود معامله دوم از روی ترس تمام قوانین مدیریت سرمایه خودش را خراب میکند مثلا پوزیشن های حجم بالا میگیرد ، ریوارد خودش را و همه چیز را به میریزد و این افزایش حجم ها شاید چند معامله سودده باشد و فرد معامله گر لذت ببرد ولی در نهایت منجر به کال مارجین میشود و مطمئن باشید کسی که اینکار را انجام میدهد از روی ترس است و باید ببیند که کجای کارش مشکل دارد تا برطرفش کند.

### خروج زود هنگام از معامله

خیلی وقت ها مثلا ما وارد یک معامله خرید میشویم و پس از آن قیمت رشد میکند و به یک سطح مقاومتی میرسد در اینجا ما میترسیم و معامله را دستی میندیم و تکرار این مورد باعث میشود که عادت کنیم که معاملات را دستی ببندیم.

یعنی عملا بااینکار نه تنها قوانین مدیریت سرمایه را خراب کردیم بلکه یک عادت اشتباه را داریم در خودمان جا می اندازیم و این عادت اشتباه چیزی نیست که همینطوری به توان به سادگی از آن گذشت مطمئن باشید اگر این کارها را ادامه بدهید بازار با شما شوخی ندارد و وقتی دارید سودهایتان را کوچک میکنید در مقابل ضررهایتان ، دقیقا دارید معکوس راهی را میروید که منجر به سودآوری مستمر میشود .

کسی که سودهایش بزرگتر از ضررهایش باشد در درازمدت سوده است هرچقدر این ضررها بخواهد بزرگ باشد اصلا مهم نیست اینکه مقدار اندازه شان کم باشد مهم است ، صد تا معامله یک دلاری ضرر کنید ولی دوتا معامله دویست دلاری سود کن.

برای همین اصلا به خودتان فشار نیاورید سر اینکه حتما بخواهید معاملاتان را زود ببندید این مستلزم این است که تمرین کنید که معامله زدید دیگر پشت چارت نشینید حد سود و حد ضررتان را بگذارید و بروید دنبال کارتان چون معمولا این کار از چک کردن زیاد است.

پس اینکار هم باعث از بین رفتن حسابتان میشود پس با آن شوخی نکنید.

### به دنبال گله رفتن

این جمله یک کنایه است به این که یکسری از افراد در بازارهای مالی همه دارند به دنبال یکدیگر میروند مثلا یک نفر یک جایی سیگنالی میدهد بدو بدو عوام مردم میروند و آن سیگنال را اجرا میکنند این افراد میترسند چون که به خودشان ایمان ندارند.

ترس به این دلیل ایجاد میشود که به خودتان ایمان ندارید کسی که به خودش ایمان داشته باشد نه حرف زیادی میزند نه میترسد چون میداند که دارد کار درست را انجام میدهد.

پس به دنبال گله رفتن هم از روی ترس است چون به اطلاعات واقعی و اطلاعاتی که یاد گرفته اید ایمان ندارید و نتوانستید به درستی بکتست بگیرید چون اگر درست بکتست گرفته باشید ایمان ایجاد میشود.

ایمان به خودی خود ایجاد نمیشود باید به ایجاد ایمان زمان داد باید بکتست زیاد گرفت زمانی که شما بکتست زیاد بگیرید آن موقع است که شما میفهمید که این سیستم دارد جواب میدهد و میتواند سودده باشد. برای همین سعی کنید از سیستم هایتان زیاد بکتست بگیرید تا این بحث اطمینان به خود و روانشناسی اعتماد به نفس و ایمان برایتان ایجاد شود.

### شوک شدن با حرکات بازار

این موضوع خیلی اتفاق می افتد. شاید از نظر تعداد ایجاد شدنش یکی از اولینها باشد.

بازارهای مالی با بحث فاندمنتال تغییرات حرکتی زیادی دارند مثلاً روی ارزها میبینیم که یک خبر خیلی مهم میخواهد بیاید که قرار است قیمت را حرکت زیادی دهد اما در اینجا شما از این خبر اطلاعی ندارید و معامله باز دارید اگر در جهت معامله شما قیمت حرکت کند که شانس آورده اید اما اگر در خلاف جهت معامله شما باشد و شما هم حد ضرر نگذاشته باشید چنان ضرر عجیبی میکنید که اصلاً باور نمیکنید.

حالا اگر شما هیچ پوزیشن بازی نداشته باشید شما در آن لحظه شوکه میشوید نمیتوانید وارد معامله شوید میترسید.

**نکته:** سعی کنید زمان های خاصی را که میدانید در آن زمان نوسانات پیش بینی شده است وارد معامله شوید یعنی از قبل بدانید که در فلان ساعت قرار است چه اتفاقی، چه اخباری بیاید از روی فارکس فکتوری.

### ترس از انجام معامله

این مورد اوایل کار خیلی اتفاق میفتد طوری که فرد معامله گر میترسد که کلیک کند و وارد معامله شود حتی اگر درست تحلیل کند.

**راه حل:** انقدر حجم معاملاتی خودتان را کم باید کنید که این ترس ریخته شود. در این موضوع زیاد حساس نباشید و با حجم زیاد وارد نشوید. روی دمو تمرین کنید و زیاد بکتست بگیرید.

### متمرکز نبودن بر بازار

این مورد خیلی مهم است که در هنگام معامله متمرکز باشید.

وقتی شما متمرکز نیستید بر بازار این از روی ترس شما میاید وقتی وارد پوزیشنی میشوید که تمرکزتان را به هم میریزد مطمئناً از روی ترس است یا بر اساس عوامل محیطی است که در این صورت باید محیطتان را عوض کنید به هر قیمتی که شده نباید در آن محیطی که ناراحت هستید معامله کنید.

### ساده سازی بیش از اندازه

وقتی که شما می‌ترسید از سیستم‌تان مدام می‌خواهید آن را ساده کنید چون می‌ترسید درست و زیاده تحلیل کنید و مدام می‌خواهید انقدر موضوع برایتان ساده شود (که انگار می‌خواهی هلو برو تو گلو باشه برات) اما این اتفاق در بازارهای مالی نمی‌افتد. شما بلاخره به حدی از پیچیدگی نیاز دارید برای انجام معامله.

درست است که می‌گوییم قدرت در سادگیست ولی پشت این سادگی باید تمرین و دانشی بیش از آن چیز ساده باشد شما وقتی این دانش پیچیده را دارید حالا می‌توانید با این ساده سازی کار معامله کنید. شما باید ساده معامله کنید نباید نگاهتان ساده باشد این دوجیز متفاوت از هم است. وقتی می‌بینید که خیلی دارید استراتژی را ساده می‌بینید مطمئن باشید از یک چیزی ترسیده اید و این کار دستتان می‌دهد.

### عدم مدیریت برای معاملات باز

فردی که می‌ترسد نمی‌آید معاملاتش را مدیریت کند یک زمانی است که نیاز است شما از معامله تان حفاظت کنید و آن را ریسک فری کنید یا از آن معامله خارج شوید این یک مرز باریکی است بین ترس از اینکه من زود از معامله خارج شدم و یا اینکه من یکسری اتفاقاتی روی چارت دیدم که من را مجاب به خارج شدن از معامله کرده است. بحث ترس اینجا تمام می‌شود.

این اشتباهات خیلی مهم هستند و قطعاً شما این هارا انجام خواهید داد. پس وقتی که اینکار ها را انجام دادید بفهمید که دارید می‌ترسید رفع این ترس ها نیاز به ممارست و تمرین دارد و سعی کنید خودتان را آماده کنید. باید به خودتان زمان بدهید و بدانید که بحث سایکولوژی با انجام تمرین و ممارست به دست می‌آید.

## PART 48

### Trading Psychology

#### (Pride and Anger)

در این ویدیو می‌خواهیم درباره ی خشم و غرور حرف بزنیم این دو از آفت های بزرگ در معامله گری هستند. اینکه فرد معامله گر بعد از یک معامله ضررده خشمگین می‌شود و یا اینکه بعد از یک معامله سودده غرور برش می‌دارد این موردها هم نمیتوان گفت که مخصوص معامله گرهای تازه کار است این خصوصیت ها معمولاً سال ها با فرد معامله گر میماند.

غرور میتواند بیشتر از خشم تشدید شود و خشم کم کم فروکش میکند. هرچه شما در بازار ادامه دهید یاد می‌گیرید که خشم خودتان را کنترل کنید و خشمگین نشوید از اینکه ضرر کرده اید چون که درک کرده اید ضرر جزئی از بازار است و به هیچ عنوان شما نمیتوانید آن را صفر کنید شما اگر نصف معاملات هم ضرر داد نباید عین خیالتان هم باشد چون که ریواردتان بالا است .

هرچه بیشتر حرفه‌ای تر می‌شوید حس غرور بزرگتر می‌شود و تنها حالتی که بتوانید بزرگتر بشوید این است که بتوانید این غرور را کنترل شده نگه دارید .

به طور کلی خشم و غرور چیز های بدی نیستند اینکه بخواهید این دو حس را حذف کنید خنده دار است، هیچ مکتب روانشناسی به شما اجازه نمیدهد که هیچکدام از حالت های ترس ، خشم ، غرور و طمع را حذف کنید چون اصلا نمیتوانید این کار بکنید و یک چیزی مثل غریزه است.

خیلی جاها شما باید بترسید چون اگر نترسید شما تبدیل به معامله گری میشوید که 24 ساعته معامله میکند و همه معاملاتش هم غلط است و تبدیل میشود به ماشین معامله گری و باطن نبود ترستان علم تکنیکال را زیر پا میگذارید به همین دلیل باید ترکیبی از ترس و خشم و غرور و طمع را در کنار هم داشته باشیم چون اگر طمع نباشد شما به چه انگیزه ای میخواهید معامله کنید.

شما باید یاد بگیرید که چه کاری کنید که این حواس تاثیرشان کم شود. یعنی نباید ترس را از بین ببرید و ترس را کوچک کنید باید شجاعتتان را بزرگ کنید وقتی شجاعت بزرگ میشود ترس خود به خود کوچک میشود و از بین نمیرود و نباید از بین برود.

خشم و طمع هم به همین صورت است وقتی که فروتنی و آرامش شما زیاد میشود خشم و طمع شما کاهش پیدا میکند. وقتی که هر روز پی یادگیری هستید و هرچه که یاد میگیرید میگوئید باز کم است و یا کتاب جدید میخوانید اینها باعث میشود غرور شما کم شود چون انسان هرچه کتاب بخواند بیشتر میفهمد که چقدر نادان است.

**در بحث غرور و خشم نه پارامتر وجود دارد که در ادامه به آن میپردازیم:**

### **توهم علم بیش از حد در معامله گری**

بعد از یک مدت معامله کردن ، توهم فرد معامله گر را بر میدارد مثلا ویدیوهای آموزشی دیده و چند کتاب هم خوانده تمرین هم کرده وبعد میبیند که هرچه تحلیل میکند درست در میاید در اینجا به خودش میگوید که( من چقدر حرفه ای هستم بابا ایول دمم گرم) در اینجا توهم برش میدارد.

**نکته:** کسانی که تدریس میکنند بیش تردچار این توهم میشوند .

**نکته:** هیچوقت نباید به خودتان بگویید که علم خیلی زیادی دارید ، این توهم بیش از حد را باید کنترل کنید خیلی خطرناک هستند.

### **عدم تحلیل معاملاتی که در گذشته انجام شده است**

این موضوع چیزی است که از روی غرور میاید فرد معامله گر از روی غرور نمیخواهد گذشته چارت را بررسی کند.

**نکته:** باید دونه به دونه از معاملاتتان را بررسی کنید.

**نکته:** شما نیاز به ژورنال نویسی ندارید (یعنی نوشتن معاملات هنگام ورود) برای بررسی معاملات میتوانید معاملاتتان را ضبط کنید.

میتوانید بعد از پایان روز از صفحه مانیتور فیلم بگیرید و تک تک معاملاتتان را بررسی کنید وضبط کنید و دلیل ورودتان به معاملاتتان را بگویید.

### معامله خلاف روند قیمتی

این مورد هم از غرور و هم از خشم نشأت میگیرد فرد معامله گر غرور علم برش میدارد و به خودش میگوید ( من علم تحلیل دارم باید در فلان جا و فلان نقطه قیمت برگردد) باهمین حرف یهو فرد معامله گر میبیند که حسابش صفر شده است .

لطفا خلاف جهت روند معامله نکنید و اگر این کار را می کنید استاپتان را دست بهش نزنید. بعضی از معاملات از روی خشم است ، یک معامله ضرر میدهد معامله دوم هم از روی خشم و انتقام گرفتن خلاف روند وارد میشود و ضرر میکند( با یک یا دو معامله ضررده دنیا به پایان نمیرسد).

**نکته:** اینکار باعث میشود گیر کنید در معلات ضررده و معاملات سودده هم از دست بدهید پس خودتان را از بازار عقب نیندازید.

### عدم بهره گیری از مربی مجرب

از تجربه معامله گران حرفه ای استفاده کنید و آموزش ببینید پولی که بابت آموزش میدهند در قبال زمانی که خودتان باید برای بدست آوردن آن اطلاعات بگذارید ارزشی ندارد .

### توجیح اشتباهات و تکرار آن

این مورد از روی غرور است و مدام میخواهید خودتان را توجیح کنید که اشتباه نکردید در صورتی که اشتباه کردید و دست به حد ضرر زدید و یا به استراتژی خودتان پایبند نبوده اید.

وقتی خودتان را توجیح میکنید نتیجه گیری درستی نمیتوانید کنید و وقتی نتوانید نتیجه گیری درستی کنید نمیتوانید سودده باشید برای همین به جای اینکه خودتان را توجیح کنید بیایید بی طرف بنشینید نگاه کنید که چیشد که فلان اتفاق افتاد ، این خیلی مهم است.

### عدم استفاده از ژورنال معاملاتی

در این مورد صحبت شد. باید از یک روش نوین تر استفاده کنید به جای نوشتن ژورنال معاملاتی که از صفحه فیلم میگیرید و توضیح میدهند.

### انجام معامله بدون استراتژی معاملاتی

این مورد باز هم از غرور میاید. وقتی فرد معامله گر بدون استراتژی معاملاتی ترید کند یعنی عملا هیچ دیدگاهی ندارد. دیدگاه بالاتر از استراتژی است ، دیدگاه معاملاتی خیلی مهم تر است که در این مجموعه یاد میگیرید. اگر دیدید که از استراتژیبتان پیروی نمیکنید و همینجوری رو هوا هرچی دلتان میخواهد معامله میکنید به خودتان شک کنید و بدانید که اتفاق خطرناکی احتمال دارد برایتان بیفتد.

### دنبال نکردن استراتژی معاملاتی

فردی که آموزش میبیند و زمان میگذارد باید درست کارش را انجام دهد وقتی که درست کارتان را انجام میدهید سود اتوماتیک انجام میشود و نیازی نیست که از استراتژی خارج شوید.

یکی از آفت های بزرگ این است مثل روز اول پیش نمیروید .

### برقراری ارتباط غلط بین قیمت های مختلف

این که الکی بین کارنسی ها یا شاخص ها ارتباط برقرار میکنند مثلا میگویند که شاخص داو جونز با قیمت پنبه در کشور ترکیه ارتباط دارد مثلا میگویند که داو جونز ریخت به خاطر این بود که وزیر ایران حرف زد.

هرچیزی پارامتر هایی دارد برای بررسی کردن نیازی نیست الکی بخواهیم همه چی را به هم وصل کنیم در این بازار همه چی بهم وصل هست اما نه به آن صورت که شما فکر میکنید.

به طور کلی اصلا نیاز نیست بین قیمت ها ارتباط برقرار کنید شما هر قیمت را میتوانید به صورت تکی بررسی کنید این نسبت دادن های الکی باعث توهم برای شما میشود.

## PART 49

### Trading Psychology

#### (Greed)

در این قسمت میخواهیم درباره ی طمع در معامله گری صحبت کنیم.

طمع یکی از بزرگترین دشمنان معامله گری است که شک نکنید در همه ما کم و زیاد وجود دارد. همانطور که در ویدیو های قبل اشاره شد وجود همه این احساسات الزامی است.

اگر طمعی وجود نداشته باشد شما اصلا تبدیل به یک معامله گر موفق نمیشوید همه ی معامله گر ها باید طمع و یک انگیزه در وجودشان باشد که دست بزنند به کلیک ماوس تا معامله باز کنند.

در این ویدیو میخواهیم درباره ی انواع اتفاقات و انواع اشتباهاتی که منجر میشوند به طمع صحبت کنیم و اینکه چه رفتارهایی وجود دارد برای اینکه آن هارا از بین ببریم و حداقل برایشان یک پیش زمینه داشته باشیم یا اگر برایشان راهکاری وجود ندارد بدانیم که همچین چیزی وجود دارد:

### اهداف غیر واقع بینانه در معامله گری

اگر ما میخواهیم حد سودی قرار دهیم این اهداف نباید خارج از واقعیت بازار باشد.

مثلا اگر میخواهیم یک پوزیشن سل در داو جونز باز کنیم باید دیدگاهمان این باشد که داو جونز در درازمدت همیشه صعودی است و در بلند مدت نمیتوانیم با پوزیشن سل سود آور باشیم .

منظور این است که اگر شما مثلا میدانید که یک سطح مقاومتی خیلی مهم سر راهتان هست نباید پشت آن سطح مقاومتی حد سود بگذارید.

این اهداف غیر واقع بینانه بیشتر روی اکانت ها خیلی رایج است.



یعنی به فرض شخصی میاید یک حساب هزار دلاری باز میکند و انتظار دارد که با این موجودی شاخ قول را بشکند. اهدافتان را اهداف درصدی بگذارید و خیلی بلند نگذارید.

ما نیازی به دلار نداریم بلکه نیاز به سود درصدی داریم وقتی که درصد سودتان خوب باشد نیازی ندارید که بیایید یک حساب هزار دلاری مجبور باشید دوبرابرش کنید شما یک حساب دوهزار دلاری در طول یک سال 50 الی 80 درصد افزایش سرمایه داشته باشید کار سختی نیست. اینکار سختی خودش دارد ولی اینکه به قوانین پایبند باشید کار سختی نیست.

**نکته:** یک دلیلی وجود دارد که بانک های بزرگ در صدشان پایین است ببینید بانک ها هزار یا دوهزار یا صدهزار دلار را مدیریت نمیکنند اکانت هایی که آن ها مدیریت میکنند، هزار میلیارد دلار در حال معامله شدن است وقتی شما بیایید روی هزار میلیارد دلار در سال 15 درصد سود کنید این یعنی 150 هزار میلیارد دلار پول درآورده اید این عدد خیلی بزرگ است به همین دلیل بانک ها نمی آیند ریسک های عجیب کنند ریسک های بانک ها یک دهم درصد به ازای هر معامله است. ولی اکانت های زیر صد هزار دلار را میتوانیم اهداف های دوبرابر، سه برابر کردنشان در سال را داشته باشیم.

### انجام معامله به عنوان یک سرگرمی

خب اگر شما به عنوان یک سرگرمی وارد این بازار شده اید مطمئن باشید بازار هم شمارا تبدیل به یک سرگرمی میکند و همانطور شما را از بازار پرت میکند بیرون به این شک نکنید چون این بازار شوخی نیست و باهیچکس شوخی ندارد اگر بخواهید این بازار سرگرمیتان باشد شاید شش ماه حال کنید بهتان سود دهد ولذت ببرید اما این لذت بایک خاطره تلخ تمام میشود پس اگر به عنوان سرگرمی وارد بازار شدید بازار هم شمارا به عنوان سرگرمی حساب میکند و از بازار پرتتان میکند بیرون.

### آرزوی ثروتمند شدن در یک شب

خیلی ها فکر میکنند که وقتی که وارد این بازار شوند و همه چیز را یاد بگیرند دیگر قرار است پول پاره کنند. به این سادگی نیست شما باید تمرین کنید زحمت بکشید تلاش کنید و یک جورایی خاک بازار را بخورید شما در کدام بیزینس وارد شده اید که یک شبه پولدار شوید که در این بیزینس یک شبه پولدار شوید.

به مراتب این بازار خیلی سختی هایش بیشتر از بازار های دیگر است حداقل بار روانی خیلی زیادی دارد و خود کنترلی بالایی را میطلبد و اصلا هم نباید این بازار را ساده دید.

اگر بتوانید حرفه ای شوید و مانند یک حرفه ای در این بازار عمل کنید این بازار پتانسیل سودش از خیلی از بیزینس ها بیشتر است.

اگر این بازار بسیار آسان بود همه در حال حاضر پولدار بودند پس سخت است که هرکسی نمیتواند به مراتب بالا برسد.

### اجبار به خود برای شکار کل روند

نیازی نیست که کل روند را بگیرید.

این کار باعث طمع شما میشود و بیشتر منجر به ضرر شما میشود.

### معامله احساسی در زمان خبر

در زمان خبر چون نمودار در یک بازه زمانی کوچک خیلی تغییرات بزرگی میکند این موضوع فرد معامله گر را قفلک میدهد و پیش خودش فکر میکند که اگر در فلان خبر فلان حجم وارد میشدم در عرض فلان دقیقه 100 درصد سود میکردم. شما باید بر اساس واقعیت های بازار و با ریسک منطقی وارد معامله شوید.

### افزایش حجم معاملاتی خارج از برنامه معامله گری

این مورد خیلی دیده میشود.

**نکته:** همه معامله گر ها هر روز بهتر میشوند و هیچ معامله گری نمیتواند ادعا کند که دیگر در آخر این مسیر است و بهترین بهترین هاست. اگر افزایش حجم معاملاتی را خارج از قوانین مدیریت سرمایه انجام دهید یعنی اینکه دارید تمام قوانین مدیریت سرمایه را خراب میکنید. کسی قوانین مدیریت سرمایه را خراب کند محکوم به نابودی است پس لطفا اینکار را نکنید و برای سرمایه خودتان ارزش قائل شوید.

### معامله در بازارهای متعدد

بهتر است که شما بیاپید در شاخص ها یا پوند یا فلزات استاد شوید و بعد استاد شدن در هر کدام سراغ بازار یا چارت بعدی بروید. اگر رفتار بازار ها را شناسید ضرر زیادی میکنید چون که رفتار ها در بازار های مختلف متفاوت است. این طمع است که باعث میشود شما بخواهید در بازار متفاوت کار کنید.

### اعتماد به سبک های معاملاتی غلط

بعضی از سبک های معاملاتی هستند که خیلی ادعای سود های آنچنانی دارد مثلا میگویند که با روش ما صد درصد میتوانید سود کنید خب این مورد باعث طمع میشود و به آن روش ها اعتماد میکنید پولتان را سرمایه گذاری میکنید بعد از یک مدت پولتان از بین میرود و مهم تر از پول زمانتان است پول می آید که برود و اهمیت ندارد اینکه شما زمانتان را بخاطر عدم آگاهی که بلد نبودید چه کار کنید از دست دادید پس با سبک های معاملاتی غلط خودتان را الکی در چل نیندازید.

### معامله در زمان حجم پایین معاملاتی بازار

زمانی که بازار بسته میشود یعنی زمان 12 شب به بعد ایران تا ساعت 2 و 3 شب که مارکت خیلی حجمش پایین است معامله گرانی که در طی روز معاملات مثبت خوبی داشتند هی میخواهند معامله کنند برای همین منجر به ضررشان میشود و این به دلیل طمع است.

### آزادی عمل

چون از بچگی عادت داشتیم که در چارچوب ها بگنجیم مثلا برویم مدرسه ، دانشگاه یا سره کار در این مکان ها به ما گفتند که باید راس یک زمان بیاپیم و راس زمان دیگر خارج شویم.

آزادی عمل در ناخودآگاه ما وجود دارد برای اینکه بتوانیم فرد خوبی باشیم و سنجیده شویم.

حالا وقتی که افراد وارد بازار های مالی میشوند متوجه میشوند که در اینجا هیچ قانونی وجود ندارد مثلا هر چقدر بخواهیم میتوانیم معامله کنیم.

هر چقدر بخواهیم میتوانیم پولمان را درگیر کنیم.

هرزمانی دلمان بخواهد میتوانیم معامله کنیم.

هرکجایی که هستیم میتوانیم معامله کنیم.

هیچکس بالای سر مانیست تا مارا نظارت کند.

یعنی هیچ بیزینسی در دنیا وجود ندارد که این آزادی عمل را به شما بدهد به همین دلیل روزهای اول هیچکس جنبه این آزادی را ندارد اما کم کم این جنبه بدست می آید.

در ابتدا همه از این آزادی عمل سواستفاده میکنند.

اینجا جایی نیست که هرکاری خواستید کنید.

آزادی عمل بزرگترین دشمن معامله گری است.

شما باید خودتان را مجبور کنید که یکسری قوانین را برای خودتان بنویسید که در چارچوب آن قوانین کار بکنید. اصلا مهم نیست که بازار 24 ساعته است شما نباید 24 ساعته کار کنید.

از نظر زمانی یک چارچوب انتخاب کنید و بر آن اساس معامله کنید.

حتما خودتان را منظم کنید و خودتان را ملزم کنید در یکسری از کارها که اگر اینکار را نکنید جواب نمیگیرید.

درست است که این بازار قوانین نوشته شده برای هرکس ندارد ولی شما باید برای خودتان قانون بنویسید و هر فرد باید اینکار را کند و به آن قانون عمل کند و صد درصد میتوانید باین نکات در بلند مدت سودده باشید.

اگر بخواهید از قوانین خودتان سرپیچی کنید بازار شما را زمین میزد.

## PART 54

### Final Video

### Make Strategy

در این ویدیو میخواهیم مطالب گفته شده را جمع بندی کنیم و چه مرحله را باید پیش ببریم را میگوییم تا به الان یکسری تکنیک ها یاد گرفتیم و مطالب را خوب فهمیدیم، فهمیدیم که بازار چگونه حرکت میکند و طبق آن چگو معامله کنیم.

در اینجا میخواهیم مرحله را طی کنید بگوییم :

### یک حساب معاملاتی دمو باز کنید

اولین مرحله که باید انجام بدید یک حساب معاملاتی دمو باز میکنید این حساب معاملاتی دمو را روی هر کارگزاری که دوست دارید میتوانید باز کنید.

در اینجا باید همانگونه رفتار کنید که میخواهید با حساب واقعیتهان رفتار کنید.

در غیر این صورت اگر انجام دهید سودها و ضررهایی که در دمو میکنید به آن عادت میکنید و وقتی که به حساب ریل میایید از نظر روانشناسی به هم میریزید.

### ویدیو ها را دوباره ببینید

اگر ویدیو ها را خوب ندیدید حتما دوباره ببینید ویا جاهایی که ضعف دارید را چندبار ببینید تا رفع اشکال شود.

### استراتژی کنترل روان برای خود بنویسید

در ویدیوهای سایکولوژی درباره ی انواع حالت های روانی صحبت شد . این استراتژی کنترل روان را برای این میگویم بنویسید که بدانید وقتی که عصبانی شدید یا مثلا طمع کردید یک راهکار برایش داشته باشید و دستپاچه نشوید که کار اشتباه انجام دهید این مورد برای هرکس متفاوت است. مثلا وقتی که ۳ معامله ضرر کردید دیگر معامله نکنید.

### همزمان با دیدن ویدیو مطالب را در حساب دمو تمرین کنید

خیلی روی مطالب زوم کنید و همه را یاد بگیرید قطعا ارزشش را دارد که شما یک چیزی را یاد بگیرید که تا آخر عمرتان به شما پول بدهد و زندگیتان را بسازد.

### یک دیدگاه کلی فاندامنتالی از پارامتر قابل معامله داشته باشید

شما قطعا یکسری پارامتر را انتخاب میکنید برای معامله کردن بعد این پارامترها را باید حواستان باشد و بفهمید که چه خبر فاندامنتالی باعث حرکت بازار میشود. میتوانید عضو کانال های خبری که از وضعیت کلی اقتصاد و بازار مالی جهانی اخبار میگذارند عضو شوید.

### یک الی دو پارامتر را از بین همه پارامترها انتخاب کنید

یعنی اینکه از بین این همه شاخص شما باید در یکی دوتا از این شاخص ها مستر شوید و درست رفتار شناسی کنید.

### استراتژی کنترل زمان برای خود بنویسید

باید برای خودتان این استراتژی را بنویسید به دوصورت:

1. باید هرروز زمانی را برای بازار اختصاص دهید و مطالعتان را در این مورد روز به روز تکمیل تر کنید.
2. برای انجام معاملتان هم باید زمان خاص خودتان را بگذارید شما نمیتوانید هرلحظه که دلتان میخواهد وارد معامله شوید چون سشن ها و شاخص ها با یکدیگر متفاوت اند.

### استراتژی ورود به معاملات خود را پیدا کنید

این استراتژی میتواند یک ترندلاین باشد که وقتی شکسته میشود شما وارد معامله شوید مثلا از صبح یک روندی دارید به خواتان میگویید وقتی که این روند شکست وارد معامله میشوم.

استراتژی می‌تواند در این حد ساده باشد هم می‌تواند ترکیب حالت های زمانی و روانی، فاندمنتالی و سنتیمنتالی باشد ، به طور کلی استراتژی شخصی و کامل خود را پیدا کنید.

### از پتانسیل های شخصی خود آگاه باشید و آن ها را رشد دهید

مثلا شما میدانید که در میکرو کانال ها خیلی خوب عمل میکنید یا مثلا در تردینگ رنج ها خیلی خوب هستید در اینجا شما باید سعی کنید که این پتانسیل ها را رشد دهید .

اگر ویدیوها را دیدید و خوب متوجه نشدید حتما ویدیو هارا دوباره ببینید و تمرین کنید این پتانسیل ها می‌تواند پتانسیل های روانی باشد با توجه به علم شخصیت شناسی ، شخصیت خود را بشناسید و ضعف های های خود را روز به روز کمتر کنید و به نقطه قوت های خود افزوده کنید.

### نکات مورد علاقه پرایس اکشنی خود را پیدا کنید

مثلا در بحث گپ ها شاید شما دوست داشته باشید که فقط با دو نوع گپ کار کنید این ایرادی ندارد اما باید در همین نوع حرفه ای شوید.

### تایم فریم مورد نظر خودتان را پیدا کنید

ببینید با چه تایم فریمی راحت هستید و پتانسیل بالایی دارید. این مورد کلاما شخصی است.

### ابتدا روند و کانال های اصلی را پیدا کنید

باید بدانید که چگونه در هر سایکل کانال بکشید که در مطالب گفته شده است.

### باتمامی نکاتی که در ویدیوها گفته شد تاییدیه روند را بگیرید

میتوانید با میکرو کانال ها و الگوها تاییدیه روند را بگیرید و یا از آن موینگ اوریجی که استفاده میکردیم تاییدیه بگیرید.

### در انتظار ایجاد یک کانتکست خوب بمانید

برای ورود به معامله عجله نکنید منتظر سایکل مورد نظر خود بمانید.

### سیگنال بار و کی بار را پیدا کنید

بعد از اینکه کانتکست مناسب و سایکل را پیدا کردید سیگنال بار و کی بار را پیدا کنید و با آن وارد معامله شوید. اگر سیگنال بار را مشاهده نکردید اما کی بار قابل اتکا بود و کانتکست خوبی داشتید تنها با کی بار معامله کنید.

### ریسک هر معامله را قبل از آن ورود به آن محاسبه کنید

به هیچ عنوان بیش از ۲ درصد کل سرمایه را درگیر نکنید.

**حد محافظ و نقاط احتمالی ورود و خروج از معامله را پیدا کنید و استراتژی خروج از معامله داشته باشید**

**بعد از مسلط شدن نسبی با حداقل سرمایه یک حساب واقعی باز کنید**

**برای ضررهای احتمالی پیایی خود استراتژی داشته باشید**

یعنی بدانید که وقتی چند معامله ضرر کردید چیکار کنید که از لحاظ روانی به حالت استاندارد برگردید یا از لحاظ مدیریت سرمایه چکار کنید.

**اگر سود زیادی از یک معامله بدست آوردید موقتاً از معامله دست بکشید**

زمانی هست که شما باید سودهایتان هم کنترل کنید اگر از یک معامله انتظار صد دلار سود داشتید اما هزار دلار گیرتان آمد فعلاً از معامله کردن دست بکشید مثلاً یک روز به خودتان استراحت دهید یا بهتر است مقداری از آن سود را بردارید و نگذارید در حساب بماند چون این کار باعث میشود شما یک مقدار کارهای عجیب غریب کنید و این میتواند خیلی خطرناک باشد چون یاد گرفتیم که همه چیمان باید کنترل شود.

**هر هفته ، خود را ارزیابی کنید تا به ایرادات احتمالی پی ببرید**

شما نباید یک ماه معامله کنید بعد ببینید که چیکار کرده اید شما باید هر هفته شنبه و یکشنبه ها موظف هستید که ببینید چه کار کرده اید در هفته گذشته یا چه نقطه های ورود و خروج زدید و آن نقطه ای که وارد شدید چرا آن معامله سود داد یا ضرر داد هر دو را باید بررسی کنید هم سودها و هم ضررها را ، سودها و نکند شما باید هر دو را بررسی کنید ببینید که چرا معامله سود شد و چرا ضرر شد. چون که معاملات درست میتوانند منجر به ضرر شوند پس امکان این هم هست که معاملات غلط منجر به سود شوند به همین دلیل که باید تک تک معاملات خود را بررسی کنید.

**اگر با نوشتن ژورنال معاملاتی راحت نیستید از ژورنال ویدیویی استفاده کنید**

**ApowerSoft Recorder**

شما میتوانید با نرم افزار معرفی شده بعد از اتمام معاملات آن را ضبط کنید و درباره ی معاملات توضیح دهید.

**از 30 درصد سرمایه مازاد خود استفاده کنید**

دلیل این مورد در ویدیوها گفته شده میتوانید به ویدیوها مراجعه کنید.

**اگر سرمایه مازاد ندارید با حداقل سرمایه کار کنید و برای بلند مدت به دنبال سرمایه گذار باشید**

خیلی در این مورد دقت کنید.

اصلاً دنبال دلار نباشید و دنبال سود درصدی باشید چون اگر این درصد سود را بالا نگه دارید سرمایه گذارها به سمت شما سرازیر میشوند و بعد از مدتی به صورت انتخابی با افراد کار میکنند.

با رعایت قوانین بالا به هیچ عنوان ضررده نخواهید بود اما اگر قادر به کنترل مواردی که گفته شده

### نبودید

موقتا از انجام معامله دور شوید.

دوباره ویدیوها را مرور کنید.

و از ابتدا استارت بزنید.

**این چرخه را تا جاییکه تبدیل به معامله گر حرفه ای نشدید ادامه دهید**

این چرخه باید تا جایی ادامه پیدا کند که شما حرفه ای شوید.

**اگر کاملاً به این نتیجه رسیدید که برای این کار ساخته نشده اید برای همیشه از این بازار خداحافظی کنید**

بزرگترین مشکل شما روان شماست و اگر به جایی رسیدید که مدیریت سرمایه و روان خودتان را نمیتوانید کنترل کنید این بازار را کنار بزارید.

یا اینکه این بازار را شش ماه کنار بگذارید بعد از شش ماه سراغ این بازار بیایید و ببینید که آیا تغییری کرده اید یا نه این بازار فرار نمیکند پس روی خودتان کار کنید و اگر دیدید که جواب نمیگیرید اشکالی ندارد به خودتان زمان دهید.

**با تمرین و استقامت، هر روز خود را بهینه کنید مطالعه بازار مالی و مطالعه کتب ارزشمند را ادامه دهید**

هر روز خودتان را رشد دهید حتما کتاب بخوانید حالا نه فقط در حوزه مالی در همه زمینه ها کتاب بخوانید. هر حوزه ای که به مالی و روانشناسی مربوط است برید بجوید چون مطمئن باشید اگر یک کتاب بخوانید باعث میشود اگر مثلاً در هر معامله ۵ دلار سود میکنید دفعه بعد بشود ۶ دلار در اینجا هر کتاب به شما ۱ دلار اضافه میکند شک نکنید.

**و در نهایت اگر تمامی این موارد را رعایت کردید میتوان گفت که شما:**

به زندگی جدید

بدون مدیر بالاسر

بدون ترافیک رفت و آمد

بدون ریسک کنترل نشده

بدون محدودیت مکانی

بدون محدودیت زمانی

بدون نیاز به مشتری

با پتانسیل رشد شخصی و علمی بسیار بالا

و با درآمدی بیش از آنچه که در ابتدا تصور میکردید

**خوش آمدید**

❖ حتما ویدیو های مربوط به گزارش هفتگی را ببینید زیرا این مطالب خلاصه ای از ویدیو های گزارش هفتگی است.

❖ 1 مطلبی از این گزارش هفتگی های 2\_3\_4\_10\_14\_15 در این جزوه بیان نشده است سعی کنید این گزارش هفتگی ها را ببینید.

## PART 5

### نکته برداری در حین معامله

نکته برداری فقط برای ویدیو دیدن نیست.

حالت های روانی شما باید یادداشت بشود و رفع بشوند.

مواردی که باید یادداشت کنید:

1. حالت های روانی در لحظه معامله

2. اتفاقات پیرامونی هنگام معامله

حتی اگر سرویس بهداشتیم خواستید برید که روی معاملاتتان تاثیر گذاشت آن را باید بنویسید و برایش راهکار پیدا کنید .

3. اشتباهات فنی انجام شده

4. اشتباهات مدیریت سرمایه انجام شده

حتما باید این مورد را بنویسید و اگر بیش از ۲ درصد در هر معامله وارد شدید باید خودتان را تویخ کنید.

### معامله روی پارامترهای مختلف

• بکتست

اگر میخواهید روی پارامترهای مختلف معامله کنید باید برای هر کدام از آنها استراتژی جدا داشته باشید و برای هر کدام استراتژی جدا داشته باشید.

• عدم شیفت کردن متوالی

• انتظار سود روزانه و بدون ضرر

این انتظار اوایل کار مناسب نیست و بار روانی بدنبال دارد.

• سبدگردانی نمیکنید ، معامله گرید.

معاملات زیاد باز نکنید و دیدگاه بورسی نداشته باشید.



## بازار انسان ساز

### • عدم تبعیت از قوانین

این بازار قطعا انسان ساز است و اگر نتوانید از قوانین تبعیت کنید نمیتوانید در این بازار موفق شوید شما باید قوانینی برای خود داشته باشید و باید از قوانینی که برای خود میگذارید تبعیت کنید.

اگر از قوانین پیروی نمیکنید پس انتظار سود نداشته باشید.

### • اعتماد به نفس کاذب

زمانی که این علم را یاد میگیرید شما اول کار هستید و باید بتوانید این علم را اجرا و عملی کنید پس با یاد گرفتن این آموزش ها شما معاملهگر نمیشوید و باید بتوانید این آموزش ها را عملیاتی کنید.

### • ترس بیجا در زمانی که باید وارد شوید

وقتی همه چیز را درست معامله رعایت میکنید نباید دیگر ترسی داشته باشید زیرا این ترس ، ترس بیجایی است.

### • نبود خودشناسی = خداحافظی با بازار

شما نیاز دارید که بدانید چه آدمی هستید تا بتوانید خودتان را کنترل کنید.

## مولتی تایم فریم

### • عجول اما تایم فریم بالا

### • پافشاری روی تایم فریم پایین حتی بدون سایکل

### • معامله در تایم فریم بالا و انتظار سود لحظه ای

تمامی موارد بالا از کارهای رایج و اشتباهی هستند.

## زمان باز کردن حساب واقعی

### • توانایی ریسک کردن داشته باشیم

اگر برایتان 200 یا 300 دلار زیاد است صبر کنید اول دمو کار کنید بعد سراغ ریل بروید و طوری شود که توانایی ریسک کردن را داشته باشد.

### • بکتست انجام شده باشد

شما باید بکتست گرفته باشید تا وارد حساب واقعی شوید.

## خروج زود هنگام از معامله و جابجایی حد ضرر

### • ریسک و ریوارد بالا

### • عدم وجود یک سیستم مدرن

جفت این موارد به این دلیل است که ریسک و ریوارد را رعایت نکردید و مدیریت سرمایه تان به هم ریخته و ترس شما را فراگرفته و سودتان از سود مورد انتظارتان یک مقدار بالا رفته میخواهید بپروید بیرون و یا ضررتان از ضرر مورد نظران بالاتر رفته و میخواهید ببندید و بیرون بیایید.

جفتشان به مدیریت سرمایه ربط دارد.

اگر روی یک کاغذ یک سیستم مدون داشته باشید موفق میشوید.

### بکتست

#### • 6 ماه الی 1 سال بکتست

باید ۶ ماه الی ۱ سال به طور سختگیرانه بکتست بگیرید بکتست فقط برای شروع کار نیست یک معامله گر باید تا آخر عمرش بکتست بگیرد بعد از یه مدت معتاد بکتست میشوید چون میفهمید چه کمکی به شما میکند.

#### • دمو برای 1 ماه

باید یک ماه دمو کار کنید و بیشتر پیشنهاد نمیشود.

#### • ریل با حجم بی اهمیت برای ۱ ماه

#### • ابتدا دستی و از روی گذشته چارت بکتست بگیرید

### ساخت استراتژی

#### • زمان

#### • خودشناسی

استراتژی شما باید بر اساس رفتار و تفکر خودتان باشید.

#### • کانتکست کامل ، الگو تکی

سعی کنید تک الگویی کار کنید و همه الگوها را دخیل نکنید و در بکتست به این توجه کنید که هر الگو در چه شرایطی ایجاد میشود.

#### • تشکیل درخت تصمیم گیری

شما اوایل کار نمیتوانید شهودی معامله کنید شما باید یک سیستم مدون داشته باشید که برای شما مانند درخت تصمیم گیری باشد.

## PART 6

### ساخت استراتژی

سطوح ویکلی مپ روی هر چیزی جواب میدهد.

چه مدت دمو کار کنیم؟

زمانی که در دمو سود اور بودید.

### پازل های استراتژی

#### • استراتژی تکنیکال

#### • استراتژی مدیریت سرمایه

- استراتژی روانی

- استراتژی زمانی

در استراتژی همه این موارد باید در یک راستا حرکت کنند

### استراتژی تکنیکال

#### انتخاب سایکل:

اول از همه شما باید در انتخاب سایکل حرفه‌ای شوید باید یاد بگیرید که در هر سایکل چگونه کار کنید و میتوانید در یک سایکل تخصصی کار کنید.

کانال‌ها اوایل کار بهترین سایکل برای کار کردن است چون زمان برای فکر کردن به شما میدهند.

تایم یک دقیقه بسیار سخت است و ۹۰ درصد افراد در این تایم شکست میخورند اول حرفه‌ای شوید بعد اگر مایل بودید سراغ این تایم بروید.

**نکته:** سعی کنید ویدیوها را چندین و چندباره نکات ویدیویی مربوط به سایکل‌ها را نگاه کنید.

#### انتخاب الگو یا حالت معاملاتی

الگوهایی که میخواهید در سایکل مورد نظرتان استفاده کنید را مکتوب کنید.

#### انتخاب سطوح مهم در استراتژی

در ویدیو ۱۹ درباره‌ی سطوح صحبت کردیم اما قرار نیست شما از همه آنها استفاده کنید و در استراتژی‌تان باید از یکسری از آنها استفاده کنید.

#### انتخاب نقطه ورود

انتخاب نقطه ورود خیلی مهم است اگر میخواهید در کانال‌ها ترید کنید شما باید تعیین کنید که کف وسط یا سقف کانال وارد معامله شوید اگر متوجه نشدید که چه اتفاقی دارد میفتد ترید نکنید مجبور نیستید.

#### انتخاب نقطه خروج

نقطه خروج شما به بکتست شما بر میگردد.

شدها مهم است در بکتست.

## PART 7

شروع سایکل با تشکیل اسپایک است اولین پولبک اسپایک به معنای ورود به محدوده کانال است شکست ترندلاین کانال به معنای ورود به تردینگ رنج است.

اگر انتظار ریوارد بیشتر داری انتظار استاپ خوردن بیشتر هم داشته باشید.

### استراتژی روانی

کلا بحث روانشناسی بحث بهینه سازی است و باید این موضوع را به شکل بهینه سازی ببینید.

- آزمون شخصیت شناسی را جدی بگیرید.

- اشتباهات پرتکرار روانی را یادداشت کنید.
- برای حل هر مشکل راه حل های متناسب ایجاد کنید اگر به راه حل نرسیدید باید پیش مشاور و منتور بروید.

## PART 8

### استاپ گذاری روی ارزها

ذات بازار شاخص ها یک طرفه است به همین دلیل زمانی که یک ترند شکل میگیرد شما میتوانید در داوجونز استاپتان را پشت کندل ترند بار بگذارید اما روی ارزها بازار دو طرفه است.

### کانال در جهت اسپایک است

کانال در جهت اسپایک است اگر کانال در خلاف جهت اسپایک باشد دارد الگو فلگ تشکیل میدهد و بعد از فلگ میتوان لگ بعدی در جهت اسپایک را بگیریم.

### بهینه سازی استراتژی زمانی

اولین چیزی که در استراتژی زمانی مهم است ایجاد محدوده زمانی مکمل باید برای محدوده زمانی اصلی معامله کردنتان یک محدوده زمانی مکمل هم مشخص کنید زیرا ممکن است در محدوده زمانی اصلی مشکلی برایتان پیش بیاید و نتوانید معامله کنید با این کار شما دیگر از ، از دست رفتن تایم معامتان ناراحت نمیشوید.

### بررسی سایکل مورد نظر در محدوده زمانی و رسیدن به سایکل بهینه

سیستماتان را باید در محدوده زمانی مورد نظر خودتان بکتست بگیرید باید یک زمان مشخص سایکل مشخص ، حالت های روانی مشخص و یک مدیریت سرمایه مشخصی را همه این موارد را برای خودتان یک پکیج کنید و آن را بیایید تست کنید.

### بکتست داده ها برای ۶۰ روز گذشته در سایکل و زمان مورد نظر

سایکل مورد نظرتان را برای 60 روز گذشته بکتست بگیرید این کار علاوه بر اینکه به شما یک سیستم کامل میدهد از همه مهم تر اعتماد به نفس معامله کردن میدهد.

## PART 9

کانتکست چیست؟ کانتکست به حالت کلی چارت میگویند به عبارتی در چه سایکلی از چارت قرار دارید.

### استراتژی مدیریت سرمایه

معامله با حجم معاملاتی ثابت

افزایش حجم حین معامله

افزایش حجم حینمدحین معامله در معامله ضرر ده

افزایش حجم بعد از معامله ضرر ده

افزایش حجم حین معامله در معامله سودده

معامله با ریسک درصد ثابت

**نکته:** شما با همه موارد بالا میتوانید ترید کنید اما باید جزوی از استراتژی شما باشند.

**نکته:** ارزشها به دلیل نوسانی بودنشان بخاطر خاصیت تریدینگ رنج بودنشان باید مباحث تریدینگ و کانالها را کامل یاد بگیرید.

در ارزشها mtr بسیار جواب میدهد.

**نکته:** دو لگ در ارزشها خیلی جواب میدهد میتوانید دو لگ را از بریک اوت بگیرید.

## PART 11

امکان ندارد که شما مدیریت سرمایه را رعایت کنید 2% ریسک کنید، با یک استراتژی مکتوب با ریوارد 2 یا 3 باید نایغه باشید تا حساب کال کنید.

## PART 12

استراتژیستان نباید آنقدر پیچیده باشد که گیجتان کند، در حالت لایو بازار معامله گری سخت است در حالت لایو بازار شما نمیتوانید صدتا متد را در ذهنتان مدیریت کنید مجبورید که چیزهایی را ملاک قرار دهید که بدانید از اولویت بالایی برخوردارند.

## PART 13

**مجموع ریسک چگونه محاسبه میشود؟**

اگر شما 1000 دلار دارید با توجه به تحمل روانیتان ریسک کنید کنید 2 درصد هزار دلار 20 دلار میشود اگر از دست دادن این مقدار برای شما زیاد است باید کمتر ریسک کنید حالا اگر با 2 درصد وارد معامله شدید دیگر حق ندارید با همان استراتژی که وارد معامله قبلی شدید وارد معامله جدید شوید زیرا اینجوری شما در اصل 4 درصد ریسک کردید در ضمن این ریسک هم باید بر اساس بکتستی که گرفتید باشد و استراتژیستان باشد نه که شهودی معامله کنید.

**جملاتی مانند:**

همین به بار فقط...

بزنم ببینم چی میشه...

ایشالله بر میگردد...

و جملاتی از این دست هر موقع به ذهنتان خطور کرد بدانید که کم کم دارید به کال شدن نزدیک میشوید.

هر تیپسی که میخواهید جزئی از استراتژی شما باشد باید حداقل صد بار روی چارت آن را پیدا کنید و ریت آن را پیدا میکنید بعد از این کار آن را بهینه میکنید و میشود استراتژی شما.

ریوارد قطعی باید مشخص کنید.

در بکتستان به روزهای تعطیل دقت کنید.

از سطوح اصلی مشخص استفاده کنید

ریوارد ۲ حتما بگیرید.

## PART 16

سوال:

**نمیتونم اور ترید نکم چیکارکنم؟**

اگر نمیتوانید اور ترید نکنید بدانید که به زودی کال مارجین میشوید راه حل این است که معامله را با استاپ تییی مشخص باز کنید و از پشت سیستم بلند شوید و به کار دیگری بپردازید بازارهای مالی با هیچکس شوخی ندارد.

**هرچی ترید میکنم داره منفی میخوره دلیلش چی هست؟**

یه دلیل بیشتر ندارد یا استاپتان بیش از حد تنگ است یا ریواردتان بیش از حد بزرگ است.

**تا معامله رو میندم بازار شروع میکنه در جهت من رفتن؟**

شما هیچوقت نمیتوانید کل بازار را بگیرید وقتی معامله به هدف شما میرسد هرچقدرم بعد از آن در جهت معامله شما حرکت کند مهم نیست چون شما تییی خودتان را گرفته اید.

**اگر میخواهید یک استراتژی زمانی بنویسید باید بازار را به چهار قسمت:**

اقیانوسیه

توکیو

لندن

نیویورک

تقسیم کنید نمیتوانید یک استراتژی بچینید و روی تمام سشن ها معامله کنید.

**نکته:** دابل تاپ در روند های نزولی قدرت بیشتری دارد و دابل باتم در روند های صعودی ، خلاف این مورد یعنی ترید خلاف

روند کسی که خلاف روند ترید میکنند در دراز مدت محکوم به نابودی است.

سعی کنید استراتژیستان را در جهت روند ایجاد کنید.

## PART 17

اگر پیدا کردن روند برایتان مشکل است باید سایکل را مشخص کنید .

**ایا میتوانیم از تایم فریم 5 دقیقه برای تریدر به تایم 1 دقیقه شیفٹ کنیم؟**

اگر این مورد را بکتست گرفته باشید و بدانید که چگونه در تایم 1 دقیقه ورود کنید اکی است اما استاپ خوردن در تایم ۱ دقیقه نیز بیشتر است.

سعی کنید بعد از اینکه استاپ هانت شدید بازم به خودتان اجازه ورود بدهید.

وقتی ترند لاینی شکسته میشود اولین سیگنال از ضعف روند را به شما میدهد.

میتوانید اگر الگویی بریک میشود الگو را سیگنال بار و کندل بریک اوت قوی را کیبار در نظر بگیرید.

## PART 18

اگر در 5 دقیقه ترید میکنید مجاز هستید که در ۱ دقیقه تریدگر پیدا کنید.

اگر با تایم 5 دقیقه نقطه ورود پیدا کردید هیچوقت استاپ را در یکساعته یا چهارساعته مشخص نکنید استاپ باید در همان تایم 5 دقیقه مشخص شود.

تایم فریم را ماکسیمم به بار تغییر دهید.

بازار منتظر است شما یک کار اشتباه کنید که تا به شما یک درس بدهد.

شما اول باید سایکل را پیدا کنید.

هرکاری میکنید باید طبق استراتژیتان باشد.

استراتژی اگر بر اساس سایکل چیده شود هیچوقت تاریخ انقضا ندارد.

## PART 19

کانال نمیتواند خلاف جهت اسپایک باشد اگر خلاف جهت اسپایک کانال تشکیل شد در درجه اول ما انتظار لگ دوم اسپایک را داریم.

لگ ها را میتوانیم از بریک اوت کندل ها بگیریم.

تنها دلیلی که افراد ضرر میکنند سایکولوژی است.

وسط ترند وارد معامله نشوید.

### مراحل جذب سرمایه گذار:

1. ساخت استراتژی مکتوب

2. اجرا در دمو

3. اجرا در ریل 3 تا 6 ماه یا 100 الی 300 معامله

4. جذب حداقلی

5. معامله بالای 10 هفته مستمر

6. افزایش سرمایه

**نکته:** فرق اسکالپر با اور تریدر این است که اور تریدر نمیداند دارد دقیق چه کار میکند اما اسکالپر میداند که نباید وقتش را هدر بدهد و باید کنترل روانش را در چند دقیقه معامله حفظ بکند و مانند یک اسنایپر در یک نقطه درست وارد میشود.

نقطه ورود به تیک پایین تر یا بالاتر نقطه ورود بهینه تری به شما میدهد اما ممکن است استاپ بیشتری بخورید.

استراتژی که دیر به دیر نقطه ورود میدهد استراتژی غلطی نیست اما استراتژی حوصله سربری است.

اگر برای بکتست وقت نمیگذارید وقت خود را هدر ندهید و تریدری را کنار بگذارید.

اگر خلاف روند ترید کردید باید این انتظار را داشته باشید که در هشتاد درصد مواقع استاپ بخورید چون هشتاد درصد تلاش ها برای تغییر روند شکست میخورند.

## PART 20

سوال:

**شک به استراتژی در لحظه معامله:**

شک از جایی می آید که یک معامله گر درست بکتست نگرفته باشد شما بکتست برای این میگیرید که به استراتژیستان ایمان بیاورید و اعتماد به نفس معامله کردن در شما ایجاد شود.

**نکته:** کسی که به خود کنترلی برسد بدون شک در این بازار موفق میشود.

**نکته:** الگو دو سقف را باید در روند نزولی بررسی کنید و الگو دو کف را در روند صعودی.

**نکته:** شما باید در تایم زمان و الگو مناسب وارد معامله شوید

**نکته:** برای اینکه بفهمید ترند دارد بر میگردد یا نه باید به مومنتوم ساخته شدن کف موج قبل توجه کنید.

**نکته:** شما باید به حداقل ریزاردی که استراتژیستان میدهد اکتفا کنید.

**نکته:** هرچه ریزارد بالاتر میرود احتمال وقوش پایین تر می آید ، ریزارد و ریت مانند یک الاکلنگ عمل میکنند.



**HPD:** High of previous day

**LPD:** Low of previous day

**WMA:** Weekly map

**RL:** Round level

**TL:** trend line

**MA:** moving average

**60%:** probability

**40%:** probability

**N-TIME:** Start of Newyork time

**L\_TIME:** Start of LONDON time

**T\_TIME:** Start of Tokyo time

**TR:** Trading Ranges

**KB:** Key Bar

**SB:** Signal Bar

**MG:** Magnet \_ **MG:** Measured GAP

**B :** Buy خرید

**S :** Sell فروش

**C :** Close بستن

**LONG :** خرید

**SHORT:** فروش

**BLSH :** Buy Low , Sell High

**BO :** Break Out شکست

**DB :** Double Bottom کف دو قلو

**DT:** Double Top سقف دو قلو

**Candle - Bar :** کندل

**WG :** Wedge و ج - گوه

**MM :** Measured Move گام اندازه گیری

**MG :** Measured GAP گپ اندازه گیری

**H :** High سقف

**HH :** Higher High سقف بالاتر

**HL:** higher Low کف بالاتر

**L :** LOW کف

**LH :** Lower High سقف پایینتر

**LL :** کف پایینتر

**PB :** PullBack پولبک

**TR :** Trading Range تریدینگ رنج

**TTR :** Tight TR تریدینگ رنج باریک

**Bull trend:** روند صعودی

**Bear trend:** روند نزولی

**Shadow-tail:** سایه

**Reversal :** بازگشتی

**Swing:** سویینگ

**Scalp:** اسکالپ

**Consecutive:** متوالی

**MTR :** Major trading reversal

**Tight:** باریک

**Broad:** عریض

**Outside bar:** کندل بیرونی

**Inside bar:** کندل داخلی

**3 Push :** سه برخورد

**Market cycle:** چرخه بازار

**Leg:** گام

**BE :** Break even بریک ایون

**Neck line:** خط گردن

**CH :** Channle کانال

**SUP :** Support حمایت

**RES :** Resistant مقاومت

**BOP :** Break Out PullBack

**TRI :** Triangle مثلث

**FF :** Final Flag پرچم نهایی

**EX TRI :** Expanding Triangle مثلث بازشونده

**Tip Triangle :** نوک مثلث

**SZ:** SUPPLY ZONE محدوده عرضه

**BO\_GAP:** Breakout gap گپ بریک اوت

**E\_GAP:** Exhaustion gap گپ خستگی

**DZ :** DEMEND ZONE محدوده تقاضا

**Ls :** Left Shoulder شانه چپ

**H :** HEAD سر

**RS :** Right Shoulder شانه راست

**ib :** inside Bar کندل داخلی

**OB :** Outside Bar کندل خارجی

**RN :** ROUND Number سطح رند

**Above :** بالای

**Below :** پایین

**CAH :** Cup And Handle الگوی فنجان و دسته

**YL :** Yest L Yesterday's Low کف دیروز

**Weak Bull :** صعود ضعیف

**P\_GAP:** Pressure gap گپ فشار

**T\_GAP:** Tapical gap گپ معمولی

**تا موفقیت فاصله چندانی نداریم**

**به شرط اینکه به خودمان ایمان داشته باشیم.**

**کاری از: محمد حبیبی و گروه تاپ تریدینگ تیپس**